

کشورشان باشد، وظیفه‌ی ندارند.

در رأس تشکیلات لاینز در هر منطقه فرماندار یا حاکم آن منطقه قرار دارد و پس از او کمیته تشریفات و آنگاه رؤسای کمیته‌ها و هیأت‌های مشاوران و منشیان محرمانه قرار گرفته‌اند.

سرپرستی هر باشگاه به عهده هیأتی است مرکب از رییس، رییس سابق، نایب رییس اول، نایب رییس دوم، نایب رییس سوم، منشی محرمانه، خزانه‌دار، چهار نفر مدیر، ناظم، سخنگو. اعضای هیأت مدیره غالباً از استادان دانشگاه، نویسندگان و صاحب‌منصبان بزرگان و امکانات مالی فراوانی در اختیار آنان قرار می‌گیرد.

اجلاس عمومی اعضا حداقل دو بار در ماه است. اجلاس هیأت مدیره در مواقع نیاز تشکیل می‌شود که در هر حال از دو بار در ماه کمتر نخواهد بود.

خزانه‌دار مکلف است ترازنامه حسابهای باشگاه را در پایان سال مالی به رییس و سایر اعضا گزارش کند. منشی محرمانه نیز موظف است گزارش ماهانه خود را به دفتر رییس کل باشگاهها در شیکاگو بدهد. گزارش باید شامل فعالیت‌های باشگاه و آنچه اعضا در طول یکماه از کارهای مهم بنفع صهیونیسم بین‌المللی انجام داده‌اند باشد.

افراد بهنگام قبول عضویت سوگند یاد می‌کنند و بدنبال آن از هر گونه تعهد و وابستگی عقیدتی، اخلاقی و ملی رها شده متعهد می‌شوند به قراردادهای اساسی لاینز احترام بگذارند. هر عضو تحت شست و شوی مغزی قرار می‌گیرد. بطوری که در مغز او جز عقیده صهیونیسم جای نگیرد و خود را وقف در راه صهیونیسم نماید.

لاینز هم خود را صرف جذب بزرگان هر منطقه از شخصیت‌های سیاسی، صاحبان شرکتهای انحصاری، مهندسان، وزرا و رفاه‌طلبان بخصوص پزشکان می‌نماید. پزشکان با استفاده از امکانات شغلی خود بهمراه درمان و دارو تعلیمات ساده صهیونیستی را نیز به مردم می‌دهند.

زنان در لاینز

زنان در دستگاه لاینز مورد بهره برداری بسیار قرار می گیرند. بیشتر زنان خوشگذران و رفاه طلب که به مدارج عالی سازمانی رسیده اند در جشنهای شبانه و مهمانیهای شام و جشنهای بخت آزمایی و مراسم تشریفاتی که مخصوصاً برای شخصیت‌های بزرگ برپا می شود حضور یافته درهای خانه خود را برای ترویج هدفهای لاینز باز کرده اند. آنچه دردآور است این است که این باشگاه با این قبیل ادعاها و حرکتها و فعالیت‌های آلوده به انواع دسیسه و تبهکاری و فسق، جای خود را در دل حکام عرب باز کرده و آنان در مراسم و جلسات آن شرکت کرده اظهاراتشان از وسایل ارتباط جمعی پخش می شود. در رأس حاکمان آنچنانی که زرق و برق لاینز آنان را فریفته امین جمیل در لبنان و حسنی مبارک در مصر و ملک حسین در اردن هستند که در ترویج لاینز و کمک مالی بدان کوشا هستند.



امین جمیل رئیس افتخاری باشگاه لاینز لبنان



ملک حسین رئیس افتخاری باشگاه لاینز اردن

حکومت اردن حاکم منطقه ۳۵۱ بیروت را دعوت می کند که از اردن دیدن کند و وی به همراه عده زیادی به عمان آمده مانند یک رئیس کشور

مورد استقبال وزرا و بزرگان دولت قرار می‌گیرد. حاکم مذکور پس از برگزاری جشنها و مهمانیها و دادن نشان‌ها به شخصیت‌های نظام اردن در حالی که در داخل و خارج هتل پرچمهای دولت اردن برافراشته است، یک ساعت قدیمی را به لاتاری می‌گذارد و مبالغ هنگفتی جمع‌آوری می‌کند که به خزانه لاینز سرازیر می‌شود.

فقالیت لاینز تا قلب افریقا رسوخ کرد تا اینکه در سال ۱۹۶۸ به کشور کنیا رسید. و نایروبی شاهد اولین حرکت لاینز در شرق افریقا گشت. آقای پل سناسک شوربا رئیس لاینز در منطقه ۴۱۱ در نایروبی از آقای فوزی عازار رئیس منطقه ۳۵۱ لاینز در بیروت و شخصیت بزرگ لاینز در آسیا و افریقا دعوت کرد از نایروبی دیدن کند وی کنفرانس بزرگ باشگاه‌های کنیا، اوگاندا، زئیر، و تانزانیا را در سال ۱۹۷۹ تشکیل داد تا لاینز رادر افریقا فعال‌تر کرده، زنجیر افریقاییان را با کمر بند لاینز محکمتر سازد.

لاینز و حرکت‌های مشکوک نظیر آن در هر شکل و قالبی که در آیند پرچمدار صهیونیسم و صلیبیت‌اند و هدف آنان گستردن سلطه صهیونیسم و نابود کردن مسلمانان است. (رسالة الجهاد، عربی، شماره ۲۰/۱۹۸۴ چاپ لیبی)

مرحوم اسماعیل رائین درباره باشگاه لاینز می‌نویسد:

اولین کنگره این مجمع در ۸ تا ۱۰ اکتبر ۱۹۱۷ (۱۶ تا ۱۸ خرداد ۱۲۹۶ شمسی) در شهر دالاس ایالت تگزاس تشکیل شد. این اتحادیه ابتدا تحت عنوان «خدمت به خود» شروع به کار کرد و منظور مؤسس آن کمک به بازرگانان بود. ولی در آن کنگره ناگهان شعار باشگاه عوض شده، شعار «خدمت به دیگران» و «از خود گذشتگی در خدمت اجتماع» جای آنرا گرفت. ملوین جونز مؤسس لاینز یکی از فراماسون‌های منتقد شهر شیکاگو بود. (رائین ج ۳- ص ۴۷۴)

مبحث چهارم لاینز در ایران

تأسیس لاینز در ایران از روز ۱۵ فروردین ۱۳۳۶/۱۹۷۵ م آغاز شد. در آن روز شفیق منصور، اهل لبنان، نماینده ستیاز لاینز بین المللی سی نفر از ساکنان تهران را دعوت کرد که بنای اولیه این مؤسسه را در ایران پی ریزی کنند. سی نفر دعوت شده عبارت بودند از:

بوذری، دکتر اسماعیل اردلان، هرمز آرش، کاظم اشرفی، مهندس منصور امامی، دکتر صادق آهی، دکتر منصور پورسینا، علی تاجبخش، حسن تراب، میشل جمایل، احمد حریری، ادموند حکیم، حبیب الله دیهیم، مهندس معزالدین ذوالفقاری، دکتر عزیز رفیعی، اسماعیل شریفی، محمود شکوه، طاهباز، حسین علاء، دکتر علینقی فسا، حسن فصیحی، دکتر محمد کاظمی، دانک گرنی، ارباب گیو، عبدالحسین مثقالی، دکتر ویلهلم مقدم، دکتر حسن مهدوی، تقی یزدی، مهدی یزدی. (رئین ج ۳ ص ۴۷۵)

شفیق منصور در روز دوم حضور خود در تهران نزد الله پاشا خان صالح استاد دانشگاه که سالها در سفارت امریکا مقام مترجمی و مشاوری داشته رفته نامه یکی از دوستانش را به وی داده و تقاضا کرده در تشکیل شعبه لاینز به وی کمک کند. سپس همکاریش کورش شهباز وارد اطاقش شده، و از علامتی که منصور با انگشتان دستش هنگام ورود داده متوجه شده که وی ماسون است و این مطلب را به صالح گفته و وی منصور را مجبور کرده از اطاقش بیرون برود اما در جواب اصرار او به وی گفته است نزد حسین علاء وزیر دربار برود ... شفیق منصور در این ملاقات گفته است باشگاه لاینز لبنان را فراماسونها تشکیل داده‌اند و تصمیم دارند در تهران هم لااقل اعضای هیأت مدیره لاینز از فراماسونها باشند. بدین ترتیب منصور نزد علاء استاد مادام العمر فراماسونری رفته موفق به تأسیس باشگاه لاینز در ایران می‌شود. (همان - ص ۴۷۶)

رئین نوشته است: «... وجود چند فراماسون سرشناس و صاحب مقام در مدیریت باشگاه لاینز ایران و جهان، این فکر را به وجود می‌آورد که لاینز یک مؤسسه مقدماتی

برای فراماسون‌های ایران است. در این باشگاه، لژهای فراماسونی ایران سعی می‌کنند اشخاصی را که مورد نظرشان است زیر نظر گرفته، پس از طی مراحل آزمایش، به عضویت لژها در آورند. (همان - ص ۴۷۶)

تشکیلات باشگاه:

باشگاه لاینز در تقسیمات خود کشور ایران را منطقه ۳۵۴ نامید و تا پایان سال ۱۳۴۱ تعداد ۵۷ باشگاه در ۵۰ شهر با ۱۷۵۳ عضو دایر شد. (همان، ص ۴۵۷)

با توسعه لاینز مناطق دیگری نیز دایر شد که نام مناطق ب و ث در اسناد دیده می‌شود. هر باشگاه وظایف خود را با تشکیل کمیته‌ها و تعیین مسوولانی برای مقام‌های مختلف انجام می‌داده است. سازمان اجرایی باشگاه لاینز ایران منطقه ۳۵۴ الف در سال ۳ - ۱۳۵۲ چنین بوده است:

شیر مرد دکتر ابراهیم چهارازی	رئیس منطقه
شیر مرد دکتر محمد تقی نیک نژاد	آخرین رئیس منطقه
شیر مرد سرهنگ گرگین سوسنبری	دبیر منطقه
علی اکبر کابلی	خزانه‌دار منطقه

قائم مقام‌ها

شیر مرد نصرت الله تاجیک	قائم مقام رئیس منطقه و رئیس ناحیه یک لاینز
شیر مرد مهندس علیرضا امیر سلیمانی	قائم مقام رئیس منطقه و رئیس ناحیه دو لاینز
شیر مرد محمد حسین احمدی	قائم مقام رئیس منطقه و رئیس ناحیه سه لاینز
شیر مرد دکتر حسین پاشا بهادری	قائم مقام رئیس منطقه و رئیس ناحیه چهار لاینز
شیر مرد محمد حسین مدنی	قائم مقام رئیس منطقه و رئیس ناحیه پنج لاینز
شیر مرد حسین مکرّم	قائم مقام رئیس منطقه و رئیس ناحیه شش لاینز
شیر مرد مهدی پرتوی	قائم مقام رئیس منطقه و رئیس ناحیه هفت لاینز
شیر مرد سرلشکر نیمی راد	قائم مقام رئیس منطقه و رئیس ناحیه هشت لاینز
شیر مرد مهندس عبدالملی دهستانی	قائم مقام رئیس منطقه و رئیس ناحیه نه لاینز

سرپرست‌ها

سرپرست ناحیهٔ ده	شیرمرد نصرت‌الله تاجیک
سرپرست حوزه‌های ۱ و ۲ و معاون ناحیه شش	شیرمرد دکتر هژبر التاداتی
معاون ناحیهٔ ۴ شیرمرد	دکتر محمد علی دانشور
سرپرست حوزه‌های ۷ و ۸ و معاون ناحیه شش	شیرمرد غلامرضا صدارتی
سرپرست حوزه‌های ۷ و ۸ و معاون ناحیه شش	شیرمرد سید نصرالله پاکزاد

مشاوران منطقه

تیمسار دکتر علی معارفی، دکتر اسماعیل اردلان، دکتر باقر عاملی، منوچهر سعید وزیری، حسینعلی اکبرنیا، وجیه‌الله فاضل سرجوئی، ادوارد ژوزف، دکتر علی اصغر همایونفر، دکتر دانشگر، ابراهیم امین پور، یوسف اتحاد، محمّد طاهر بهادری.

رؤسای کمیته‌ها

رئیس کمیتهٔ افتخار	شیرمرد دکتر هوشنگ ظلی
اطلاعات	محمد دادور
رئیس کمیتهٔ تعاون و تفاهم بین‌المللی و مبادلهٔ جوانان	سید خلیل‌الله کازونی
رئیس کمیتهٔ کمک به ناینتایان	دکتر حسن علوی
قائم مقام	علی اکبر کابلی
رئیس کمیتهٔ روابط عمومی	دکتر فتح‌الله سعادت
قائم مقام	بروجردی
عضویت	دکتر احمد هوشنگ شریفی
رئیس کمیتهٔ کنگرهٔ بین‌المللی	دکتر نظام‌الدین غفاری
رئیس کمیتهٔ اساسنامه پیشنهادات	جعفر رئیس‌یان
رئیس کمیتهٔ تشریفات	نوذر کاوه
رئیس کمیتهٔ گسترش	- محسن معارفی
رئیس کمیتهٔ خوش آمد گوئی	ابوالقاسم فاضل سرجوئی

رئیس کمیته کنگره	محمّد علی تقشینه
رئیس کمیته جوان شیران	حسین خلود
رئیس کمیته کمک	نعمت الله بزرگزاد
رئیس کمیته خدمت	مهندس ناصر بهبودی
رئیس کمیته کمک به کران	خدارحم آبادی
رئیس کمیته محیط زیست	دکتر خسرو پاکباز
رئیس کمیته بهداشت	دکتر هوشنگ فلسفی
رئیس کمیته بولتن	علیرضا شفائی
رئیس کمیته ایمنی	علی اکبر عقیلی

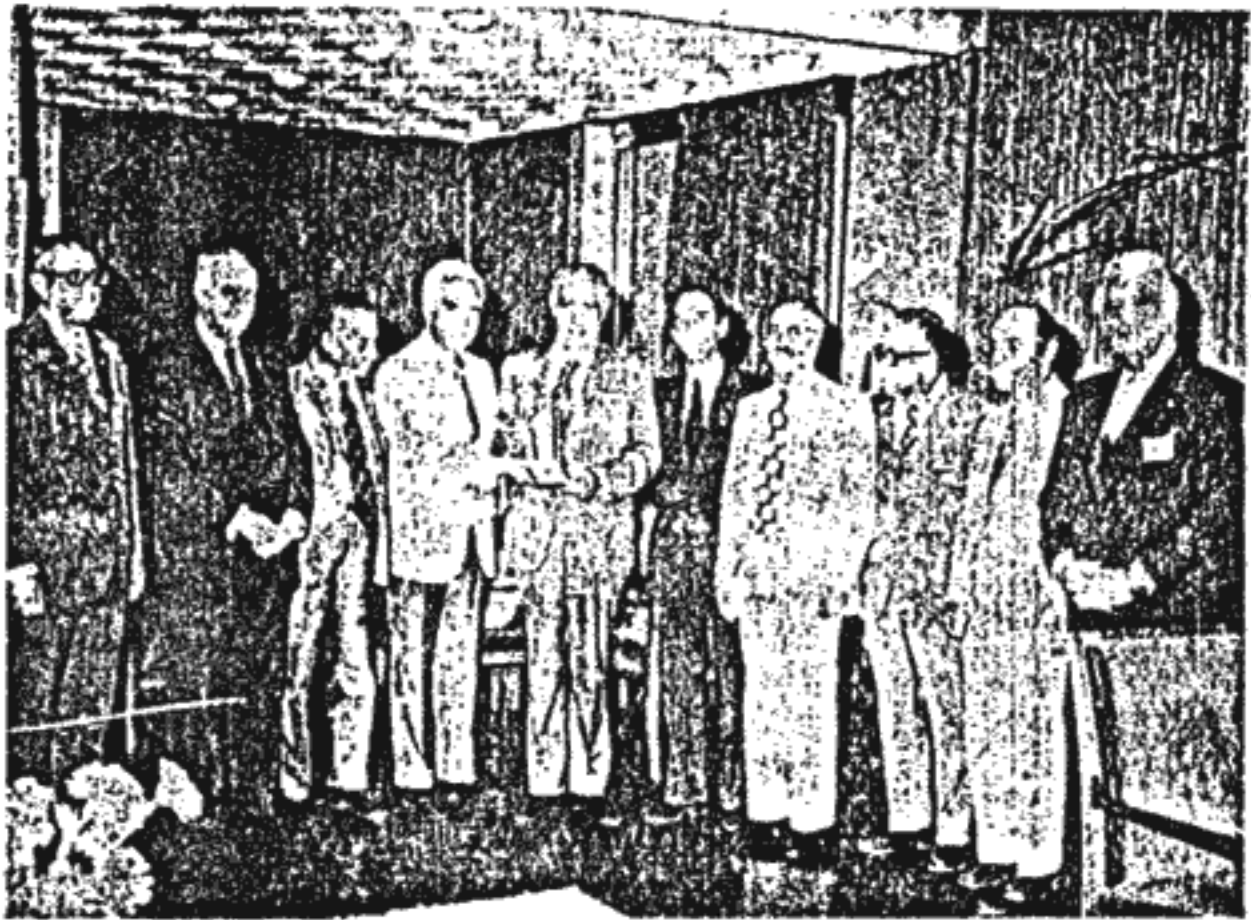
رؤسای لاینز منطقه ایران در سالهای ۵۰ - ۴۹ بعد بدین شرح بوده است:

سال ۵۱ - ۳/۵۰ - ۱۹۷۲	سید خلیل الله کازرونی
سال ۵۲ - ۵۱	دکتر محمّد تقی نیک نژاد
سال ۵۳ - ۵۲	دکتر ابراهیم چهارزی

شورای عالی

مناطق چند گانه باشگاههای لاینز ایران بوسیله یک شورای عالی اداره می شده است. در سال ۵-۱۳۵۰، رئیس آن دکتر تراب مهرا و اعضای آن شیرمردان منوچهر آبتین، دکتر محمّد تقی نیک نژاد، محمّد دزی، دکتر ابراهیم چهارزی، دکتر هوشنگ ظلی، محمّد دادور، سید خلیل الله کازرونی، و نصرت الله تاجیک بوده اند. این شورا به حضور دکتر منوچهر اقبال رئیس هیأت مدیره و مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران رسیده و یک قطعه نشان عالی مخصوص لاینز را که بمناسبت خدمات و کمکهای مادی و معنوی به سازمان بین المللی لاینز و لاینز ایران از طرف رئیس کل لاینز بین المللی ژرژ فردریک فرستاده شده بوده به وی اعطا کرده اند. (شیر نامه سال ۵۲ ص ۵۰)

اهداء نشان مخصوص لاینز بین المللی به جناب آقای دکتر منوچهر اقبال



از راست بچپ : شایر مردان منوچهر آبتین - دکتر محمد تقی نیک نژاد - دکتر محمد درزی - دکتر ابراهیم چهرازی
دکتر هوشنگ ظلی - آقای دکتر منوچهر اقبال - دکتر ارباب مهرا - محمد دادور - سیدخلیل الله کارولی - نسرته الله لاجپه

هیئت امنای رفاه نایبانیان

جلسه هیئت امنای سازمان ملی رفاه نایبانیان در دفتر وزیر کار و امور اجتماعی و با شرکت خانم معارفی معاون امور اجتماعی وزارت کار تشکیل گردید.
در این جلسه بیان بودجه سازمان مز بود در سال جاری مورد بررسی و تصویب قرار گرفت و آنگاه درباره مسائل مربوطه از جمله تشکیل کارگاه حمایت شده برای نایبانیان بحث و تبادل نظر شد و تصمیمات لازم اتخاذ گردید.

اعطاء نشان سپاس

شیر مرد سیدعلی میربا صوب باشگاه لاینز رضوی سه هجدهم به علت فعالیت و حسن خدمت از طرف شیر مرد دکتر محمد تقی نیک نژاد رئیس منطقه ۲۵۲ الف در سال مالی ۱۳۵۱-۵۲ پدیدافت پانزده نشان سپاس فاخر گردید.

شب نشینی بِنفع روشندان

یک مجلس شب نشینی در باشگاه لاینز رضوی با نفعی به نفع روشندان ترتیب یافت که عواید این شب نشینی به حساب بانک باشگاه ریخته شد تا ملی نثریاتی به روشندان و مستندان داده شود.

بسناسبت خدمات ارزنده و کمکه های مادی و منوی جناب آقای دکتر منوچهر اقبال رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران سازمان و باشگاههای لاینز ایران یک قطعه نشان عالی مخصوص لاینز که اخیراً از طرف شیر مرد گرامی در دفتر در یک فرانسوی رئیس کل اتحادیه بین المللی لاینز در سال ۱۹۷۲-۱۹۷۳ بنام ایقان رسیده بود با حضور اعضا و خانواده ایالی لاینز ایران وسیله شیر مرد ارجمنده دکتر ارباب مهرا رئیس شورا ملی تشریفات خاصی با اهتمام نامهای که بتوان تقدیر و تجلیل سادوشده بود پسر میزبانی اهداء گردید.

شیر نامه جناب آقای دکتر اقبال که از رجال لایق و پاکدامن کشور و از خدمتگزاران صدیق و حمیمی اهل حضرت همایون شاهنشاه آریامهر میباشد در دوران تصدی مقامات عالی هیئتی (وزارت - استانداری - ریاست دانشگاه - نخست وزیری و وزارت دربار شاهنشاهی) پیوسته منشأ خدمات مؤثر و بزرگی بوده و آثار نیک و خیری از خود بیاد کار گذاردمانند - مایش از پیش توفیق و کامیابی ایقان را در انجام خدمات ملی و مهنی و اجتماعی و فرهنگی خواستاریم

مبحث پنجم جمعیت تسلیح اخلاقی

این جمعیت بوسیلهٔ دکتر بوخمن که از رؤسای لژ آلپینا در سویس است تشکیل شده است و شعبهٔ آن در ایران در سفری که دکتر بوخمن در سال ۱۳۲۷ شمسی / ۱۹۴۸ م به ایران کرد تأسیس شد. شعار این جمعیت اینست: «ما دنیا را با اصول امانت، پا کد امنی، محبت و ترک خودخواهی تسخیر می‌کنیم» تسلیح اخلاقی در تبریز، شیراز و اصفهان شعبی تشکیل داده و از اعضای آن که هرگز معرفی نشده‌اند این اشخاص نام برده شده‌اند: دکتر رضا زاده شفق، علی اصغر حکمت، دکتر علی اصغر آزاد، دکتر رعدی، دکتر چهارزی، دکتر متین دفتری، دکتر سنگ، دکتر محمود زند، دکتر منصور پورسینا، دکتر محمد شاهکار، حاج محمد نیشابوری، دکتر علیمحمد بنکدارپور، مجید موقر، مصطفی عامری، دکتر مجتهدی، دکتر شهریار، سپهبد نخجوان، سید علی نصر، علی نقی مستوفیان، حاج ابوالفضل حاذقی، مفخم (رائین ج ۳ ص ۴۶۸)

در اینجا تصویر صفحهٔ ۵۷ دفتر اسامی ماسونها را به نظر خوانندگان می‌رساند. آنچه در این سند جالب است این است که پس از ذکر نام عده‌ای و ذکر نام لژ آنان، در مقابل نام چند تن در ستون نام لژ، عبارت «تسلیح اخلاقی» درج شده و نشان میدهد که جمعیت تسلیح اخلاقی دقیقاً یکی از لژهای ماسونی بوده است نام چند نفر که در سند خوانده می‌شود اینهاست: دکتر رضا زاده شفق، دکتر علی اصغر حکمت، دکتر علی اصغر آزاد، دکتر رعدی، دکتر چهارزی، دکتر متین دفتری. البته این سند کامل نیست.

نام	شغل	نام و شهرت
فارابی		رستم زرتشتی
فارابی		پرویز یگانگی
فارابی		صانعی
فارابی		اصغر زواره
فارابی		دکتر رضا فلاج
فارابی		مهندس روحانی
فارابی		دکتر چهارازی
فارابی		رحیم ازایی
فارابی		اسمعیل واعظ زاده
فارابی		مهندس گنجی
فارابی		ابوتراب روحانی
فارابی		عبداله طبری
فارابی		امیر مهدی خواجی
فارابی		مهندس حبیب خمسی
فارابی		عبدالله میررشید حائری
فارابی		مهندس مادی
فارابی		دکتر هوشنگ سیاوندی
فارابی		حکیم نقاش
فارابی		ناصر نیکانه
فارابی		دکتر رضا زاده شعری
تسلیم اخلاقی		اصغر حکمت
.		دکتر علی اصغر آزاد
.		دکتر رعدی
.		دکتر چهارازی
.		دکتر متین دفتری

مبحث ششم

جمعیت برادری جهانی World Brother's

این جمعیت در سال ۱۹۵۰ م ۱۳۲۹ ش بوسیلهٔ دکتر کلینچی و پروفیسور کامپتون تأسیس شد. آنان همزمان با جنگ کره در کنگرهٔ نمایندگان جهان در عمارت یونسکو تقاضای تشکیل سازمان برادری جهانی را کردند. این سازمان پس از تأسیس بزودی گسترش یافته در پنج منطقهٔ دنیا شعبی تشکیل داد. دکتر کلینچی از ماسونهای سرشناس و استاد اعظم فراماسونری امریکا و نیز رئیس کنفرانس ملی یهودیان و مسیحیان بود. پروفیسور کامپتون سازندهٔ اصلی بمب اتمی است که در ژاپن منفجر شد.

جمعیت برادری در ایران

در ۱۳۳۷ ش دکتر کلینچی و پروفیسور کامپتون به تهران آمدند و مرکز سازمان را در خاورمیانه و نزدیک در تهران تأسیس کردند. ریاست جمعیت با حسین علا بود و شجاع‌الدین شفا و سلیمان شاملو بعنوان دبیر کل و مدیر عامل جمعیت انتخاب شدند. علاوه بر آنان اشخاص زیر به ریاست و عضویت کمیسیون‌های مختلف انتخاب شدند: دکتر فرهاد، فروزانفر، دکتر محمود مهران، جمشید آموزگار، دکتر محمود اعتمادیان، دکتر حسین بنائی، محمّد یزدانفر، پرویز خوانساری، فتح‌الله معتمدی، جعفر بهبهانیان، خانم صفیه فیروز. (رائین ج ۳ ص ۴۷۱)

وجود این قبیل اشخاص که اغلب آنان فراماسونر و وابستگان به آمریکا و دربارند، در مدیریت سازمان برادری جهانی نشان می‌دهد که گردانندگان آن در جهت توسعه امپراطوری بین‌المللی ماسونی در قالب یک سازمان نو با ادعاها و شعارهای جدید گردآمده و چه بسا توانسته باشند اشخاص خوشنام و یا علاقه‌مند به فعالیت انسانی از نوع غربی را به دام انداخته با خود هم‌نوا و همگام نمایند.

■ حسین علا، فراماسون ۳۳ درجه از لژ ایدآل جهانی قاهره، استاد مادام‌العمر فراماسونی، استاد اعظم لژهای آلمانی، مؤسس لاینز ایران، ماسون تمام عیار، وزیر، نخست‌وزیر، وزیر دربار (رائین ج ۳ ص ۵۲۸ - سمعی ص ۱۹، ۳۵، ۸۳، ۸۳، ۸۱)

فراماسونری در امریکا

آنچه در پایان آشنایی با تشکیلات علنی فراماسونری باید افزود این است که این سازمانها از شاخه‌های ماسونیت ایالات متحده امریکاست.

در امریکا دو لژ بزرگ وجود دارد:

۱- لژ اسکاتلند آمریکا

۲- لژ آمریکا

گروه کثیری از اعضای حزب دمکرات آمریکا که گردانندگان حزب هستند عضو لژ اسکاتلند هستند و گروه کثیری از حزب جمهوریخواه عضو لژ آمریکا می‌باشند. این دو لژ با آنکه از یکدیگر جدا هستند اما در بسیاری از مسایل از جمله در سیاست خارجی همکاری دارند و یکی از علل مؤثر شرکت حزب دمکرات در حکومت حزب جمهوریخواه که اکثریت از جمهوریخواهان می‌باشد، و یا برعکس، بخاطر همکاری این دو لژ می‌باشد.» (یوسفی ج ۱ - ص ۲۵۰)

از قرن هیجدهم تا قسمتی از قرن بیستم، فراماسونری انگلستان راه را برای نفوذ و قدرت سیاسی خود باز کرد اینک نیز قدرت و نفوذ سیاسی امریکا باید این راه را طی نماید. (همان ص ۲۴۸)

نویسنده تاریخ ماسونی معتقد است: «با دوام اوضاع سیاسی کنونی شاید سازمان فراماسونری آمریکا با استفاده از نفوذ سیاسی دولت امریکا بتواند در کشورهایی که از دلارهای امریکایی بهره‌مند می‌گردند، لژهایی به وجود آورد.»...

دکتر شجاع الدین شفا: رئیس کتابخانه سلطنتی، بنابر مشهور نویسنده کتابهای محمّد رضا شاه بنامهای مأموریت برای وطن، انقلاب سفید، نویسنده و مترجم. هویدا در پاسخ خبرنگاری که از او پرسید کتابهای شاه را چه کسی نوشته است گفت: از من تشنیده بگیرید با کمک شجاع الدین شفا نوشته شد. (کیهان ۱۳۵۷/۱۲/۲۴)

جمشید آموزگار: فراماسونر، تبعه آمریکا، وزیر، نخست وزیر شاه در ۱۳۵۶ (سمعی، ص ۹۰،

۹۴، ۱۰۱، ۱۱۹)

دکتر حسین بنائی: فراماسونر، رئیس سازمان پشاهنگی ایران

جعفر بیهبانیان: فراماسونر، خزانه دار دربار، بانکدار

پرویز خوانساری: فراماسونر، سفیر، مسؤول دانشجویان در اروپا، رئیس ساواک اروپا، انگلیسی

از طرفی لژهای سازمان فراماسونری امریکا نیز می‌توانند مقاصد خود را بتوسط سازمانهای:

۱ - لاینز

۲ - جمعیت برادران جهانی

۳ - کلوب روتاری

۴ - جمعیت تسلیح اخلاقی

در کشورهایی که از دلارهای امریکایی بهره‌مند می‌شوند تأمین نمایند. سازمان فراماسونری بتوسط این باشگاه‌ها و جمعیت‌ها که بصورت ظاهر جنبه اخلاقی و کمک به هموع دارند توانسته است هدفهای ماسونی خود را تأمین سازد (همان - ص ۲۴۹)

با وجود آنکه لژهای فراماسونری امریکا علناً اظهار می‌کنند که در سیاست دخالت ندارند معذک آثار و شواهد متعددی گواهی می‌دهند که لژهای امریکایی مستقیماً و به سه طریقۀ زیر در سیاست بین‌المللی دخالت می‌کنند:

۱ - گرفتن جای لژهای انگلیسی و فرانسوی با از بین رفتن نفوذ آنها.

۲ - سیاستمداران امریکایی که بعنوان میسیونرهای مذهبی و بنگاه‌های خیریه و مأموران نظامی و فنی و اقتصادی در کشورهای رخنه می‌کنند.

۳ - سازمانهای اخلاقی و تعاونی که شعب فراماسونری امریکایی محسوب می‌شوند

نظیر روتاری کلوب لاینز، تسلیح اخلاقی، و برادران جهانی. (رائین ج ۱ ص ۱۵۹)





نفر نشسته سمت چپ دکتر علی امینی عاقد فرار داد نقت امینی - پیچ، وزیر دارائی نخست وزیر و نفر

ایستاده - حسین علاء وزیر دربار در باشگاه لاینز



فراماسونری و صهیونیسم

صهیونیسم با حضور یهودیان صاحب نفوذ معتقد به ایجاد حکومت جهانی یهود در دامنه کوه صهیون و در اراضی موعود، گرداننده لژهای فراماسونری در عالم است. با وجود اینکه در مراحل اولیه، کتب دینی قرآن و انجیل و ودا در کنار تورات در لژها برای سوگند داوطلبان بکار می‌رود در مراحل بالای ماسونری تنها تورات است که کتاب رسمی لژها و مجامع ماسونی است. ایجاد حکومت جهانی صهیونیست‌ها پس از نابودی و تغییر شکل تمامی ادیان و حذف و هدایت همه سنت‌ها و فرهنگها در جهت طراحی شده بوسیله صهیونیست‌ها و مشغول و گرفتار کردن تمامی نیروهای انسانی در آشفتگی جنسی و الکلیسم و اعتیاد به مواد مخدر و انحراف اخلاقی، عادی شمردن زنا با محارم و خیانت به کشور برای هموار کردن راه صهیونیسم در سلطه بر تمامی ملل و امم عیناً بااهداف و روشهای فراماسونری منطبق است. فراماسونرها سربازان یقه سفید و گردانندگان پشت صحنه معرکه صهیونیسم‌اند و عرصه‌های سیاسی، مالی و فرهنگی را یکایک برای صهیونیسم فتح می‌کنند. (لامبلن: فصول ۱ و ۳ و ۴ و ۱۱ و ۱۵)

ارتباط فراماسونری با یهودیت

فراماسونری بر مبنای عقاید و سنن قوم یهود و کتابهای دینی که در میان آن قوم رایج است تأسیس شده و اساطیر یهود نظیر احداث معبد سلیمان بدست حضرت سلیمان، قتل حیرام معمار معبد سلیمان، جست و جوی قاتل یا قاتلان وی بقصد انتقامجویی از آنان، اساس بسیاری کارها و فعالیت‌های لژهاست. - (حسابی، ص ۱۴۱ - ۱۹۳ - ۲۲۸ - ۳۱۶) مؤسسان فراماسونری و پایه‌گذاران تشکیلات آن در بسیاری کشورها یهودی بوده‌اند. تفصیل روابط بنیانی فراماسونری و یهودیت از دیدگاهی تازه در کتاب فراماسونری و یهود بیان شده است و در این جا نیازی به تکرار نیست. در اینجا بخشی از گفت و گوی استاد با داوطلب ورود به درجه سوم فراماسونری رمزی یا آبی یا سه درجه‌ای یعنی درجه استادی نقل می‌شود تا مقام تعلیمات یهودی در آموزشها و مراسم ماسونی نشان داده شود. ابراهیم الفت حسابی در کتاب خود این مطالب را از لاروس قرن نوزدهم نقل کرده است:

«استادی عبارت است از درجه سوم کلیه طریقت‌های ماسونی... استادی فراماسونری تشریفاتی دارد که اساس آن نمایش دادن مرگ حیرام استاد کامل است که طی آن بمثابة همان ترتیبات باستانی، داوطلب مقام استادی باید شخصاً

نقش قربانی واقع را ایفا کند.

برای سیر دادن یک نفر استاد، اعضای لژ که با لباس درجه استادی ملبّس شده‌اند در طالاری سیاه پوش جمع می‌شوند که با نور ضعیف چراغی که از سقف آویخته روشن گردیده است. یار در حالیکه بوسیله برادر کارشناس همراهی می‌شود، ضربه‌ای به در این طالار می‌زند. چون اجازه دخول به او داده شود پس پس وارد می‌شود تا چشمش به محراب (میز) استاد بسیار محترم (رئیس) نیفتد.

آنگاه در چند کلمه به او توضیح می‌دهند که برادران بمنظور تعزیه‌داری در مرگ حیرام استاد عزیزی که خائنانه توسط سه یار بد کردار به قتل رسیده است جمع شده‌اند. آنوقت از او می‌پرسند که آیا او از این جنایت مبرا است. آیا در دوران یاری خویش به استادان خود با وفاداری خدمت کرده است؟ آیا حاضر است آزمایشهای قبول به درجه استادی را تحمل کند پس از استماع پاسخهای مثبت او، رویش را به سوی محراب بر می‌گردانند و او در آنجا یک کله مرده و استخوانهای مرده مشاهده می‌کند. استاد بسیار محترم از او می‌خواهد که به دقت به این بقایای بیجان توجه کند. آنوقت خطابه مختصری درباره کوتاهی حیات و لزوم تلاش در طریق پرهیزکاری و عبث بودن ثروت و مال و بیهودگی نخوت و غرور و تساوی تمام بشر در حین مرگ ایراد می‌کند چون داوطلب تقاضای اعطای درجه استادی می‌کند استاد بسیار محترم به وی می‌گوید که الساعه اسرار مرگ حیرام را بروی فاش خواهد ساخت این واقعه رمزاً نشان دهنده علت بدبختی‌های بشر است و واقعه مزبور در حالی که داوطلب در مقابل محراب، ایستاده بتفصیل برایش شرح داده می‌شود. خلاصه آن چنین است:

حیرام معمار معبد سلیمان کارگران خود را به سه طبقه تقسیم کرده بود. این سه طبقه عبارت بودند از شاگرد، یار، استاد. مرز آنها با هم متفاوت بوده و هر طبقه برای دریافت آن می‌بایست واژه عبور طبقه خود را بگوید. سه یار بد کردار که واژه عبور و رمز درجه استادی را از او خواسته بودند و وی از دادن آن امتناع ورزیده بود تصمیم گرفتند که این واژه را به جبر، و زور از وی بستانند و اگر در این امتناع اصرار کند او را به قتل رسانند. این سه یار بد کردار نامهایی داشتند که در تمام زبانها بمعنای نادانی، دروغ و جاه طلبی می‌باشد. آن سه نفر توطئه‌ای را که ترتیب داده بودند در موقعی که حیرام از در شرقی وارد معبد شد بموقع اجرا گذاشتند... (در

اینموقع رئیس لژ که مراسم پذیرش داوطلب را اداره می‌کند چنین وانمود می‌کند که ضربه پتکی به داوطلب می‌زند و داوطلب ناگهان بر زمین می‌افتد و در داخل تابوتی که درونش با پارچه سیاه پوشانده شده دراز می‌کشد.

سه نفر قاتل جنازه را موقتاً روی تپه‌ای در نزدیکی بیت‌المقدس به خاک سپردند و روی قبر یک شاخه اقاویا بعنوان علامت نشانند تا بعداً محل آن را با آسانی پیدا کنند و جنازه را به محلی دورتر برده جنایت خود را بهتر و مطمئن‌تر مخفی سازند. پس از بازگشت به بیت‌المقدس به همه اعلام نمودند که استاد وفات یافته و اسرار را برای ادامه ساختمان به آنها سپرده و بدینطریق موفق شدند یک عده از کارگران را بفریبند... ولی نه نفر که به خاطرات استاد خود وفادار مانده بودند مصمم شدند پرده از این دغلبازی بردارند... در حین جست و جوهائی که در اطراف بیت‌المقدس بعمل آوردند شاخه اقاویا توجه آنان را جلب کرد. قبر را کشف کردند و یکی از آنان که به جنازه دست زد فریاد برآورد: «گوشت از استخوان جدا می‌شود» ولی استاد نمرده بود بلکه فقط خفته بود. جراحاتش با مرور زمان التیام یافته بود، بکمک یک ماسون وفادار از قبر برخاست (در اینموقع داوطلب را از تابوت بیرون می‌آورند. پارچه‌های سیاه اطاق وسط کنار می‌رود. لژ با انوار بسیار می‌درخشد. با احترام زنده شدن حیرام بخور می‌سوزانند. بر سر داوطلب تاج گلی می‌گذارند. به همه برداران گل تقسیم می‌شود) استاد حیرام به بیت‌المقدس بازگشت. جنایتکاران فرار اختیار کردند و بابدبختی و فلاکت تلف شدند و غیره. آنگاه داوطلب سفر سیر خود را ادامه می‌دهد. سوگند استادی یاد می‌کند. واژه‌ها و علامات و برماسهای درجه جدید خود را دریافت می‌دارد. خطیب لژ معنای رمزی تشریفاتی را که انجام شده توضیح می‌دهد...»

ماجرای افسانه‌ای حیرام و تعقیب و قصاص قاتلان تا مراحل عالی ماسونی بصورت رمزی تعقیب می‌شود. اعداد مقدس، (۳ - ۹ - ۱۹) اشکال مقدس (دایره، خورشید، چشم، مثلث، ستاره، شمشیر و غیره) رنگهای مقدس (زرد، طلائی، آبی...) و سمبلها و سنت‌های یهود در هر قدم ماسونری بچشم می‌خورد.

سرودهای ماسونی که خواندن آنها در لژبهنگام مراسم تنصیب و ارتقا معمول است سرودهای یهودی است که از مزامیرداود، سفر اعداد و دیگر بخشهای کتاب مقدس یهود بزبان انگلیسی خوانده می‌شود. (رائین ج ۳ ص ۲۰۷-۱۹۹)



فراماسونری و کمونیسزم

کمونیسم اختراع موفق ماسونها و یهودیها از سرچشمه فراماسونری جوشیده و وجوه اشتراک بسیاری با آن دارد. (لامبلن: فصل ۴، گروه تحقیقات: فصول ۴ و ۱۰)

«یهودیان بعثت کمی عده هرگز نمی‌توانند بر مللی که در داخل آنها زندگی می‌کنند فائق گردند؛ ولی یک طریقه انتحار تدریجی اختراع کرده در بین مسیحیان متداول کرده‌اند که آنها با اختلاف داخلی تیشه به ریشه خود می‌زنند و به دست خود، تشکیلات خود را از هم می‌پاشند.

در خصوص بلشویسم، یهودیان روسیه انکار نمی‌کنند که خودشان مسؤول ظهور بلشویسم هستند. در سال ۱۹۱۹ یک نفر اسرائیلی در مجله کمونیست نوشته: «می‌توان گفت که انقلاب بزرگ اجتماعی روسیه نتیجه اقدامات یهودیان بوده و نه تنها تهیته موجبات این انقلاب را دیده‌اند بلکه زمام امور نیز در دست آنها بوده است و ما یهودیان مادام که زمام امور ارتش سرخ در دست «لئون تروتسکی» است باید راحت و آسوده باشیم» (لامبلن: ص ۱۱)

در پروتکل دوم حکمای یهود آمده است:

به پیشرفت‌هایی که خودمان در راه داروینیسیم و مارکسیسم و نیچه‌ایسم

ایجاد نموده‌ایم توجه کنید. (همان: ص ۲۹)

و در پروتکل چهارم گفته شده است:

چه کسی می‌تواند یک قدرت مخفی را از بین ببرد. این قدرت مخفی،

قدرت ماست. فراماسونری خارجی فقط بمنظور مخفی نگاه داشتن نقشه‌های

ماست و شعاع عمل و طرز اجرای این قدرت مخفی و محل اجرای آن برای

همیشه بر ملت پوشیده است. (همان: ص ۴۲)

در پروتکل نهم مذکور است:

در دستگاه ما هواخواهان سلطنت، عوام فریبان، سوسیالیست‌ها و همه

فرقه‌ای وجود دارند. (همان: ص ۶۴)

در پروتکل یازدهم درج است:

بدینوسیله ما به مقاصدی نایل می‌شویم که مستقیماً وصول به آنها

امکان پذیر نیست؛ و این سیاست، اساس فراماسونری ما را که دیگران به

اصول آن پی نبرده‌اند تشکیل می‌دهد. (همان: ص ۸۲)

کمونیست‌ها معتقد به همان اساسی هستند که فراماسونری مروج آنست. ماتریالیسم در زیر

بنای تفکر هر دو گروه است و نزدیکی سیاست‌های دولت انگلیس با دولت اتحاد شوروی

نتیجه این توافق اصولی و نیز نفوذ یهودی‌ها در هر دو دولت است. حضور یهودی‌ها و

صهیونیست‌ها در سازمان فراماسونری و احزاب کمونیست و فعالیت تعداد کثیری

نویسندگان و دانشمندان یهودی در هر دو جناح مذکور و فعالیت ماسونها در انقلاب‌های

کمونیستی دلیل دیگری است بر این که اساس هر دو تشکیلات بظاهر متضاد یک چیز

است. قول یک نشریه ماسونی (ماسون ترک شماره ۷۲/۲ ص ۳۲) در این باره گویاست:

«ما [ماسونها] با جوانان چپگرا که متد علمی و عملی لژ روسیه را

پذیرفته، و خواستار آزادی، برابری، و زندگی شرافتمندانه و سعادت‌مندانه

هستند همگام و همفکر هستیم. آنها ماسون‌های بدون پیش بند ما هستند.

آنان مباحث داخل معبد ما را، در خارج معبد، تعقیب و پیگیری می‌نمایند.

آنان بازوی راست ما هستند. در هر زمان، و در هر مکان، و در هر موقعیتی،

مدد کار آنان خواهیم بود.» (گروه تحقیقات: ص ۳۲۵)

اشاره نویسنده به شعار کمونیست‌ها: برابری، برادری، حکومت کارگری است که نویسنده مقاله حکومت کارگری را مترادف با زندگی شرافتمندانه و سعادت‌مندانه گرفته است. ماسون‌های بدون پیش‌بند با ماسون‌های با پیش‌بند در جهات بسیاری اشتراک دارند که از باب رعایت اختصار خوانندگان را به ملاحظه کتابهای ارجاع شده دعوت کرده، به چند مورد زیر اشاره می‌کنیم و می‌گذریم.

وجه اشتراک فراماسونری و کمونیزم

کمونیزم		فراماسونری
<p>۱- خدا وجود ندارد.</p> <p>۲- همه موجودات از تکامل انواع پست‌تر به وجود آمده‌اند (اولسیون).</p> <p>۳- انسان کامل شایسته احترام، فقط کمونیست‌ها هستند.</p> <p>۴- همگان درانتخاب دموکراسی پرولتری و روابط جنسی از هر نوع و بهر صورت آزادند.</p> <p>۵- حکومت جهانی باید بدست کمونیست‌ها (پرولتاریا) ایجاد شود.</p> <p>۶- آزادی، برابری، برادری.</p>	<p>۱- خدا وجود ندارد.</p> <p>۲- همه موجودات از تکامل انواع پست‌تر به وجود آمده‌اند (اولسیون).</p> <p>۳- انسان کامل شایسته احترام، فقط ماسون‌ها هستند.</p> <p>۴- همگان در عقیده، در روابط جنسی از هر نوع و بهر صورت آزادند.</p> <p>۵- حکومت جهانی بدست ماسون‌ها باید ایجاد شود.</p> <p>۶- آزادی، برابری، برادری.</p>	<p>عقیده</p>
<p>۱- حذف ادیان.</p> <p>۲- حذف سنت‌ها و قیود اخلاقی.</p> <p>۳- جهان وطنی.</p> <p>۴- آزادی در رد همه عقاید و قبول فقط عقیده کمونیزم.</p> <p>۵- آزادی و هرج و مرج جنسی ...</p> <p>۶- غوطه ور شدن مردم در فساد بمنظور ایجاد شرایط سلطه کمونیزم.</p> <p>۷- ایجاد حکومت جهانی بر مبنای عقاید کمونیزم و بیخدائی.</p>	<p>۱- حذف ادیان.</p> <p>۲- حذف سنت‌ها و قیود اخلاقی.</p> <p>۳- جهان وطنی.</p> <p>۴- آزادی در رد همه عقاید و قبول فقط عقیده فراماسونری.</p> <p>۵- آزادی و هرج و مرج جنسی بصورت فحشا و همجنس بازی و انحرافات اخلاقی.</p> <p>۶- غوطه ور شدن مردم در فساد و تباهی بمنظور ایجاد شرایط انقیاد و اسارت آنها بدست ماسون‌ها.</p> <p>۷- ایجاد حکومت جهانی بر مبنای عقاید قوم بهود و بیخدائی.</p>	<p>هدف</p>



ارتباط فراماسونرها با امور سیاسی

هنگامی که فراماسونرها در مورد ماهیت ماسونیت و اهداف آن مورد سؤال قرار می‌گیرند سازمان فراماسونری را جمعیت خیریه که با هدف برادری و خدمت به هم‌نوع تشکیل شده معرفی می‌کنند. این توضیح که با عباراتی توأم با ابهام ادا می‌شود شنونده را در این اشتباه می‌اندازد که «برادری» را برادری بین همه افراد بشر و «خدمت» را همان مساعدت به بینوایان و نیازمندان و «هم‌نوع» را نوع بشر تلقی می‌کند؛ در صورتیکه منظور از این اصطلاحات ماسونی خدمت و کار ماسونی در میان اعضای فرقه ماسونی است. بعضی تا آنجا در دام این عبارات و ظاهر اعمال ماسونها افتاده‌اند که ماسونها و وابستگان آنان را در پوشش سازمانهای لاینز و روتاری اعضای جمعیت خیریه با هدف کمک به مستمندان نامیده‌اند. همچنین ماسونها در گفتار خود ماسونی را جمعیتی غیر سیاسی که هیچ ارتباطی با امور سیاسی ندارد، ذکر می‌کنند. ابراهیم الفت نوشته است: «یکنفر ماسون فرد آرامی است که در هر جا اقامت داشته باشد یا هر جا کار کند مطیع مقامات کشوری است. هرگز در توطئه‌ها و کنکاشهایی که علیه صلح یا مصالح ملّتی باشد دخالت نمی‌کند.» (حسابی ص ۱۵۶) ■

■ ابراهیم الفت میرزا حسابی عضو لژ طبرستان است.

در اینجا متن نامه‌ای که دکتر محمود هومن استاد ماسونی ایران و از شخصیت‌های معروف فراماسونری، پس از پیروزی انقلاب اسلامی خطاب به کمیته انقلاب اسلامی نوشته است و متضمن دیدگاه‌های رسمی و اعلام شده تشکیلات فراماسونری درباره آن تشکیلات است و در واقع چهره‌ای را نشان می‌دهد که ماسونها دوست دارند بدان صورت دیده شوند از نظر خوانندگان می‌گذرانیم:

«دکتر محمود هومن» - خیابان سعدی - شماره ۲۳۷

تهران - ۱۳۵۷/۱۲/۵

بسم الله الرحمن الرحيم

کمیته محترم امام خمینی دامت برکاته

طریقت فراماسونری یا بنائی آزاد، طریقتی است باستانی که بر بنیاد دیانت و فضیلت و تقوی پایه گذاری شده و اعضاء آن پابند دین خود هستند و با دقت فراوان از قوانین اخلاقی پیروی می‌کنند.

فراماسونها عقیده دارند «که انسان‌ها به ظاهر می‌نگرند در صورتیکه خدا از درون دلها آگاه است» و از اینجا است که برادران حقیقی فراماسون همیشه کوشش دارند که بخلاف دستور وجدان اخلاقی عمل نکنند و این کار را تکلیف خود می‌دانند.

«درهای این طریقت به روی هر انسانی که به خداوند متعال ایمان دارد و کتاب آسمانی را هادی اعمال خود می‌داند گشوده است. فراماسونها افرادی مطیع و صلح طلب‌اند و هیچگاه با دسته‌بندی‌ها و توطئه بر ضد صلح و رفاه مردم سرو کار ندارند. آنان باید در هر پیش آمدی از منافع جامعه پشتیبانی کنند و در آبادانی کشور خود با حرارت اقدام نمایند.»

طریقت فراماسونی منظم در ایران در سال ۱۳۴۷ رسمیت یافته و آزاد و مستقل است و وابسته به هیچ کشور بیگانه نیست، اما از آنجا که در دوره گذشته سازمان ساواک می‌خواست به هر گونه فعالیت معنوی رخنه کند این بود که فراماسونهای ایرانی مصلحت دیدند که بنام انجمنهای فرهنگی که فقط در راه تربیت اخلاقی برادران کار می‌کند و طبق مقررات به ثبت رسیده با پروانه شهربانی به کارهای

خود بپردازند.

«گفتگوها و بحث‌های سیاسی در کارگاههای فراماسونی ممنوع است»

اکنون که چهره اصیل اسلام آشکار شده فراماسونها که مؤمنان حقیقی و دینداران واقعی هستند می‌توانند با آزادی بیشتر فعالیت کنند و برای این منظور با کمال خوشوقتی همبستگی خود را با نهضت انقلاب اسلامی ایران برهبری حضرت آیت الله العظمی امام خمینی اعلام می‌دارند.

«ما فراماسونها از راه سیر در مقامات طریقت خود و بروش رمز، در راه آرمانهای آزادی، دینداری و احترام به انسان گام بر می‌داریم و سه ستون ایمان، نیکخواهی و امید راهنمای ما هستند»

برادران فراماسون در کارگاه خود می‌آموزند که ملایم و فروتن باشند و بوسیله رفتار آمیخته به تقوا و نیکخواهی طریقت قدیمی خود را به همه جهانیان ثابت کنند تا اینکه نام ماسون به تنهایی همه کس را معتقد کند که کسی که این نام را دارد یکی از کسانی است که همه غمزدگان می‌توانند درد خود را به او شرح دهند و همه ستمدیدگان می‌توانند از او کمک و حمایت بخواهند. دست او بوسیله عدالت هدایت می‌شود و قلب او سرشار از احسان و نیکوکاری است.

امیدوارم این اعلامیه برای زدودن زنگ تهمت‌هایی که تا امروز به طریقت ما نهاده شده سودمند باشد و ما بتوانیم در پناه دولت اسلامی به کارهای معنوی خود بپردازیم و اعضای محترم کمیته امام خمینی روشن و متمایز ببینند که ما نیز مانند آنان خواستار آسایش و آرامش مردم هستیم و از ستمگری و زورگوئی و بی‌احترامی به انسان دور مانده‌ایم.

محمود هومن رئیس طریقت فراماسونی کهن و پذیرفته شده ایران

همانطور که ملاحظه می‌فرمائید د کتر هومن این اعلامیه را بمنظور اعلام همبستگی با انقلاب اسلامی سیزده روز پس از پیروزی انقلاب صادر کرده و در آن سعی نموده با نقل مطالبی از اصول ماسونیت شبهه‌هایی را که در اذهان وجود داشته رفع کند.

خواننده توجه کرده است که عبارات و کلمات این اعلامیه رسمی همه اصطلاحات و تعابیر ماسونی است و نویسنده که استاد فلسفه دانشگاه و ادیب و نویسنده است نخواسته یا

دکتر محمد زودین

نوبان صدی شماره ۲۴۷

تهران - ۱۳۵۷/۱۲/۵

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

کعبته محترم امام شیخین دامت برکاتهم

ظرفیت فراماسونی با بنامی آزاد، ظرفیتش است با سخنانی که برهنه و بیادست و بی‌سوی
باید گذاری شده و همانا آن باید دین خود مستند و با دست فراوان از قوانین اخلاقی پیروی میکنند.
فراماسونیتها شده دارند " که اساس اینها برده اند در صورتیکه خود از روی دلخواه است
و از اینجا است که برادران حقیقی فراماسون همیشه گوشه دارند که بخلاف دستور وجود آن اخلاقی می‌کنند
و این کار را گنجه خود میدانند.

" درهای این ظرفیت پیروی همسانی که پیدا شوند فعالان بدان دارد کتاب اساسی را عمادی
اعمال خود میداند گشوده است. فراماسونیتها افرادی مشیخ و صلح طلبند و هیچگاه با دست بی‌حس و
توانه برنشد صلاح و رفاه مردم سرنگارند دارند. آنان باید در هر پیش آمدی از نافع جامعه پشتیبانی کنند و
در آماندانی کشور خود با رازت اقدام نمایند "

ظرفیت فراماسونی منظم در ایران در سال ۱۳۱۷ (در صورت یافتن و آزاد و استقلال است و وابسته به هیچ
کشور یا گانه نیست) اما از آنجا که در دوره گذشته سازمان ساواک به بنواست به روزگانه فعالیت معمولی رخنه
کند این بود که فراماسونیتها ای ایرانی همگیت دیدند که بنام چندین ای فرعی که فقط در راه تربیت اخلاقی
برادران کار می‌کنند و لیش و شرارت پشت رسیده با پروانه شهرت با بیگانه‌ای خود به بردازند.
" که تقوای شغلی سیاسی در کارها شغلی. فراماسونی منبع است "

اکنون که چهره اصل آشکار شد و فراماسونیتها که به بنام حقیقی خود پیدا ران واقعیت مستند
می‌توانند با آزادی بیشتر اذیت کنند و برای این در دوره امکان شوشوش همگیت خود را با این شرف انقباض
اساسی ایران بهره‌وری حضرت آیت الله العظمی امام خمینی - سیاسی اعلام پیدا دارند.
" ما فراماسونیتها از راه سرمد مقامات ظرفیت خود و پرورش رمز " در راه آزادی های آزادی و
دیداری را تمام با انسان گنجه دارند و سه ستون این را یکخواهی باید راه های ماسونیت "

برادران فراماسون در کارگاه خود برآوردند که " ما هیچ چیز نمی‌باشند و هیچگاه رفتار نمی‌کنیم به کار
هریک خواهی ظرفیت قدری خود را به همه جهان بدان ثابت کنند تا اینکه نام ماسون به تنهایی همه کس را معتقد
کنند که کس که این نام را دارد یکی از کسان است که همه نمودگان می‌توانند در خود پایه اوشیح دهند و
همه می‌توانند از او کمک و حمایت بخوانند. دست او وسعیه عدالت می‌شود و تلب او
سرشار از احسان و نیکوکاری است.

امید داریم این اعلامیه هم برای زدودن رنگ توهمتها ای که تا امروز ظرفیت مانده شده - در دست
باشد و ما به و ایم در بنای دولت اسلامی نگارهای معمولی خود به برد از اعضای محترم کعبته امام خمینی
روشن و شایسته دیدند که ما نیز مانند آنان خواهستار آسایش و آرامش مردم هستیم از استعگری و نورگوشی
و بی احترامی به انسان دورماند. ایم.

محمد زودین

رئیس ظرفیت فراماسونی کهن و بی‌پرتابه شده ی ایران

نتوانسته جز بزبان ماسونی سخن گوید. در اصطلاح فراماسونها طریقت، دیانت، فضیلت، تقوی، دین، قوانین اخلاقی، برادران حقیقی، وجدان اخلاقی، مطیع، توطئه بر ضد صلح و رفاه مردم، کارگاه، فعالیت معنوی، کار، تربیت اخلاقی، آزادی، سیر، رمز، احترام به انسان، ایمان، امید و... معانی خاص تشکیلاتی خود را دارد.

در این متن بصراحت آمده است «گفتگوها و بحث‌های سیاسی در کارگاههای فراماسونی ممنوع است.» و نتیجه‌ای که در ابتدا متبادر به ذهن می‌شود این است که طبعاً فراماسونی را با سیاست کاری نیست. برای اینکه درستی این ادعا روشن شود کافی است به کتاب‌ها و مقالاتی که خود فراماسونها نوشته و یا صحبت‌هایی که نموده و از نقش خود در طرح و اجرای نقشه‌های سیاسی سخن گفته‌اند رجوع شود در اینجا به چند مورد اشاره می‌کنیم:

محمد خلیل جواهری مؤسس و استاد اعظم لژ همایون گفته است «دویست و سی و سه نفر از افراد برجسته کشور را در تهران و ۴۸ نفر را در شهرهای اهواز، تبریز، خرمشهر و اصفهان به عضویت لژ همایون در آوردم که متأسفانه افشای نام چهار عضو لژ در تهران فعلاً میسر نیست... طی جنجال سه ساله نفت، ما در زیرزمین فعالیت می‌کردیم. بسیاری از کارهای مهم را در جلسات خود حل و فصل می‌کردیم. لژ ما مرکز فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و تعاونی بود. وقتی احساس کردیم و به ما هشدار دادند که مملکت در خطر است از فعالیت علیه عناصر و دستجات مخالف کوتاهی ننمودیم.»

«در تمام مدت پنجسالی که لژ کار می‌کرد دکتر هومن دست راست و سید محمد علی سام شوشتری دست چپ من می‌نشستند مهندس اصغر مافی نیز دبیر لژ بود» (رائین: ج ۳ ص ۲۷)

در گزارش‌سری «نخبگان و تقسیم قدرت در ایران» که بوسیله سازمان مرکزی اطلاعات امریکا جهت اطلاع ماموران سیاسی و جاسوسان تهیه شده ضمن مطلبی درباره غلامرضا پهلوی از دخالت لژ ماسونی شرق اعظم در تعیین وی به ولایتعهدی چنین سخن رفته است:

«غلامرضا تنها فرزند رضاشاه از توران امیر سلیمانی است که یک مقام سرتیپی دارد. غلامرضا را یک فرد بی تشخیص فاقد قوای شخصیت و روشنی فکر وصف کرده‌اند. در اوایل ۱۹۵۹ تلاش مختصری توسط یک گروه غیرمتجانس از سیاستمداران و نظامیان انجام شد تا غلامرضا به مقام ولایتعهدی ترفیع یابد. این کار ظاهراً با این توقع انجام شد که شاه

ممکن است قریباً سقوط کند. با تولد ولایتعهد رضا سیروس این امر مصداق عملی خود را از دست داد. بعنوان اطلاعات فرعی باید اظهار داشت که تقریباً تمام اعضای آن گروه با لژ گراند اورینت (شرق اعظم) مرتبط بودند. این تشکیلاتی بود که از قرار معلوم انگلیسیها برای تأمین منافع خود در ایران تأسیس کرده بودند.» (اسناد لانه جاسوسی ج ۷ ص ۵۱)

اسماعیل رائین درباره عضویت سید محمد طباطبائی از رهبران اصلی مشروطه و فرزندش سید محمد صادق و نقش وی در وقایع مشروطه چنین می‌نویسد:

«بطوریکه گذشت مرحوم طباطبائی و فرزند وی سید محمد صادق طباطبائی هر دو عضو لژ بیداری ایران بودند و فراماسونهای آن زمان به وجود این دو عنصر برجسته افتخار می‌کردند و حقاً بایستی آنها را از ارکان انقلاب مشروطیت و فعالیت‌های علنی و مخفی دانست». ناظم الاسلام کرمانی که از مریدان مرحوم سید محمد طباطبائی بود درباره عضویت آن مرحوم در مجمع فراماسونها می‌نویسد: «... مرحوم آقا سید صادق و خلف عالیمقامش آقامیرزا سید محمد را نسبتی بود به فراماسون، چنانچه از حالات و اقدامات حضرت آقای آقا میرزا سید محمد طباطبائی می‌توان استنباط نمود که ویرا چه مسلکی و چه مقصودی در نظر است...» (تاریخ بیداری ایرانیان ص ۱۲۰)

مرحوم اسماعیل رائین می‌افزاید:

... نگارنده (اسماعیل رائین) در ملاقاتی که با شادروان سید محمد صادق طباطبائی در حضور فرهاد پور مدیر روزنامه آسیای دمکرات نمود ایشان در باره عضویت خود در لژ فراماسونری ایران گفتند: «در جریان حوادث مشروطیت مرحوم طباطبائی والد و من وارد مجمع فراماسونی تهران که بنام «لژ بیداری ایران» بود شدیم عضویت ما در مجمع مزبور تا چند سال پس از استقرار مشروطیت در ایران ادامه داشت. در این مدت برای حصول آزادی، تأسیس عدالتخانه، تشکیل مجلس شورای ملی و بالاخره استقرار مشروطیت، آنچه لازمه فداکاری بود بعمل آوردیم. پس از تشکیل مجلس شورای ملی و خلع محمد علیشاه از سلطنت، چون بتدریج احساس شد که وجود ما در لژ لازم نیست از شرکت در جلسات خودداری کردیم» (رائین: ج ۲ ص ۲۵۱)

مرحوم رائین سپس درباره سفر مرحوم سید محمد صادق طباطبائی به روم و شرکت در میهمانی ۲۰۰ نفره ماسونهای ایتالیا و نیز انجمنهای مخفی که بوسیله سید محمد صادق و دیگر ماسون‌ها تشکیل شده شرحی نوشته است. بنا به نوشته رائین در حاشیه صفحه ۲۵۰ کتاب مذکور سید محمد صادق علوم قدیم و جدید را آموخته و زبانهای فرانسه، ترکی،

سریانی و عبری را محرمانه فرا گرفته چند سال مدیر مدرسه اسلام که پدرش تأسیس کرده بوده، در ۱۲۸۵ روزنامه مجلس را تأسیس کرده سال بعد بوسیله محمد علیشاه زندانی و تبعید گردیده است وی پس از عزل محمد علیشاه به ایران آمده و وکیل مجلس شورای ملی شده و حزب «اعتدالیون اجتماعیون» را تشکیل داده، در سالهای ۱۴ تا ۱۶ وکیل و رئیس مجلس و در ۱۳۲۷ رئیس مجلس مؤسسان شد و در ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۹ شمسی سناتور انتصابی از طرف شاه بود.

نویسنده کتاب «نخستین کارگزاران استعمار» که اسامی ۵۱ نفر صدر اعظمها و نخست وزیران ایران از سال ۱۲۱۲ تا ۱۳۷۲ هجری قمری (۱۱۶۵ تا ۱۳۳۲ هجری شمسی) را نقل کرده و نشان داده که اکثر قریب باتفاق آنان فراماسونر و طرفدار سیاست انگلیس بوده‌اند مطلب خود را چنین به پایان برده است:

«در این مدت طولانی از میان پنجاه و یک نفر خیل بزرگان که سررشته اصلی امور کشور را به عهده داشته‌اند حتی پنج نفر نمی‌توان یافت که صاحب اندیشه مستقل ملی و بدور از سرسپردگی به بیگانگان باشد...» (نخستین کارگزاران استعمار - ص ۴۵۶)

حال با توجه به اینکه ماسونها در ظاهر از دخالت در سیاست منع می‌شوند، چنانچه فرد ماسونی در یک عمل سیاسی شرکت کند آیا عمل او برخلاف اساسنامه ماسونی تلقی می‌شود و باید از لژ اخراج شود؟ ابراهیم الفت نوشته است: «اگر برادری اتفاقاً به حکومت عصیان نماید نباید او را در این عمل تقویت کرد ولی ممکن است بر او مانند فرد بدبختی ترحم آورد و اگرچه جمعیت وفادار برادری باید عصیان او را مذمت کند و برای آینده هیچگونه نگرانی یا کوچکترین سوءظن سیاسی جهت دولت فراهم نیاورد معیناً چنانچه آن برادر مرتکب هیچ جنایت دیگری نشده باشد نمی‌توان او را از لژ اخراج کرد یا رابطه او را با لژ مقطوع ساخت» (همان - ص ۱۵۶)

استقلال فراماسونهای ایران

در بیانیۀ رئیس طریقت کهن و پذیرفته شدۀ ایران دکتر هومن که قبلاً نقل شد آمده است «طریقت فراماسونی منظم در ایران در سال ۱۳۴۷ رسمیت یافته و آزاد و مستقل است و وابسته به هیچ کشور بیگانه نیست...»

نویسنده این متن اعتراف می کند که تا سال ۱۳۴۷ تشکیلات فراماسونری ایران آزاد و مستقل نبوده و وابسته به بیگانه بوده است. ممکن است گفته شود منظور رسمیت یافتن فراماسونی منظم در سال مذکور است و آن تشکیلات همواره آزاد و مستقل بوده است از اینرو دو سندی را که روشنگر موضوع است در اینجا ارائه می کنیم:

۱- نامه ای که محمد خلیل جواهری مروج و استاد فراماسونری در ایران که رد پای او در تأسیس و اداره بسیاری از لژهای ایران دیده می شود روی کاغذی با سر برگ لژ حافظ بخش علنی لژ همایون نوشته است و متن آن چنین است:

«باشگاه حافظ

خیابان نادری کوچه مسعود سعد تلفن ۵۰۴۵ - ۳

۳۲/۱۱/۱۸

برادر عزیز جناب آقای دکتر خلعت‌بری

چون شما از قانون‌های ماسونی کاملاً مطلع نیستید لذا برای مزید اطلاع جنابعالی یادآور می‌شود که چون لژ ما هنوز گراند لژ نشده است لذا ما نمی‌توانیم رأساً با گراند لژ فرانسه تماس مستقیم داشته باشیم تماس ما فقط توسط گراند لژ قاهره و غیرمستقیم می‌باشد ولی بموجب قراردادی که با گراند لژ قاهره داریم انشاءالله باذن مهندس بزرگ جهان تا دو سال دیگر استقلال خودمان را اعلام می‌کنیم آنوقت می‌توانیم با گراند لژ فرانسه و لژهای وابسته به آن مستقیماً تماس گرفته و تشریک مساعی نماییم معیناً برای خاطر شما و برادران ما آقایان مهندس هومن و اقبال با اجازه گراند لژ قاهره نامه‌ای توسط جنابعالی به لژی که در آن شرکت می‌کنید تقدیم خواهم نمود. خواهشمند است این موضوع را به آقای اقبال نیز بفرمائید که مستحضر باشند. بنده سفارش ساخت ۲۴ استکان لیکور خوری از نقره خالص... و همچنین یک سینی برای لژ فرانسه داده و مخصوصاً دستور داده‌ام علامت ماسونی روی آن حک شود در اولین فرصت توسط شخصی که به پاریس بیاید خواهم فرستاد...»*

در نامه دیگری که جواهری نوشته است در دنباله مطالب نامه فوق

آمده است:

«باشگاه حافظ - ۳۲/۱۲/۲۳

جناب آقای دکتر خلعت‌بری

برادر عزیز نامه شما واصل و از علاقه و محبت شما خوشحال شدم

* این نامه که بخط و امضای محمد خلیل جواهری است در نمایشگاه اسناد بنیاد مستضعفان که بمناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ماه ۱۳۶۷ در تهران برپا شده بود عرضه شده و در شرح آن نوشته‌اند: «لژ ماسونی پهلوی طبق این سند مستقل نبوده و تابع گراند لژ قاهره بوده است»

غياث بن نادري کوچک مسعود سعد

تلقيت ۲۰۵۰۴۵

برادر محترم جناب آقای دکتر شمس تبریزی

جناب آقای دکتر شمس تبریزی عزیز! لطفاً به اطلاع جنابانی پیرامه میسرود که
چند ماهی است که از خدمت شما استعفا گرفته‌ام و تاکنون هیچ‌گونه تماسی نداشته‌ام. من
تاکنون فقط توسط گرانده‌ها و دیگر مستقیم می‌باشم. دل بزرگوارم که با گرانده‌ها قاهره در
انتشار بازن مهندس برکت جهان نام و سال دیگر استعفا خودمان را اعلام می‌کنیم انوقت می‌توانیم
با گرانده‌ها فرانسه و کشورهای وابسته آن مستقیماً تماس گرفته و تشریک مساعی نمایم. مرشد ایران
خاطر شما و برادران ما آقایان مهندس هومن و آقایان با اجازه گرانده‌ها قاهره نامه‌ای توسط
جنابانی بلژی که در آن شرکت می‌کنید تقدیم خواهیم کرد. خواهش است این موضوع به آقای ایران
نیز بفرمایید که مستغفراً باشد. بنده سفارش ساخت ۱۲۴ استکان لیکور خوری نیزه‌ها و
و همچنین یک سینی برای نذر فرانسه را به حضور شما دستور داده‌ام. ما سون ریرا و
شیر. در این فرصت توسط شخصی که پاریس بیاید می‌توانم فرستاده‌ام. اگر نیاز داشته
باشم به شما خواهد رسید. بکلیه برادران خدمت شما را از آرزوهای خود مطلع کرده‌ام.

درد سون محمدی همین سینه نقل بود. و پنج گرانده‌ها خدمت خود است. تاریخ ۱۴۰۱

فرستاده‌ام. مستغفراً با گرانده‌ها و در وقت و دست‌های من به خدمت است. یعنی من می‌توانم در وقت

قاهره علی مسعود

باشکا و حافظ

خیابان نادری کوچه مسعود سه

۲۲۱۲، ۲۳

تلفن - ۳۰۰۴۵

جناب آقای دکتر خلعت پری

برادر عزیز نامه شاد و لعل و از علاقه و محبت شما خوشحال شدم. منتهی منتظر هستم بسیار زود با گراند
 لژ فرانسه مستیماً تماس حاصل شد تا ناما کنم جناب عالی و آقایان دیگری که با شما همکاری میکنند توسط
 لژ گرانت اوریا نت مدیریت بالا تر ارتقا، یا بند. هر چه خیر می توانم بآن برادر بدیم این است که
 سه روز قبل محاکمه برادر اما آقای سردار ایان یافت و برایت حاصل کردند. جناب آقای سهیلی
 قبل از حرکت به لندن بفرجه بنایان آزاد اهل شد. سلام برادران خدمت آقایان هرمن و اقبال
 ابلاغ فرمائید و روز عید از عزت من یکدیگر ایوب رسید کلیه برادران خدمت شما سلام میرسانند.

آقایان جدیدی که رسیدند میوه های هفته گذشته با احترام برادران
 بآن حرکت کردند از آنجا نیز عازم پاریس هستند. توسط
 آقایان بعد گذران سفره یک نامه برای شما فرستادم شما خواهد داد.

کوتاه ترین سند ما هنوز موجود است. «...» همین تاریخ در دو علی سید و در ماسونی بلوی است که تاریخ آن قبل از حرکت من است.

بدون قبضه شده است

بنده منتظر هستم پس از اینکه با گراند لژ فرانسه مستقیماً تماس حاصل شد تقاضا کنم جنابعالی و آقایان دیگری که با شما همکاری می کنند توسط لژ گرانت اوریانت به درجه بالاتر ارتقاء یابید. مژده خوبی که می توانم به آن برادر بدهم این است که سه روز قبل محاکمه برادرمان آقای سرداری پایان یافت و برائت حاصل کردند. جناب آقای سهیلی قبل از حرکت به لندن به جرگه بتیان آزاد داخل شدند. سلام بنده را خدمت آقایان هومن و اقبال ابلاغ فرمائید... با احترامات برادرانه: محمد خلیل جواهری:»

در مقاله‌ای که بقلم دکتر علی امینی خوئی از طرف «برادران ماسونی» نوشته شده و جنبه دفاعی و توجیهی دارد آمده است:
 «در سال ۱۳۴۷ اولین لژ بزرگ منظم و مستقل ایران تاسیس شد و بدستور شاه سابق و بر خلاف حد و رسم فراماسونی، یکی از دست نشاندهگان او به ریاست آن منصوب شد... شاه سابق خود را مجبور می دید که ظاهراً با ادامه وجود فعالیت فراماسونی در ایران موافقت کند ولی در عین حال اولاً یکی از کسانی که مورد اعتمادش بود به ریاست آن منصوب کرد و ثانیاً بوسیله عوامل خود و دستگاہهای امنیتی بسیاری از افراد ناباب را به زور وارد این دستگاہ کرد...» (درباره فراماسونی در ایران- نوشته دکتر علی امینی خوئی ص ۷-۸، فصل ۹ را ببینید)

نقش شاه مخلوع محمدرضا پهلوی در فراماسونری هر چه باشد رابطه تشکیلاتی فراماسونرهای ایران با مهد فراماسونری کشور مادر، بریتانیای کبیر ادامه داشته است. در اینجا یک سند غیر سیاسی ولی گویا از نظر خوانندگان می گذرد که نشان می دهد حتی نشانها و علامات ماسونی از طرف گرداننده اصلی فراماسونری به برادران ارسال می شده است:
 «اداره کل گمرک

شماره ۱۵-۵۴/۸/۹/۹۶۰۴-۱۵

تاریخ ۵۴/۴/۱۱

به: سازمان اطلاعات و امنیت کشور (اهواز)

از: اداره گمرک اهواز

موضوع: ترخیص تعدادی نشان

تعداد هفده عدد نشان تحت عنوان عضو عادی - لژ بزرگ ایران، لژ
میترا طبق آگهی پستی ۸۸۳ - ۵۴/۳/۱۳ بنام آقای نصرالله آذرین از
کشور انگلستان وارد شده است خواهشمند است چنانچه از نظر آن سازمان
ترخیص بلامانع است اعلام فرمایند تا اقدام لازم بعمل آید. رئیس اداره
گمرک اهواز - صدقی از طرف - امضا ۵۴/۴/۱۱
اقدام کننده - حاج علیخانی»

ساواک اهواز با دریافت نامه گمرک اهواز چنین تلفنگرام کرده است:

«نخست وزیر
سازمان اطلاعات و امنیت کشور
به: ریاست ساواک استان خوزستان
از: ساواک اهواز

برابر اعلام اداره گمرک اهواز تعداد هفده عدد نشان تحت عنوان
(عضو عادی - لژ بزرگ ایران - لژ میترا) از انگلستان جهت نصرالله
آذرین فرستاده شده مقرر فرمائید در مورد ترخیص نشانهای مذکور به
مشارالیه نظریه اعلام تا مراتب به اداره گمرک ابلاغ گردد ضمناً نصرالله
آذرین عضو لژ فراماسونری خوزستان می باشد.

امضا زند و کیلی ۵۴/۴/۱۱

گوینده: رفیعی

گیرنده: آقای کاشفی

ساعت: ۹/۰۰»

ما یونان میبندد و ... شورا عالی ایران

L.Y.M.O.T.G.A.O.Y.U

OPEN THE CELESTIAL VAULT BY 38 DEGREES 41 MINUTES

OF NORTH LATITUDE, ZENITH OF TEHRAN

To our Sovereign Grand Inspectors General, Sublime Princes of the Royal Secret, Knights Kadosh, Knights Rose Croix, Perfect Elus, Secret Masters,

To all Freemasons of the Ancient and Accepted Scottish Rite dispersed over the surface of the Globe, KNOW YE THAT

We, Most Puissant Sovereign Grand Commander, assisted by the Puissant Sovereign Lieutenant Grand Commander and by the Sovereign Grand Inspectors General of the 33rd and last degree of the Ancient and Accepted Scottish Rite constituting the Supreme Council for Iran Chiefs, Protectors and True Guardians of the Order, HAVE CONFERRED the degree of Perfect Klw, 14th degree of our Rite, upon our Dear Brother

H O S E I N T A D A Y O N

Desirous that this Brother enjoys the privileges, rights, prerogatives, and honours due to this rank, that he exercises his powers in conformity with the Constitutions, General Regulations and Laws of our Order, and that his rank be everywhere accepted.

We have delivered to him the present duly authenticated diploma, signed, sealed, and embossed with the seal of our Supreme Council, in order to declare not only the degree conferred upon him but its inscription in the special register of our 14th Degree under the Number 111 We commend and order all regular Masons in all masonic circles within our jurisdiction,

We request all other Masons or regular masonic circles of all degrees, by virtue of the reciprocation of attentions, friendship, and kindness which unite us, to recognise him as holder of the degree and rank indicated above, and accord to him all the rights laid down in the laws of the Order.

Prepared and given at the meeting of the Supreme Council held on May 1976

مردان فرسانه روائ با انصاف

M. H. Hosseini

Most Puissant Sovereign Grand Commander



مردان فرسانه روائ

A. K. Kuchukbay

Grand Treasurer General



M. S. S. A. D. I. U

DE LATITUDE NORD, ZENITH DE TEHRAN

nos Souverains Grands Inspecteurs Gnéraux, Sublimes Princes du Secret, Chevaliers Kadosh, Souverains Princes Chevaliers Rose - Croix, Chefs de la Voie Sacrée, Maîtres Secrets,

Tous les Francs-Maçons du Rite Ecossais ancien et accepte répandus sur la surface du Globe,

ONS SAPOIR:

Nous, Très Puissant Souverain Grand Commandeur, assisté du Puissant Lieutenant Grand Commandeur et des Souverains Grands Inspecteurs Gnéraux 33° et dernier degré du Rite Ecossais Ancien et Accepté, avons le Suprême Conseil pour l'Iran

Chefs, Protectors et vrais Conservateurs de l'Ordre,

AVONS ELEVE au grade de Grand Klw, Parfait, et notre Rite, notre Très Cher Frère Sublime Maçon 14°

H O S E I N T A D A Y O N

vu que ce Frère jouisse des avantages, droits, prerogatives et attachés a ce Grade, qu'il en exerce les attributions en conformité des Constitutions, Règlements gnéraux et particuliers de notre Ordre et qu'il soit reconnue en cette qualité,

nous fait délivrer le présent diplôme dûment certifié signé, scellé et embossé de notre Suprême Conseil, pour constater à l'égard de ce Frère le degré conféré et son inscription au contrôle particulier de notre 14°

No 111

Nous recommandons et ordonnons a tous les Francs Maçons réguliers a tous les degrés de leur Jurisdiction,

de reconnaître par tous autres Francs - Maçons ou Corps maçonniques réguliers de tous degrés, par vertu de la réciprocité de devoirs, d'amitié et de bienveillance qui nous unit, à le reconnaître aux degrés et titre énoncés et a lui faire tous les devoirs prescrits par les lois de l'Ordre.

Donné en séance du Suprême Conseil, le Mai 1976

مردان فرسانه روائ با انصاف

M. S. S. A. D. I. U

Suprême Lieutenant Grand Commandeur



A. K. Kuchukbay

Secretary General



دیپلم درجه چهاردهم

شورای عالی

درجه سی و سوم و آخرین درجه اسکاکی کهن و پذیرفته شده

برای ایران



دیپلم

درجه

پانزدهم

زیرکند آسمان در لیکره ششالی به عرض چترانیالی ۴۵ درجه و ۴۱ دقیقه و در نقطه اوج نصف النهار تهران . به همه بزرگ بازرسان کل و با اختیار ، به همه سروران و ستوران همه اسواران کادوش و روزگروا و بزرگ برگزیدگان گنبد سرای مقدس ، به اسنادان رازمنده ، به همه فراماسونهای آئین اسکاکی کهن و پذیرفته شده در سراسر جهان اعلام میگردم . ما بزرگ فرمانروای با اختیار بسیار توانا با همکاری جانسین با اختیار و توانای بزرگ فرمانروا و بزرگ بازرسان کل با اختیار درجه سی و سوم و آخرین درجه آئین اسکاکی کهن که شورای عالی ایران تشکیل میدهند و سران و پشتیبانان و نگهدارندگان حقیقی طریقت هستند ، برادر بسیار گرامی خود : **حمید حسن تسلیم کهن** را بزرگ **ماسسون با شکوه** که درجه **چهاردهم** آئین ما است برتقاء داده ایم و برای اینکه این برادر از امتیازات حقوق و امتیازات آن درجه و مطابق قانونهای اساسی و آئین نامه های عمومی و اختصاصی طریقت ما کار کند و در همه جا پذیرفته این درجه شناخته شود ما این دیپلم را گنجینه ای با یادگواهی و امضاء شده و پذیرفته ما آراسته شده به او داده ایم تا نشان دهنده درجه او باشد و نشان دهد که در دفتر ویژه ما نام او بنشارد . () ثبت شده است .

ما از همه فراماسونهای منظم و کارگزارهای طریقت خود مدیون احترامیم و دستور میبخشیم ، ما از همه ماسونهای و سلامتیهای منظم پیام همکاری و همگامی در راه تکلیف و پیام دوستی و ایستادگی میبخشیم و یقیناً مستفاد نمودن میبکنیم که او را دارنده این درجه بنامشاند و هر گره حل و تکلیف را که در کفایت و کفایت با او انجام دهند .

بنام داد شهید
امور تابعین و سرپرستی اموال
شماره ۱۶ - ۲۴۹
تاریخ ۲۰۰۵ - ۰۵ - ۰۵

نام و نام خانوادگی	شماره تلفن	آدرس
دکتر سعید حکمت	۲۲۲۲۰۹ ۸۲۷۸۰۱	منزل «ملکنت آباد» چنوی خیابان حکمت شماره ۵ دفتر «خودمند شمالی» شماره ۱۳۵
مهندس مهدی خواجوی	۲۲۲۲۱۷ ۲۴۹۰۷۰۱ - ۲۴۹۰۷۰۲ - ۲۴۹۰۷۰۳ - ۲۴۹۰۷۰۴ ۷۵۰۰۷۰۰	منزل «شهران» سپهرخانه خیابان گاجیز شماره ۱۶ دفتر «تهران» ۱۴ خیابان بزرگمهر شماره ۱۶ دفتر
مهندس جمشید رفتی	۸۲۱۰۲۵ ۲۸۰۲۲۶	دفتر «قیصرآباد» خیابان خودبین دفترمهندسی طاقان منزل «ماجرتان» خیابان افد سین خیابان نیلوفر
فرهاد رفتی	۲۸۱۹۸۲ ۲۲۲۷۵۴	منزل «سلطنت آباد» نکتان چهارم شماره ۵ دفتر «خیابان صبا» شماره ۷۷ طبقه هفتم مشاورین مشاورین اقتصادی
مهندس رضا بزم آراء	۲۸۰۶۵۰ ۳۰۱۱۴۲	منزل «خیابان جردن» کوی بهشتی شماره ۱۶ دفتر «سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی» خیابان نوام السلطنه
مهندس رضا زند	۲۷۱۹۷۷ ۸۲۴۶۵۱	منزل «راشید» کوی پارس کوی «پارس» شماره ۱۹ دفتر «شکت» جمشید شرکت سهامی معادن شماره ۱۶۷
دکتر ابوالقاسم زنگوی	۲۲۶۰۲۸	منزل «خیابان پهلوی» استگاه «سپان» شماره ۴۵ دفتر «وزارت امور خارجه»
مهندس خانایا «ورداری»	۲۲۲۶۸۵ ۲۸۱۹۵۹	دفتر «خیابان کهریز» کهریز - «ماره» ۱۱۷۲ شرکت ناسا منزل «شهران» اختصاره خیابان صاحب اختیار/ ۶
مهندس «امیر محمود» «ورداری»	۲۴۱۳۰۷ / ۲۰۲۴۵ ۲۰۸۱۰	منزل «دولت چهارراه» قنات قطریه کوی امرازی شماره ۱۵ معاون استاندار مشهد
دکتر امیر «محمود» «ورداری»	۲۷۰۴۷۶ ۲۵۴۹۹۰ ۲۴۱۸۲۳	منزل «مقتدر» بک شماره ۱۴۲ دفتر «معاون وزارت بهداشت» زمکب «شاهرضا» «په» آراء کالج شماره ۱۵۶

اندا کمن شد

دکتر امیر محمود ورداری
۲۷۰۴۷۶
۲۵۴۹۹۰
۲۴۱۸۲۳



فراماسونری ایران از نظر یک فراماسون ایرانی

دکتر علی امینی خوئی از فراماسونهای با سابقه است و طبق سندی که ما در دست داریم در سال ۱۳۵۵ به درجه هیجدهم ماسونی ارتقا یافته است. وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی برهبری امام خمینی رضوان الله تعالی علیه مقاله‌ای در توجیه و توضیح نظرگاههای خود و هم مسلکانش درباره فراماسونری تنظیم کرده و کوشیده مذهب خود را با اقتضای روز تطبیق کند و محملی برای بقا و ادامه فعالیت ماسونی ارائه نماید. این مقاله را بدون توضیحی برای ملاحظه کسانی که آنرا ندیده‌اند به چاپ می‌رسانیم. تصویر صفحات اول و آخر این بیانیه نیز از نظر شما می‌گذرد:

درباره فراماسونری در ایران

مطالبی که تا کنون درباره طریقت فراماسونری یعنی بنائى آزاد و اصول و هدفهای آن نوشته شده اغلب بصورت رمانهای پلیسی و بی ارزش درآمده و متأسفانه تحت تاثیر مطالب عامیانه و شایعات بی اساس که سالهاست از طرف دشمنان این طریقت که دشمنان مسلکت ما هستند بوجود آمده است تزار گرفته و بنظر میآید که نویسندگان اینگونه مقالهها و کتابها خود را در مقابل جمعیه اسرار آمیز و سرشتهای دیده اند که چون کلید آن در دست نبوده و نتوانسته اند آنها را باز کنند و از محتویات آن بدست آورند به حدس و گمان پرداخته و در آخر کار تصورات خود را با حقیقت یکی گرفته و پهن آنچه که بشیال خودشان ممکن بود در آن وجود داشته باشد پرداخته اند. در حالیکه بسیار آسانتر بود که با یکی از کسانی که کلید جمعیه را در اختیار دارد تماس بگیرند و آنها را بکشایند و محتویات آنها را به چشم ببینند *

گفتن این نکته لازم است که طریقت فراماسونری معمولاً از خود دفاع نمیکند زیرا این دفاع ممکن است باعث تبلیغ شود و فراماسونری هیچگاه به تبلیغ نمیرد از در همه کشورها در موارد مختلف به فراماسونری حمله های شدید شده است ولی طریقت از خود دفاع نکرده است زیرا عقیده دارد که سرانجام در وقت برای همه کس روشن میشود *

در سال ۱۸۲۳ میلادی مردی بنام مورگان که حرفه او سنگ تراشی و بنائى بود در یکی از سالها

مانند نال و نجات دردش مردم گذارده میشود .

۱- فراماسونی در کشورهای دیگر-

طریقت فراماسونی سالهاست که بعنوان یکی از پاکترین و عالیترین طریقتهای اخلاقی که در بالا بودن

مقام معنوی انسان نقش موثری دارد در همه کشورهای آزاد و تمدن دنیا مشغول فعالیت است .

همکاری از مردمان بزرگ دنیا مانند ، کوبه - ولتر - موزارت - فردریک دوم پادشاه پروسی - بنیامین

فرائنکلین - ژان ژاک روسو - مونتسکیو - فرانسیس بیکن - رافائل - جیم واشنگتن - هنگل - تولستوی -

انیتتن و همچنین سن مارتین - گاریبالدی - سونیا تسن و روسای نهضت مقاومت فرانسه در مونیخ اشغالگری

آلمانیها و غیره به عضویت طریقت افتخار نمیدانند .

فراماسونی در کشورهای غربی بطور رسمی فعالیت خود را انجام میدهد و صورت اعنای آن در دفاتر

شهرداریهها و موسسات عمومی دیگر ثبت است و تابلوی لزما در اغلب کوچه ها و خیابانها نصب گردیده

است و حتی در بعضی کشورها بعضی اوقات اعنای فراماسونی با پیشیند و حمایت مخصوصی به خود در

خیابانها رژه میبرند و همه جا با استقبال گرم مردم روبرو هستند زیرا عضویت فراماسونی در مغرب زمین

دلیل ثنوا و تاملت و نیک نهادی آن عضو پیشمار میباشد .

امید است این چند نکته که آورده شد برای خوانندگان محترم روشن کرده باشد که یکی از اصول این طریقت

اخلاقی جامعه و تکامل افراد آن تعلیمات متعالی این طریقت است .

ال اعتقاد به تقوا و فضیلت و ایمان پاینده هر کس باید در تکامل و پیشرفت اخلاقی خود کوشش کند . ما

این طریقت هستیم و از آنجا که این طریقت از نیروهای خدائی الهام میگردد و ایمان بندهاوند باید در

ان میباشد تعلیمات آن نیز در راه کوشش جان بسوی خود پروردگار و متعلق است .

امیدواریم کسانی که ما مانند در باره این طریقت ابلاط بیشتری کسب کنند بدون بهیچ داور و تمسب و سر

انکه تحت تاثیر مذهب نادرستی که در این باره از طرف کسانی که کوچکترین اخلاقی از اصول این طریقت در

ندارند گفته میشود با اعضای این طریقت تماس حاصل کنند و به نوع بررسی از طرف آنها با هم برآوردی و با

دخالت عقیده پاسخ داده خواهد شد .

از طرف گروهی از برادران - دکتر طریقت امینی ، نوی

دکتر طریقت امینی

درباره فراماسونری در ایران

مطالبی که تاکنون درباره طریقت فراماسونی یعنی بنائی آزاد و اصول و هدفهای آن نوشته شده اغلب بصورت رمانهای پلیسی و بی‌ارزش درآمده و متأسفانه تحت تأثیر مطالب عامیانه و شایعات بی‌اساسی که سالهاست از طرف دشمنان این طریقت که دشمنان مملکت ما هستند بوجود آمده است قرار گرفته و بنظر می‌آید که نویسندگان اینگونه مقاله‌ها و کتابها خود را در مقابل جعبه اسرار آمیز و سر بسته‌ای دیده‌اند که چون کلید آن در دست نبوده و نتوانسته‌اند آنرا باز کنند و از محتویات آن اطلاع بدست آورند به حدس و گمان پرداخته و در آخر کار تصورات خود را با حقیقت یکی گرفته و بشرح آنچه که بخیال خودشان ممکن بود در آن وجود داشته باشد پرداخته‌اند در حالیکه بسیار آسانتر بود که با یکی از کسانی که کلید جعبه را در اختیار دارد تماس بگیرند و آنرا بگشایند و محتویات آنرا به چشم ببینند.

گفتن این نکته لازم است که طریقت فراماسونی معمولاً از خود دفاع نمی‌کند زیرا این دفاع ممکن است باعث تبلیغ شود و فراماسونری هیچگاه به تبلیغ نمی‌پردازد در همه کشورهای در موارد مختلف به فراماسونی حمله‌های شدید شده است ولی طریقت از خود دفاع نکرده است زیرا عقیده دارد که سرانجام حقیقت برای همه کس روشن می‌شود.

در سال ۱۸۲۳ میلادی مردی بنام مورگان که حرفه او سنگ‌تراشی و بنائی بود در یکی از شهرهای استان نیویورک درخواست ورود به لژ فراماسونی کرد و بعلت نداشتن پیشینه خوب پذیرفته نشد.

درخواست مورگان برای عضویت یکبار دیگر در سال ۱۸۲۵ رد شد و او از این بابت کینه فراماسونی را به دل گرفت و دشمنان فراماسونی او را وسیله تبلیغ بر ضد این طریقت کردند بدانسان که در سال ۱۸۳۲ حزب «ضد ماسونی» برای ستیزه جوئی ۱۴۱ روزنامه در اختیار داشتند و مخالفان آنچه توانستند گفتند و نوشتند و کار بجائی کشید که لژ بزرگ نیویورک که در سال ۱۸۲۶ پانصد لژ وابسته بخود و بیست هزار عضو داشت در سال ۱۸۴۶ فقط شصت و پنج لژ باقی ماندند.

اما با گذشت زمان، حقیقت فراماسونی آشکار شد و مردم به پاکی و درستی این طریقت پی بردند و دوباره لژهای تازه، بنیاد گذاری شدند و اعضای تازه بطریقت گرویدند.

آلبرت پایک فیلسوف نامدار فراماسونی در کتاب معروف خود به نام «عقیده‌ها و بنیادهای اخلاقی فراماسونی» درباره این پیش آمد چنین نوشته است:
چه بسا دشمنان شما خدمتهائی برای شما انجام می‌دهند که دوستانتان هرگز قادر نیستند که آنها را انجام دهند. دشمنی و حملات دسته‌هائی که به بهانه دفاع از مورگان به تهمت به فراماسونی پرداختند باعث شد که همه مردم امریکا به درستی و پاکی کار فراماسونی پی ببرند و عقاید آنها را محترم بدانند.

نظیر این گونه حرکت‌های ضد فراماسونی در آلمان - فرانسه - انگلستان - ترکیه - یونان - ایتالیا - اطریش و بسی کشورهای دیگر نیز روی داده است.

اما در وضع کنونی کشور ما بنظر می‌رسد که انتخاب این راه حل درست نباشد زیرا ذهن مردم باندازه‌ای نسبت باین موضوع غریب و ناآشناست که سخن هر کس را ممکن است عقیده صحیح و حجت بشمار آورند بخصوص که تبلیغات پنجاه ساله اخیر بر ضد این طریقت اکثریت مردم را علیه آن برانگیخته است و نیز از آنجا که انسان طبیعتاً با هر چه ناشناخته است یا از در ستایش و تعظیم در می‌آید و یا احساس دشمنی می‌کند اینست که نسبت به این طریقت نیز احتمالاً پیش داوری و احساس قبلی خصمانه وجود دارد و بنابراین سخن دشمنان این طریقت آسانتر مورد قبول واقع می‌گردد و از این رو لازم می‌داند سخنی چند راجع به این طریقت گفته شود:

۲. اصول و مبانی و هدف‌های طریقت فراماسونی

قبل از هر چیز از خوانندگان گرامی تقاضا دارد که با حوصله و بردباری تمام این صفحات را مطالعه فرمایند و پس از تمام شدن آن به داوری بپردازند زیرا چه بسا مطالبی در میان این نوشته وجود داشته باشد که احساس مخالفی در خواننده ایجاد کند که بعداً توضیحات کافی و جواب آن داده شده باشد بنابراین خواهشمند است

که قبل از خواندن تمام توضیحات به داوری اقدام نفرمایند.
فراماسونی طریقتی است که آشنایی با آن فقط از راه سیر ممکن است و بنیاد ذاتی آن همانا ایمان به خدامعماز بزرگ جهان و همچنین باور داشتن جاویدی روان است.

هدف سنن فراماسونی این است که بدون تبعیض همه مردان شایسته و با ایمان را که نسبت به هم نوع خود احترام و محبت دارند در دامان خود گرد آورد تا اینکه در آنها شوق درستکاری و مسئولیت شخصی پیدا شود و خواهان حقیقت - عدالت و آزادی شوند.

این طریقت می خواهد اراده هموندان خود را به اندیشه و کردار همراه با دانائی و بردباری، نیرومند کند تا اینکه آنها همیشه در اندیشه پیشرفت و آسایش، یگانگی و نیکبختی خانواده انسانی و هر یک از اعضای آن باشند.

آموزش و پرورش این سازمان همراه با پیروی از اصول ایمان مذهبی - اخلاق و حقیقت است. فراماسون باعتبار فراماسون بودن ناگزیر است که از قانون اخلاقی پیروی کند. اگر بتواند این هنر را بفهمد هیچگاه نمی تواند منکر خدا شود و پابند اصول دین خود نباشد.

او بهتر از هر کس خواهد فهمید که انسانها بظاهر می نگرند در صورتیکه خدا از درون دلها آگاه است و از این رو تکلیف ویژه هر فراماسونی این است که هیچگاه بخلاف دستور وجدان اخلاقی عمل نکند.

فراماسونها با همه مردمان پا کدامن و با تقوا یگانه می شوند و این یگانگی بر بنیاد محبت برادری استوار است. آنان آموخته اند که به خطاهای انسانها با همدردی بنگرند و کوشش کنند بوسیله پاکی رفتار خود ارزش بزرگ ایمان خویش را بدیگران نمایان سازند.

بدین سان فراماسونی کانون اتحاد میان مردمان نیک و حقیقت جو و نیکوترین وسیله برای دوستی آشتی دهنده میان مردمانی است که بدون وجود این سازمان همیشه از یکدیگر جدا می ماندند.

فراماسونی مانند همه آئینها و طریقتهای مشابه دیگر، رازهای خود را از همه بجز مردان آزاده و سیر دیدگان می پوشاند زیرا حقیقت فهمیدنی برای همگان باسانی میسر نیست و آشکار ساختن بیموقع حقایق چه بسا زیان آور است.

خداوند به هر کس باندازه لازم قدرت درک حقیقت داده است. همانگونه که بعضی از مردم از تشخیص بعضی رنگها ناتوان هستند، هرگاه تعلیمات ماسونی در قالب رمز نمی بود صورت و مفهوم های عامیانه را پیدا می کرد و بسیاری از مردم می خواستند که بخیال خودشان در موردهائی آنها را بهتر کنند و یا نوآوری بکار برند. از این روست که آشنائی با طریقت فراماسونی فقط از راه سیر میسر است.

منظور از سیر ایجاد تحوّل و تغییراتی درونی در داوطلب است بطوریکه او عمیقاً از شنیدن سخنان استاد متأثر شود و این تأثیر راهنمای زندگانی او برای بهتر کردن خود و دیگران باشد و یا به بیان فراماسونها «مردی بهتر در جامعه ای بهتر برای اجتماعی بهتر شود» و این بهتری چیز دیگری جز استواری در ایمان به خدا و آمادگی برای خدمت به مردم نیست. معمولاً اینجاست که تشریفات خاصی که در ریتوئل یعنی دفتر آئین گرد آمده و در محلی که نام آن لژ است اجرا می شود. لژ عبارت از محلی است که در آن فراماسونها برای کار کردن و تعلیم و تعلّم و پیشرفت در شناسائی اسرار دانش کهن طریقت جمع می شوند. کلمه لژ بمعنای اعمّ خود هم شامل اشخاص است و هم شامل محلّ تجمع آنان. بنابراین هر وقت جمعی طبق قوانین طریقت گرد هم می آیند و یا جلسه ای بصورت مرتّب و مقرر تشکیل می دهند آن جمع یا آن جلسه لژ نامیده می شود معمولاً در موقع ورود داوطلب به لژ چشمان او با نواری بسته می شود تا او بتواند بدون آنکه تحت تأثیر تزئینات لژ و برادرانی که در آنجا حضور دارند واقع شود افکار خود را متمرکز کرده و عمیقاً به تعلیماتی که باو داده می شود توجه کند و پس از آنکه قسمتی از تشریفات انجام گردید چشمان او را باز می کنند.

منظور از همه این تشریفات اینست که داوطلب عمیقاً تحت تأثیر تعلیمات اخلاقی که باو داده می شود قرار گیرد زیرا اصول و مبانی اخلاقی بشر از پنجهزار پیش تا کنون تغییرات اساسی نکرده اند و آزادی، نوع دوستی و کمک بدیگران همراه با گفتار و کردار و پندار نیک و درست از دوران باستانی تاریخ انسان تا زمان ما همیشه بنوعی تکرار شده است و هنوز نیز نوع بشر به آن درجه از علو اخلاقی و معنوی که لازم بوده است نرسیده است و از این رو پیروان طریقت فراماسونی عقیده دارند که این تعلیمات اخلاقی اگر با سیر همراه باشد اثر عمیق تری بجا می گذارد. فراماسونی طریقتی است بسته و محدود نه طریقتی مخفی و پوشیده علت محدود

و بسته بودن این طریقت اینست که اولاً فقط مردانی به فراماسونی قبول می‌شوند که درست و نیک - آزاده و بالغ، رشید و دارای عقل سلیم بوده و به خداوند لایزال ایمان داشته باشند و در طریقت فراماسونی پذیرفتن اشخاص فاسد و ماجراجو مقذور نیست و جز اشخاص نیکنام نباید کسی بدان راه پیدا کند. دوم تعلیمات فراماسونی فقط از راه سیر منتقل شده و خود این تعلیمات پیوسته و مانند پلکان درجه بدرجه یا پله به پله است یعنی برای آنکه تعلیمات درجه خاصی داده شود داوطلب باید تعلیمات درجه قبل را دریافت کرده، عمیقاً به آنها توجه نموده و آنها را فهمیده باشد بنابراین فقط کسانی می‌توانند به آن درجه برسند که لیاقت آنها برای درجه مزبور گواهی شده باشد و باین جهت دیگران حق حضور در آن جلسه را ندارند و الا اصول مطالب و تعلیمات فراماسونی و ریتوئل‌های آن با ذکر تمام جزئیات در هر مغازه کتاب فروشی وجود دارد که با بهای نازلی بفروش می‌رسد و هر کس می‌تواند آنها را خریده و بخواند اما بدیهی است که خواندن این کتابها با شناختن تعلیمات آنها از راه سیر تفاوت فاحش دارد.

جا دارد که باز هم تأکید و تکرار شود که:

طریقت فراماسونی با استفاده از تعلیمات خود در پرده مجاز وسیله‌ایست که درسهای بزرگ اخلاق و فلسفه را از طریق سیر به داوطلبانی که با پاکدلی و آزادگی در راه آن قدم برداشته‌اند می‌دهد و هرچه که داوطلب بیشتر پیشرفت می‌کند بیشتر و بهتر و کاملتر ارزش هدفها و فلسفه آنها درک می‌کند بطوریکه هرچه جلوتر رود بهتر متوجه خواهد شد که درجات متفاوت کلّ هماهنگی را تشکیل می‌دهد. هدف اصلی فراماسونی افزودن به دانائی انسان است و نه فقط افزودن دانستنی‌های انسان زیرا انسان ممکن است عمری را برای بدست آوردن دانش بگذراند ولی هنوز دانا نباشد و این دانائی به حقوق - منافع و وظائف انسان است که فراماسونی می‌آموزد و از این راه است که انسان حقوق خود و دیگران را بهتر می‌شناسد و برای آن ارج بیشتری می‌گذارد و سر به بندگی و بردگی نمی‌سپرد.

فراماسونها یکدیگر را برادر می‌نامند و این عنوان را می‌توان باین شکل توضیح داد:

هر انسانی مالک و حاکم شخص خود می‌باشد و این حکومت بر شخص

خود آزادی نامیده می‌شود و وقتی تعدادی از این حکومت‌های شخصی بیکدیگر می‌پیوندند جامعه و دولت بوجود می‌آید. هر یک از حکومتها که برای ساختن حقوق عمومی قسمتی از امتیازات خود را جدا می‌سازد که این قسمت برای همه یکسان است و این یکسان بودن امتیاز و حقّی که هر شخص برای همه از دست می‌دهد برابری نامیده می‌شود و حقوق عمومی چیزی جز حفظ و حمایت همه نیست که اشعه آن روی هر فرد می‌افتد و این حمایت هر فرد بوسیله همه نیروهای برادری نامیده می‌شود.

فراماسونها آزادی را رأس هر می فرض می‌کنند که قاعده آن برابری است. برابری در جامعه زیستن در یک سطح نیست بلکه جامعه‌ایست که دارای سبزه‌زار و درختان بلند است همراه با رقابت و کار و کوشش. از نظر فراماسونها همه استعدادها باید شانس مساوی داشته باشد. از نظر سیاسی همه رأی‌ها یک وزن باشند و همه اعتقادات دارای حقوق مساوی. وسیله ایجاد برابری آموزش رایگان و در مراحل اجباری است چه آموزش روشنائی است و همه چیز از روشنائی بر می‌خیزد و به آن بر می‌گردد. در لژهای فراماسونی ابزار کار بناهای قدیمی مانند گونیا - پرگار - شاقول - ماله بنائی و چکش سنگ تراشی بعنوان رمزهای راستی - درستی - بردباری و میانه‌روی - استقامت و پایداری وجود دارد. همچنین برای هر درجه تابلوهائی موجود است که اصول اخلاقی که در آن درجه تعلیم داده می‌شود بصورت رمز در آنها نشان داده شده است مثلاً در یکی از درجات تابلو حاوی صورت یک اسکلت مرده و یک تابوت است و منظور از آن جلب توجه داوطلب به عاقبت هر انسان - ناپایداری زندگی بشر و مرحله آخران یعنی مرگ است.

در این درجه به داوطلب تعلیم داده می‌شود که از آنجا سرنوشت هر انسان در آخرین مرحله مرگ است پس هر کسی باید سعی کند که قبل از آنکه چنگال مرگ گریبان او را بگیرد تکالیف خود را در این جهان انجام دهد تا روان او که پس از مرگ باقی مانده است دچار ناراحتی و عذاب نگردد.

نزدیکی این رمز با دستور مذهب اسلام دائر به زیارت اهل قبور در شبهای جمعه بسیار اعجاب انگیز است و در هر دو مورد موضوع تنبیه انسان و توجه دائمی او به مسئله مرگ می‌باشد.

آیا می‌توان تصوّر نمود که چنین طریقتی بتواند پیش داوری‌های ناپخته که در

میان بسیاری از مردم وجود دارد مانند آدم کشی و غیره را تأیید کند و هیچ انسان فرزانه، قادر است که در میان این تعلیمات اخلاقی که فشرده همه اصول مذهبی و معنوی همه زمانهاست نکته بر خلاف فضیلت و تقوا پیدا نماید؟

سه درجه اول فراماسونی را شاید بتوان برای سیر دید گانش بشرح زیر خلاصه نمود:

- ۱- خداوند، دانائی جاوید - توانا به همه چیز - آفریننده خرد برین و عشق بی پایان است. تو باید او را نیایش کنی - احترام بگذاری و عاشقانه دوست بداری و از راه کوشش در راه هنر او را ستایش کنی.
- ۲- آئین تو باید بر نیکخواهی استوار باشد و نه فقط بخاطر انجام یک تکلیف زیرا این کار به تو شادی می دهد روان تو جاوید است و تو نباید آنرا تنزل دهی.
- ۳- تو باید در مقابل گناه ستیزه کنی و از کوشش نایستی و آنچه را که بخودت روا نمی داری بدیگران نیز روا نداری. تو به سرنوشت مقدس خود ایمان داری و از این روست که به نور دانائی روشن خواهی بود.
- ۴- تو باید به پدر و مادر خود و سالخوردگان احترام بگذاری و توجه نمایی، به جوانان تعلیم دهی و از کودکان و بی گناهان حمایت کنی.
- ۵- قسمتی از زندگانی تو باید برای خانوادهات بکار رود و کشور خود را دوست داشته و به آن مهر بورزی و از قوانین آن اطاعت کنی.
- ۶- دوست تو مانند خود تو است و بیچارگی، او را از تو جدا نخواهد کرد و پس از مرگ او هر آن چیزی را خواهی کرد که برای او در زنده بودن می کردی.
- ۷- از دوستی غیر واقعی دوری کن و از زیاده روی پرهیز و کاری نکن که در اثر اشتباه لکهای در وجدان تو بجای گذارد.
- ۸- تو اجازه نخواهی داد که شهوت بر تو چیره شود و نتیجه شهوت و طمع دیگران را درسی برای خود بگیر و اشتباهات دیگران را ببخش.
- ۹- بیشتر گوش بده و کمتر سخن بگو - درست و راست رفتار کن - زخمها و بدیها را فراموش کن و بجای آن نیکی کن و از قدرت و برتری خود سوء استفاده نکن.
- ۱۰- برای شناختن انسان اندیشه کن تا خود را بشناسی و همیشه دنبال اخلاق و هنر باش. عادل باش و از تنبلی پرهیز و از همه مهمتر انسانها را دوست بدار زیرا آن

کس که به دیگری نفرت دارد در تاریکی خواهد بود وظیفه تو این است که در راه بالا بردن سطح اخلاق و دانش جامعه بکوشی تا همه انسانها با سرنوشتشان هماهنگ شوند.

۳- فراماسونی در ایران

اولین لژ فراماسونی کم یا بیش از سال ۱۸۱۰ میلادی بعد از طرف شرق بزرگ فرانسه که سازمان نامنظم فراماسونی است بوجود آمد. بعضی از کشورهای غربی دیگر نیز مانند انگلیس - و آلمان در ایران لژهای دیگری تأسیس کردند ولی همه این لژها وابسته به لژهای بزرگ خارجی بود.

صلاحیت بسیاری از افرادی که در فراماسونی شرکت داشتند مورد بحثهای زیاد قرار گرفته است و بسیاری از این گفته‌ها در پرده ابهام و تاریکی قرار داد.

از تعداد زیادی از رجال قبل و بعد از مشروطیت مانند سید جمال‌الدین اسدآبادی - حاج سید نصرالله تقوی - ذکاء الملک فروغی - تقی زاده - آدمیت و غیره بعنوان اعضای این طریقت نام برده شده است اما اینکه آیا بعضی از این رجال خادم یا خائن به کشور بوده‌اند مطلبی است که تاریخ در آینده روشن خواهد نمود.

بدون شک مانند همه طریقتها و گروهها مردان خوب و بد در فراماسونی نیز وجود داشته‌اند همانطوری که در مقابل حضرت علی معاویه و در مقابل حضرت امام حسین، یزید نیز در اسلام وجود داشته است ولی وجود معاویه و عمروعاص و یزید و خاندان بنی امیه و بنی عباس موجب بدنامی مذهب اسلام نمی‌تواند باشد. در ایران نیز تعدادی از مردم بدنام و خیانت پیشه سعی کرده‌اند که خود را وارد این جمعیت نمایند و از این راه برای خود کسب حیثیت و نام نمایند ولی بسیاری از آنها پس از آنکه وارد این طریقت شده‌اند دریافتند که باصطلاح در آن حلوا پخش نمی‌کنند. و خبری از تقسیم پول و مقام نیست لذا دلسرد شده و به عضویت خود ادامه نداده‌اند. در سال ۱۳۴۷ اولین لژ بزرگ منظم و مستقل ایران تأسیس شد و بدستور شاه سابق و برخلاف حدّ و رسم فراماسونی یکی از دست نشانده گان او به ریاست آن منصوب شد.

در این مورد توضیح زیر لازم است:

شاه سابق میدانست که طریقت فراماسونی در همه کشورهای آزاد و متمدن

جهان مانند: آمریکا - انگلستان - سوئد - نروژ - فرانسه - اسپانی - ایتالیا - آلمان - هلند - ترکیه و کشورهای آمریکای جنوبی و برخی کشورهای دیگر وجود دارد و از آنجا که این انجمن مرکز بسیاری از آزاد مردان آن کشورها بوده است نمی‌خواست که با تعطیل و قدغن کردن آن متهم به دیکتاتوری و بستن کارگاه آزادگان شود زیرا اولین اقدام دیکتاتورها در هر کشوری بستن لژهای فراماسونی است چنانکه هیتلر - موسولینی - فرانکو و دیگر دیکتاتورها پس از آن که بقدرت می‌رسیدند اولین کاری که می‌کردند بستن و قدغن کردن طریقت فراماسونی در کشورهای خود بود همچنین در ممالک کمونیستی که آزادی زیر کنترل شدید دولت است طریقت فراماسونی تعطیل و قدغن می‌باشد.

از این رو بنظر می‌رسد که شاه سابق خود را مجبور می‌دید که ظاهراً با ادامه وجود فعالیت فراماسونی در ایران موافقت کند ولی در عین حال اولاً یکی از کسانی که مورد اعتمادش بود بریاست آن منصوب گردد و ثانیاً بوسیله عوامل خود و دستگاههای امنیتی بسیاری از افراد ناباب را بزور وارد این دستگاه کرد که هم آنرا در ذهن مردم بدنام نموده و هم جاسوسانی در همه لژها داشته باشد که چنانچه توطئه بر ضد رژیم و حکومت در آن جا مطرح شود به او گزارش کنند.

افراد طریقت از حضور این اعضاء آگاه و متأثر و ناراحت بودند ولی در رژیم دیکتاتوری آن روز غیر از تحمل چاره نبود بخصوص آنکه اغلب این اعضای تحمیلی پس به انجمنها مشاهده می‌کردند که همه تعلیمات و بحثها بر سر آزادی، اخلاق و تقوا دور می‌زند و هیچ سخن دیگری در میان نیست لذا کم کم دلسرد شده و خود آنها دیگر در لژها حضور پیدا نمی‌کردند از این رو بسیاری از آنان شاید مدت چند سالی که عضو این طریقت بودند جمعاً بیش از چند بار در لژ خود حاضر نشدند.

در زمان سلطنت شاه سابق بیان هر گونه مطلبی که روشنگر اصول این طریقت باشد ممنوع بود و دستگاه ساواک شدیداً با آن مخالفت می‌کرد ولی نوشتن مطالبی بر ضد فراماسونی و نوشته‌هایی که آنرا بدنام می‌کرد نه فقط آزاد بود بلکه به اینگونه نشریات کمک مادی و معنوی کرده و به وسیله ایادی و امکانات خود در همه جا آنها را پخش می‌نمود.

سه جلد کتابی که درباره این طریقت نوشته شده است مؤید این موضوع است

و بسیاری از مردم از خود می‌پرسیدند در رژیم‌های که نوشته‌های بسیار ساده و معمولی از طرف مأمورین سانسور رژیم بشدیدترین وجه کنترل شده و اجازه انتشار به آنها داده نمی‌شود حتی نویسنده تحت تعقیب قرار می‌گیرد چگونه است که کتابهای ضد فراماسونی به این آسانی چاپ و تجدید چاپ شده و مانند نقل و نبات در دسترس مردم گذارده می‌شود.

۴- فراماسونی در کشورهای دیگر

طریقت فراماسونی سالهاست که بعنوان یکی از پاکترین و عالیترین طریقتهای اخلاقی که در بالا بردن مقام معنوی انسان نقش مؤثری دارد در همه کشورهای آزاد و متمدن دنیا مشغول فعالیت است.

بسیاری از مردان بزرگ دنیا مانند: گوته - ولتر - موزارت - فردریک دوم پادشاه پروس - بنیامین فرانکلین - ژان ژاک روسو - مونتسکیو - فرانسیس بیکن - رافائل - جرج واشنگتن - هگل - تولستوی - انیشتن و همچنین سن مارتن - گاریبالدی - سون یات سن و رؤسای نهضت مقاومت فرانسه در موقع اشغالگری آلمانها و غیره عضویت این طریقت افتخار نموده‌اند.

فراماسونی در کشورهای غرب بطور رسمی فعالیت خود را انجام می‌دهد و صورت اعضای آن در دفاتر شهرداریها و مؤسسات عمومی دیگر ثبت است و تابلوی لژها در اغلب کوچه‌ها و خیابانها نصب گردیده است و حتی در بعضی کشورها بعضی اوقات اعضای فراماسونی با پیش بند و حمایل مخصوص به خود در خیابانها رژه می‌روند و همه جا با استقبال گرم مردم روبرو هستند زیرا عضویت فراماسونی در مغرب زمین دلیل تقوا و فضیلت و پاک نهادی آن عضو بشمار می‌آید.

امید است این چند نکته که آورده شد برای خوانندگان محترم روشن کرده باشد که یکی از راههای مهم اخلاق جامعه و تکامل افراد آن تعلیمات متعالی این طریقت است.

اعتقاد به تقوا و فضیلت و ایمان باینکه هر کس باید در تکامل و پیشرفت اخلاق خود کوشش کند پایه این طریقت هستند و از آنجا که این طریقت از نیروهای خدائی الهام می‌گیرد و ایمان بخداوند پایه و اساس آن می‌باشد تعلیمات آن نیز در راه کوشش جان بسوی خرد برین و بی‌انتها و مطلق است.

امیدواریم کسانی که مایلند درباره این طریقت اطلاعات بیشتری کسب کنند بدون پیش داوری و تعصب و بی آنکه تحت تأثیر مطالب نادرستی که در این باره از طرف کسانی که کوچکترین اطلاعی از اصول این طریقت ندارند گفته می‌شود با اعضای این طریقت تماس حاصل کنند و هر نوع پرسشی از طرف آنها با مهر برادری و با خلوص عقیده پاسخ داده خواهد شد.

از طرف گروهی از برادران - دکتر علی امینی خوشی»

علی امینی رئیس کمیته‌ای بوده که مأموریت داشته متون آلمانی مورد استفاده لژ بزرگ ایران را ترجمه نماید تصویر نامه‌ای را که بوسیله بزرگ دبیر لژ حسین دفتریان خطاب به فراماسونر معروف دیگر مهندس امیر مهدی خواجوی نوشته شده و با حروف اختصاری عبارت بنام «معمار بزرگ جهان» آغاز شده ملاحظه می‌فرمایید:

بنا به سندی که در دست داریم وی در ۱۳۵۵/۷/۲۱ به درجه هجدهم و در ۵۵/۱۱/۱۲ به درجه بیست و دوم ماسونی ارتقا یافته و نام وی در ردیف ۱۰۰ دفتر طریقت درج شده است.

پ. ن. م. پ. ج.



خیابان پیارستان شماره ۲۱۰

مندوق پستی ۱۱-۱۳۷۷

۱۷ تیرماه ۲۵۳۷

برادر ارجمند امیرمهدی خواجوی

در اجرای بند ۱ و ۲ بجاچه اساسنامه لژ بزرگ ایران
شما به هموندی کمیته برگزیدگان ریشوندانی که بزبان
آلمانی نوشته شده برگزیده شده اند با همکاری
برادر ارجمند دکتر علی امینی ریشی و دیگر هموندان این کمیته
بکار مقابله متی آلمانی و ترجمه ی دقیق و صحیح آن
اقدام نمائید.

بادرود برادرانست

بزرگوار
مجلس دفتریان

۱۹- پروتارین لکند بیوتکنولوژی

تلفن: ۸۳۳۰۸۱
محل کار: خیابان پارسه، تهران
پست و پخش: تهران
شماره: ۱۵۱ گنج - تهران
شماره: ۸۳۳۰۸۱
تلفن: ۸۳۳۰۸۱



۲۰- پروتارین پندس بیوتکنولوژی

تلفن: ۴۶۶۸۱۲
محل کار: میدان پارس، تهران
پست و پخش: تهران
شماره: ۲۲
شماره: ۴۶۶۸۱۲
تلفن: ۴۶۶۸۱۲



۲۱- پروتارین فراژنیکو بیوتکنولوژی

تلفن: ۸۳۳۳۲
محل کار: آستادسرا، میدان پارس، تهران
شماره: ۲۱
شماره: ۸۳۳۳۲
تلفن: ۸۳۳۳۲



۱۶- پروتارین دکتر اندرویا ایران

تلفن: ۲۷۸۲۲
محل کار: خیابان بهار، کوی شماره ۱۷، تهران
شماره: ۲۷۸۲۲
تلفن: ۲۷۸۲۲



۱۷- پروتارین ملی لکتر بیوتکنولوژی

تلفن: ۸۳۳۳۳
محل کار: شرکت صنعت چرم - تهران
شماره: ۱۲
شماره: ۸۳۳۳۳
تلفن: ۸۳۳۳۳



۱۸- پروتارین محمد ظفر بیوتکنولوژی

تلفن: ۸۳۳۰۱۱
محل کار: خیابان پارس، خیابان شماره ۱۰، تهران
شماره: ۸۳۳۰۱۱
تلفن: ۸۳۳۰۱۱





ارتباط یهودیان و صهیونیست‌ها با امور سیاسی

یهودیان ایران بعنوان یک اقلیت دینی پس از اسلام به اقامت خود در ایران ادامه داده‌اند. بسیاری از آنان در طب و علوم دیگر تبخیر داشته دارای تألیفاتی در علوم و ادبیات بزبانهای فارسی و عبری و عربی بوده‌اند. آنان در طول قرن‌ها در کنار دیگر ایرانیان زیسته‌اند. در قرن اخیر با گسترش صهیونیسم از یهودیان ایران بعنوان ابزار کار این سیاست استفاده شد. مهاجرت به اسرائیل و کمک مالی به آن، ارتباط با سفارت‌های بیگانه در ایران وابستگی و طلب کمک و حمایت از آنان جزو رفتارهای شایع عده‌ای آنان بوده است. در صورت مذاکرات کاردار سفارت امریکا در تهران دو گلاس هگ با آرتیه لوین کنسول اسرائیل در تهران که در تاریخ ۵ دسامبر ۱۹۷۳ / ۱۴ / ۹ / ۵۲ انجام شده چنین آمده است:

«لوین در تهران به دنیا آمده تحصیلاتش را در اینجا گذرانده است. او فارغ التحصیل مدرسه کامیونیتی (مدرسه امریکائیه در تهران - مترجم) در روزهایی که آنجا مؤسسه‌ای وابسته به کنیسه بوده و مقدار نسبتاً خوبی از محصلین یهودی بودند، می‌باشد. بعد از اینکه او از تهران به اسرائیل رفت در قسمت خدمات خارجی مشغول کار شد» (اسناد لانه جاسوسی ج ۳۶ سند شماره ۲۴ ص ۷۵)

در جریان انقلاب اسلامی، گروهی از یهودیان زیر عنوان جامعه روشنفکران یهودی در جهت انقلاب اسلامی فعالیت و تبلیغات می نمود. در روز دوشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۳۵۸ نمایندگان کلیمیان ایران به حضور امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی رسیدند. نماینده کلیمیان در این دیدار اظهار داشت:

«یهودیت دین الهی است متکی بر توحید و احکام خداوند که بوسیله حضرت موسی کلیم الله در تورات مقدس آورده شده در حالی که «صهیونیسم» مانند «ایسم» های دیگر مخلوق ذهن چند نفر از دنیای غرب است که اخیراً بعنوان یک ابزار سیاسی مورد استفاده قرار می گیرد و این ابزار عاملی شده است برای نفوذ امپریالیسم در خاورمیانه و محو حقوق انسانی و خدائی عده ای از افراد این منطقه.»

امام خمینی ضمن بیانات خود، بر تفاوت عملکرد کلیمیان حقیقی با صهیونیست ها تأکید کرد:

«ما حساب جامعه یهود را از حساب صهیونیست ها جدا می دانیم. ما با صهیونیست ها مخالف هستیم و مخالفت ما برای این است که آنها با همه ادیان مخالف هستند آنها یهودی نیستند آنها مردم سیاسی هستند که به اسم یهودی کارهایی می کنند و یهودی ها هم از آنها متنفر هستند» (روزنامه اطلاعات ۲۵/۲/۵۸ ص ۱۱)

با وجود این یهودیان و رهبران آنها با مباشرت و حمایت یهودیان ماسون با نمایندگی های خارجی در ارتباط بوده به دادن اطلاعات و جلب حمایت آنان می پرداختند: ایرج فرنوش یهودی کارمند صنایع الکترونیک ایران در شیراز، در گفت و گو با معاون کنسول امریکا در شیراز در ۲ نوامبر ۱۹۷۸ می گوید:

«جمعیت یهودیان شیراز در حدود ۱۰۰۰۰ نفر است که تمامی آنها از نشانه های اخیر کم احتمالی مذهب بوسیله مسلمانان بنیادگرا در ایران عصبانی هستند. کسانی که بیش از همه نگران هستند افراد پیرتری هستند که سوزاندن دسته جمعی یهودیان را در جنگ دوم جهانی بیاد دارند...» (اسناد لانه جاسوسی ج ۳۷ سند شماره ۱ ص ۳۸)

روشن است که تشبیه موزیانه اوضاع روزهای انقلاب و وضع یهودیان در صورت پیروزی انقلاب اسلامی با دوره حکومت هیتلر برای یک امریکائی که اطلاع زیادی از فرهنگ اسلامی و ایرانی و زندگی مسالمت آمیز یهودیان در ایران در طول قرن ها نداشته باندازه کافی تحریک آمیز بوده است.

در نامه ای که وزارت امور خارجه امریکا به سفارت خود در تهران فرستاده چنین آمده

است:

«گروهی از یهودیان ایرانی - امریکائی امروز به قسمت ایران، بخش خاور نزدیک در وزارت امور خارجه امریکا آمدند تا در مورد اقداماتی که ممکن است در جهت حمایت از یهودیان ایرانی بعمل آوریم بحث کنند» (همان - سندش ۳ ص ۴۲)

در اسناد دیگر آمده است:

- «گورن به کارمند سفارت گفت او نمی‌توانست نام یهودی اهل تهران را که دستگیری بسیاری را از زمان اعدام الگانیان تا بحال گزارش نموده فاش کند» (همان - سندش ۴ - ص ۴۴)

- «رهبران و اعضای یهود کنگره امریکا مخصوصاً برای اطلاعاتی که ما [وزارت امور خارجه امریکا] مرتباً برای آنها می‌فرستیم، قدر دانی می‌نمایند» (همان - سندش ۵ ص ۴۷)

- «ما [سفارت امریکا در تل آویو] با مقامات اسرائیل درباره وضع جامعه یهودیان در ایران چند بار گفت و گو کردیم... کلویتز گفت با وجود اینکه یکی از شخصیت‌های مهم یهودیان ایران خواستار محکوم نمودن آشکار رفتار ایرانیها علیه یهودیان [منظور اعدام الگانیان است] است ولی بسیاری دیگر مکرراً درخواست کردند در حال حاضر در این باره سکوت شود» (همان - سندش ۷ ص ۵۱)

- «صراف، یهودی ایرانی به مأمور سفارت امریکا در تهران گفت او یک دختر در اسرائیل و دو پسر در آلمندای کالیفرنیا دارد. تصمیم دارد با همسر و آخرین دخترش از اسرائیل دیدن کند...» (همان - سندش ۱۱ - ص ۶۰)

اسناد بدست آمده از سفارت امریکا در تهران نشان می‌دهد که سفارت امریکا با علاقه‌مندی بسیاری مسایل مربوط به یهودیان را زیر نظر داشته و بدنبال یافتن راه‌حلهای موضوع بوده است و از یهودیان صهیونیست با ذکر نام حمایت می‌کرده است:

«درباره هر نوع ارتباط بین استمپل [کارمند سفارت امریکا در تهران] و منبع تهرانی [یهودی] فرستنده این گزارشها و نیز از هر گزارش فوری در مورد تحولات جامعه یهودیان در پی اعدام الگانیان قدردانی می‌شود. لیست یهودیانی که گفته می‌شود در بازداشت بسر می‌برند ارائه می‌شود: - خلیل نهائی - تاجر [صاحب شرکت بیمه] مراد دانیال پور برادر زاده لطف‌اله حی، عضو پیشین مجلس، آقای کوهن مقاطعه کار، شریک ول پوند یک شرکت اسرائیلی، یوسف کوهن، خانبابا شیرازی، پرویز حی، آلبرت دانیال پور،...» (همان - سند ۴ ص ۴۵)

در گزارشی که کارمند سفارت امریکا در تهران، توماس گرین در ۲۲ دسامبر ۱۹۶۵
۱۳۴۴/۱۰/۱ تنظیم کرده آمده است:

«لای تورگمن، نماینده اسرائیل در تهران، در مورد مسأله مهاجران یهودی ایرانی به اسرائیل
مداخله نمی‌کند. این مسأله بوسیله کمیته صهیونیست‌ها در اینجا مورد بررسی قرار
می‌گیرد» (اسناد لانه جاسوسی شماره ۳۶ سندش ۳ ص ۲۰)

این سند بروشنی فعالیت کمیته‌های متشکل از صهیونیست‌ها را در ایران که از جمله
فعالیت‌های آن جلب مهاجران یهودی به اسرائیل بوده نشان می‌دهد.

ارتباط یهودیان و صهیونیست‌ها با دستگاه حاکمه پهلوی و سعی آنان در حفظ رژیم
پهلوی که حلقه‌ای در زنجیر صهیونیسم - فراماسونری و متحد طبیعی اسرائیل و یهودیان بود
در تاکیدهائی که ملاقات کنندگان یهودی با مأموران سفارت امریکا داشته‌اند مشهود است
(اسناد لانه جاسوسی جلد ۳۶ و ۳۷)

روابط صهیونیست‌های ایرانی با حکومت اشغالگر قدس در دو سند خیلی محرمانه
ساواک که در جلسه محاکمه حبیب القانیان رئیس آژانس یهود در ایران و عضو لژهای
ماسونی (ابن سینا - سعدی) افشا شد بدین صورت گزارش شده است:

گزارش اول: تاریخ ۴/۴/۴۹

... طبق اطلاع حدود ۵ ماه قبل حبیب القانیان رئیس انجمن خیریه و
بهداشتی یهودیان ایران (اتحاد) در کشور اسرائیل (نزدیک تل آویو) چند قطعه
زمین خریداری کرده است. القانیان جهت خرید زمین در اسرائیل بیش از یک
میلیون دلار پرداخته و در حال حاضر قیمت زمین‌ها افزایش و ترقی جالبی پیدا
کرده است.

نظریه منبع: القانیان بخاطر جلب نظر و اعتماد بیشتر مقامات دولتی اسرائیل
سرمایه خود را از کشور ایران خارج ساخته و در اسرائیل زمینی خریداری نموده و
ترقی قیمت زمین موجب گرایش زیادتر مشارالیه به سوی اسرائیل گردیده است.
توضیح بخش تحقیق: خبر صحیح بنظر می‌رسد. ممکن است با توجه به
سمت و نفوذی که القانیان در حال حاضر بین کلیمیان ایران دارد موجبات تشویق
«خروج» سرمایه‌های آنانرا به اسرائیل فراهم سازد. احتمال زیاد وجود دارد که
سؤال مربوط به خروج سرمایه بازرگانان کلیمی از ایران که اخیراً توسط وزارت

خارج از ساواک بعمل آمده بود بی ارتباط با مفاد گزارش خبری نباشد. گیرندگان: اداره کل سوم» / (خیلی محرمانه)

گزارش دوم: / خیلی محرمانه

«موضوع: درباره رئیس سازمان فرهنگی آژانس یهود در ایران. بطور خیلی خصوصی از آقای حبیب القانیان رئیس انجمن کلیمیان تهران اطلاع رسیده است که در نتیجه عدم رضایت از فعالیت و کارهای آقای برنیسکین (سرهنگ ارتش اسرائیل) رئیس سازمان فرهنگی آژانس یهود ایران مشغول فعالیت جهت تعویض و تغییر مأموریت نامبرده به اسرائیل می‌باشند. نظریه ۲۰ - نظریه رهبر عملیات تأیید می‌گردد»

گزارش سوم:

«موضوع: دعوت گلبيت از کلیمیان سرشناس جهت بازدید از اسرائیل. در بازدید اخیری که هیأت اعزامی گلبيت (قسمت کمک به دولت و ارتش اسرائیل) از نقاط اشغالی جنگ اخیر اسرائیل با اعراب و سرحدات گولان و شهرهای اسرائیل نموده بودند، در جلسه آشنایی که با حضور کاتزیو رئیس جمهور و سپیر وزیر دارایی و موشه دایان وزیر دفاع و آباابان وزیر امور خارجه اسرائیل برگزار گردیده بود، آقای حبیب القانیان، رئیس انجمن کلیمیان و ابراهیم راد صاحب کارخانه کارتن سازی در حضور نامبردگان قول داده‌اند که پس از بازگشت به ایران سعی و اهتمام ورزند که نسبت به گذشته، مبالغ قابل ملاحظه‌ای از کلیمیان ایرانی جهت کمک به اسرائیل جمع‌آوری نموده و با تبلیغات وسیع دامنه‌دار، یهودیان ایرانی را وادار به مهاجرت به اسرائیل بنمایند. نظریه سه شنبه: آقای حبیب القانیان سرمایه‌دار و بازرگان معروف کلیمی که از نعم و مزایای این کشور بیش از هر فرد ایرانی استفاده برده و می‌برد، کشور اسرائیل را سرزمین اصلی خود دانسته و کلیمیان ایرانی را تشویق می‌نماید که در اسرائیل سرمایه‌گذاری نموده و از این رهگذر در جهت پیشرفته بنیه اقتصادی اسرائیل کمک می‌نماید و اصولاً سرزمینی که بدنیای آمده و بزرگ شده و استفاده سرشار می‌برده برایش اهمیتی ندارد و همیشه خود را وابسته به اسرائیل می‌داند؟

نظریه چهارشنبه: نظریه سه‌شنبه مورد تأیید است» - (روزنامه کیهان مورخ

۱۳۵۸/۲/۱۹ ص ۲ - دوره کیهان ج ۲ ص ۱۱۸)

صهیونیسم در ایران

محمود طلوعی مؤلف محقق کتاب «آفت جهانی» در مورد پیدایش جریان صهیونیست در ایران بنقل از کتاب «تاریخ یهود ایران» تألیف دکتر حبیب لوی و منابع دیگر تحقیقی ارائه کرده است که گزیده آن را حسن ختام این فصل قرار می‌دهیم:

پس از صدور بیانیه بالفور در سال ۱۹۱۷ و تأیید تشکیل یک کانون ملی یهود در فلسطین از طرف انگلیسی‌ها، عده‌ای از یهودیان ایران هم به فکر تشکیل یک انجمن صهیونیستی و توسعه زبان عبری افتادند. انجمن صهیونیست ایران در سال ۱۹۱۸ در تهران تشکیل شد و شعباتی نیز در شهرستانها دایر کرد و با سردمداران جنبش جهانی صهیونیسم نیز روابطی برقرار نمود. مؤلف «تاریخ یهود ایران» می‌کوشد جنبه سیاسی این قضیه را کوچک و کم اهمیت نشان دهد و در تفسیر این موضوع می‌نویسد:

«در خارج از ایران صهیونیسم معنی دیگری داشت. آنها برای ایجاد مأمور ملی یهود کوشش می‌نمودند در حالی که صهیونیسم در ایران مفهومی بدست آوردن سطح فرهنگی بالاتر و تأمین آزادی و جلوگیری از تبلیغات مسیحیان و بهائیان بود... کلیه یهودیان ایران، این انجمن را مرجع اصلاح بدبختی‌ها و رفع تجاوزات نسبت به خود می‌دانستند». (تاریخ یهود: ص ۹۰۹)

اقا همین انجمن در سال ۱۹۲۱ نماینده‌ای بنام عزیز الله نعیم برای شرکت در سیزدهمین کنگره جهانی صهیونیست‌ها تعیین کرد. عزیز الله نعیم از راه بغداد عازم اروپا شد ولی بعثت بسته شدن راه بغداد به حلب، نتوانست به مسافرت خود ادامه دهد...

دوره سلطنت پهلوی‌ها را می‌توان دوران تاخت و تاز یهودیان ایران بشمار آورد. زیرا یهودیان در این دوره نه فقط مشکلی نداشتند، بلکه بسیاری از آنها با استفاده از موقعیت‌های مناسب به ثروت‌های هنگفتی دست یافتند که البته بخش عمده آن از طریق غیر قانونی و ربا خواری و زمین خواری بود.

بعد از تشکیل دولت اسرائیل در سال ۱۹۴۸ (۱۳۲۷ هجری شمسی) عده‌ای از یهودیان تحت تأثیر تبلیغات صهیونیست‌ها به فکر مهاجرت از ایران افتادند و بموجب آمارهایی که از طرف منابع یهودی منتشر شده طی هشت سال (تا ۱۳۳۵) در حدود ۴۵۰۰۰ نفر از یهودیان ایران به اسرائیل مهاجرت کردند...

یک روزنامه نگار ایرانی که دوبار به اسرائیل مسافرت کرده و درباره یهودیان ایرانی مقیم اسرائیل نیز مطالعاتی بعمل آورده در گزارشی که در سال ۱۳۴۶ منتشر شده چنین می‌نویسد:

در اسرائیل متجاوز از ۸۰،۰۰۰ کلیمی ایرانی زندگی می‌کنند. این عده بطور کلی مهاجرین پس از استقلال بشمار می‌آیند و در میانشان بطور نمونه حتی یک کلیمی ثروتمند نمی‌توان یافت، زیرا ثروتمندان ایرانی این اقلیت مذهبی بهیچوجه حاضر نیستند ایران را ترک کنند و در محلی زندگی کنند که حساب و کتابی در کار نیست.

کلیمیان ایرانی نیز درست مانند سایر یهودیان مشرق‌زمینی تحت سلطه اروپائی‌ها قرار گرفته‌اند و اکثرشان به مشاغل کم‌اهمیتی از قبیل واکسی، میوه فروشی، گل فروشی، دستفروشی، دوره گردی، عکاسی، کفاشی، قالی فروشی اشتغال دارند و حتی اکثر گدایان اورشلیم ایرانی هستند...

وقتی بسال ۱۹۴۸ دولت اسرائیل موجودیت یافت عده کثیری از یهودیان مشرق زمین در صدد مهاجرت به موطن موعود برآمدند.

چون دولت عراق اجازه مهاجرت مستقیم از عراق به اسرائیل نداده بود کلیمی‌های عراق دسته جمعی به ایران آمدند... و در محلی به نام بهشیه در اطراف میدان فوزه اسکان داده شدند. از آنجایی که این عده فاقد گذرنامه و شناسنامه بودند از اسرائیل نماینده‌ای به ایران آمد و به یکایک آنان شناسنامه‌های اسرائیلی داد. در این میان دلالتان یهودی ایرانی که بازار را گرم دیده بودند و در صدد استفاده از موقعیت و جازدن عده‌ای کلیمی ایرانی بین کلیمی‌های عراقی برآمدند... بدین ترتیب قسمت اعظم هشتاد هزار نفر ایرانی مقیم اسرائیل نه گذرنامه ایرانی دارند و نه شناسنامه ایرانی و گویاتر اینکه این عده از ایران به طور قاچاق خارج شدند... (آنچه درباره اسرائیل نشنیده و نمی‌دانید، احمد مرعشی، خواندنیا ۱۹/۲/۱۳۴۶)

بطوری که از متن همین نوشته برمی‌آید بین ایران و اسرائیل از بعد تأسیس دولت اسرائیل روابطی برقرار بوده است. ایران بعد از ترکیه تنها کشور خاور میانه بود که با اسرائیل روابط سیاسی داشت. اسرائیل

ظاهراً در تهران سفارتخانه نداشت ولی نمایندگی سیاسی اسرائیل در ایران یکی از فعال ترین هیأت‌های سیاسی بشمار می‌آمد و در سطوح مختلف سیاسی و اقتصادی و نظامی در ایران فعالیت می‌کرد. اعضای هیأت نمایندگی اسرائیل اکثراً عضو سازمان جاسوسی اسرائیل (موساد) بودند و با نفوذی که موساد در سازمان اطلاعات و امنیت ایران (ساواک) به دست آورده بود از تمام اسرار سیاسی و نظامی و دولتی ایران اطلاع داشت. موساد در تشکیل ساواک نقش عمده‌ای داشت و بسیاری از مقامات ساواک که در اسرائیل تعلیم دیده بودند خود عامل موساد بودند. این گروه در جریان انقلاب از ایران گریختند و اکثر آنها به اسرائیل رفتند.

صهیونیست‌ها با تمام قدرت و امکاناتی که در اواخر رژیم گذشته در ایران داشتند نتوانستند جامعه یهودی ایران را در اختیار خود بگیرند و مهاجرت یهودیان ایران به اسرائیل نیز از سال ۱۳۳۵ بعد تقریباً متوقف شد. در فاصله ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰ عده‌ای از یهودیان ایران مهاجرت کردند ولی اکثر قریب باتفاق آنها به امریکا رفتند و تلاش صهیونیست‌ها برای جذب عده‌ای از این مهاجرین به اسرائیل به نتیجه نرسید.

در میان بیش از هفتاد درصد جمعیت یهودیان ایران که بعد از انقلاب [اسلامی] در ایران مانده‌اند صهیونیسم جایی ندارد و در نشریات جامعه کلیمیان ایران و جامعه روشنفکران کلیمی ایران انتقادات اصولی و مستدلی از صهیونیسم بعمل می‌آید. در اولین مجمع بررسی تحلیلی صهیونیسم که از روز بیستم تا بیست و دوم خرداد ۱۳۶۵ در دانشکده حقوق دانشگاه تهران تشکیل شد آقای هارون یشایانی سردبیر روزنامه «تموز» نشریه خاصه روشنفکران کلیمی ایران گفتار مفصلی تحت عنوان «جدایی مرزهای صهیونیسم و دین یهود» ایراد کرد و از جمله گفت:

می‌توان گفت آنچه صهیونیست‌ها به عنوان «ناسیونالیسم یهود» درباره آن تبلیغ می‌کنند آمیزه ایست از تفکرات جاه طلبانه گروهی حکام ستمگر که از هر وسیله برای استقرار حاکمیت خود استفاده می‌کنند... رستگاری انسان به رعایت عدالت است و چگونه ممکن است ظالمانه دولتی ساخت که هدف آن قدرتمندی سیاسی و نظامی باشد و آنرا به وعده خداوند درباره ظهور «ماشیح» تعبیر کرد... در جریان گسترش صهیونیسم در جهان، یهودیان مشرق زمین که اصولاً در قلمرو کشورهای اسلامی زندگی می‌کردند تا قبل از تشکیلات حکومت اسرائیل هیچگونه اثری نداشته‌اند صهیونیسم بخشی از تفکرات ناسیونالیسم سیاسی بود که از قرن هیجدهم به بعد در اروپا رایج شده بود... ایرانیان یهودی نیز با شدیدترین شیوه‌های تحریک و توطئه زیر فشار قرار گرفتند که دست جمعی اقدام به مهاجرت به فلسطین کنند. این تحریکات بطور سازمان یافته یکبار در سالهای ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۹ شمسی و بار دیگر در سال ۱۳۵۷ بهنگام انقلاب اسلامی ایران انجام گرفت. یهودیان ایرانی در مقابل این تحریکات مقابله کردند. یهودیان ایرانی همیشه عضوی از پیکر ملت ایران بوده‌اند... (محمود طلوعی: صص ۸-۲۰۱)



بہائیت: سیاست، ماسوئیت

بهائیت و ماسونیت

فراماسونری در تأسیس یا اداره سازمان‌ها و فرقه‌های بسیاری دخیل بوده و هست. ارتباط تنگاتنگ و وجوه اشتراک متعدد میان این سازمان‌ها و فرقه‌ها با فراماسونری مؤید این دخالت است. از جمله دستگاه‌هایی که سران آن فراماسون یا یهودی بوده ارتباط‌ها و مشابهت‌های زیادی با فراماسونری دارد، بهائیت است.

بهائیت که اینک عمدتاً در قالب سازمان جهانی که مرکز آن در اسرائیل است در دنیا فعالیت می‌کند مانند سازمان جهانی فراماسونری بر پایه تعالیم و سنت‌ها و سمبل‌های قوم یهود پایه گذاری شده، در احکام و قانون‌ها از شریعت یهود و آداب یهودیان تأثیر پذیرفته، در سازماندهی لجنه‌ها و تشکیلات محلی، کشوری، منطقه‌ای و جهانی از تشکیلات ماسونیت تبعیت کرده است.

در میان سران بهائیت چهره‌های مهم ماسون و یهودی دیده می‌شوند و اکثریت قریب به اتفاق یهودیانی که دین کلیمی را رها کرده و می‌کنند بجای اینکه مسیحی یا مسلمان یا مثلاً مارکسیست شوند، بهایی می‌شوند و در اعتقاد جدید خود نیز راسخ و راحت‌اند زیرا بهائیت به سابقه عقیدتی و تمایلات آنها بسیار نزدیک است و در واقع ماسونیت را با چهره

دینی به آنان عرضه می کند که ترکیبی است از سنن یهود باضافه ماتریالیسم. از نزدیکترین اسناد به زمان پیدایش فرقه سید علی محمد شیرازی معروف به باب نامه نماینده انگلیس در ایران به وزارت خارجه انگلیس است که در برگ ۱۱۰ پرونده شماره ۳۷۹ - 152 - F.O.60 اسناد وزارت خارجه انگلیس ضبط شده است. این نامه که در جریان بلوای سال ۱۲۶۶ ه. ق بایته در یزد نوشته شده شهادت گویای نماینده سیاسی دولت انگلیس در مورد محتوای نظریات باب است و می دانیم که بایته مرحله اول تاریخی بهائیت بوده و بهائیت بسیاری چیزها اضافه بر بایته دارد.

شماره ۷۲ - اردوی نزدیک تهران ۲۱ ژوئن ۱۸۵۰

به جناب لردپالمرستون -

رونوشت به مستر جی. ا. استیونس

بر حسب تعلیمات جناب لرد، اینجانب افتخار دارم شرحی درباره مسلک جدید «باب» لفا ارسال دارم. مطالب محتوی در ضمیمه شماره یک، از شرحی گرفته شده که توسط یک تن از مریدان باب به من داده شده است، و البته من شکی در صحت مطالب آن ندارم. شرح دوم از نامه یک مجتهد بزرگ یزد استخراج شده و نمی تواند موثق باشد.

در یک جمله: این ساده ترین مذاهب است که اصول آن در ماتریالیسم، کمونیسیم و لاقیدی مطلق نسبت به خیر و شر و کلیت اعمال بشر، خلاصه می شود.

افتخار دارم که با بزرگترین احترام، منقادترین چا کر ناچیز شما باشم.

امضاء

(انشاب در بهائیت: ص ۴۱)

در اینجا به چند وجه اشتراک بهائیت با ماسونیت اشاره می‌کنیم:

وجه اشتراک بهائیت با ماسونیت

ماسونیت	بهائیت
۱- داشتن خدای ناسوتی و ترکیبی (شیطان + پپوه)	۱- داشتن خدایی ناسوتی و ترکیبی (انسان + خدا)
۲- استناد به کتابهای آسمانی در ابتدای شریعت و حذف آنها در انتها	۲- استناد به کتابهای آسمانی در ابتدای شریعت و حذف آنها در انتها
۳- آزادی ماسون‌ها از قید احکام و اخلاق	۳- آزادی رعیت از قید احکام و اخلاق
۴- داعیه حکومت جهانی	۴- داعیه حکومت جهانی
۵- جهان وطنی	۵- جهان وطنی
۶- مرکزیت فلسطین (اسرائیل فعلی)	۶- مرکزیت فلسطین (اسرائیل فعلی)
۷- تقدس اراضی، اعداد، اشیا، سنن، و سمبلهای یهودی	۷- تقدس اراضی، اعداد، اشیا، سنن، سمبلهای یهودی
۸- ضدیت با اسلام و مسیحیت	۸- ضدیت با اسلام و مسیحیت

بجهت همین وجه اشتراک است که بسیاری از بهائیان در لژهای ماسون فعال بوده، در قالب سازمان فراماسونری به اجرای طرح‌های مخفی یهود مشغولند.

بهائیت و سیاست

بهائیت ادعا می‌کند که دخالتی در امور سیاسی ندارد، در جلسات محفل‌ها و اجتماعات بهائیان صحبتی از سیاست نمی‌شود و اعضای تشکیلات بهایی از دخالت در سیاست ممنوعند و در اطاعت حکومت مناطقی که در آن بسر می‌برند مشغول زندگی و کارند. اما واقعیت غیر از این است. بقول مرحوم رائین:

«از همان روزی که پس از اعدام‌باب، به ناصر الدین شاه سوء قصد شد تا به امروز، کار بهائیان خواه ناخواه، به سیاست گرائیده است و بارها و

بارها این امر به اثبات رسیده که بهائیان ایران، هم در امور مختلف سیاست در ایران دخالت کرده و می‌کنند و هم با جریان‌های سیاسی بین‌المللی بستگی دارند. نکتهٔ مهمتر این که در نیم قرن اخیر بهائیان ایران در سازمانهای مختلف مملکتی - حتی مقامات عالیه - شرکت دارند و در سیاست مملکت نه فقط نظارت بلکه دخالت و عمل می‌کنند.» (انشعاب در بهائیت: ص ۱۰۰)

برای روشن شده مدعا به چند مورد از ارتباط بهائیان با امور سیاسی صرف اشاره می‌شود مأخذ این مطالب نوشته‌های خود بهائیان است:

- ۱- ترور ناصر الدین شاه قاجار
- ۲- پناهنده شدن میرزا حسینعلی نوری معروف به بهاء الله پس از آن ترور به منزل سفیر روس در تهران پرنس دالگورکی بوساطت منشی سفارت میرزا مجید که شوهر خواهر بهاء الله بوده و امتناع سفیر از تحویل بهاء الله به مأموران دولت (تاریخ بهایی موسوم به «قرن بدیع»: ج ۲ ص ۱۵، نقل از انشعاب در بهائیت ص ۱۰۶)
- ۳- اعزام بهاء الله به خارج از ایران در پوشش تبعید به بغداد بتدبیر سفیر روس برای تأمین آزادی وی در فعالیت (نامه‌ای از سن پالو، امان الله شفا: ص ۳۱۶ نقل از مأخذ بالا ص ۱۱۲) با بدرقهٔ مأموران کنسول روس در ۱۲۶۹ هـ. ق (بهاء الله و عصر جدید، نقل از مأخذ فوق: ص ۱۱۳)
- ۴- صدور لوح تشکر از سوی بهاء الله خطاب به امپراطور روس الکساندر دوم: «ای پادشاه روس ندای خداوند ملک قُدوس را بشنو (منظور میرزا حسینعلی بهاء است) و بتحقیق یکی از سفیرانت مرا یاری کرد هنگامی که در زندان اسیر غل و زنجیر بودم...» (لوح از کتاب حسین ص ۵۷ ترجمه از تاریخ و نقش سیاسی رهبران بهایی ص ۶۵، نقل از انشعاب در بهائیت ص ۱۱۵)
- ۵- دریافت مقرری از دولت روسیه «خود بهاء گرید: به جمال قدم که اول ضرری که بر این غلام وارد شد این بود که قبول شهریه از دولت نمود.» (مجموعهٔ الواح مبارک ص ۱۵۹، نقل از انشعاب در بهائیت ص ۱۱۶)
- ۶- همکاری عبدالبهاء و اطرافیایش با ارتش انگلیس و نیز تهیهٔ آذوقه برای انگلیسیان در جریان جنگ انگلیس با دولت اسلامی عثمانی و بیرون راندن عثمانی از فلسطین بهنگام اقامت بهاء در فلسطین، و متعاقب آن دریافت لقب «سر» (مدال قهرمان جنگ بنام «نایت هود») از پادشاه انگلیس (نامه‌ای از سن پالو ص ۱۵، نقل از انشعاب ص ۱۱۸)
- ۷- تأیید و دعای امپراطور انگلیس بوسیلهٔ عبدالبهاء دومین رهبر بهایی: اللهم اید

- الامپراطور الاعظم جورج الخامس انگلتر... یعنی پروردگار را امپراطور بزرگ جرج پنجم پادشاه انگلستان را بتوفیقات رحمانی خود مؤتد بدار... عبدالبهاء عباس» (همان ص ۱۲۱)
- ۸- مخابره تلگرام پادشاه انگلستان در تسلیت مرگ حسینعلی بهاء الله و «ابلاغ همدردی پادشاه به جامعه بهایی» (شوقی ربانی رهبر سوم بهایی: قرن بدیع، نقل از انشعاب ص ۱۲۳)
- ۹- تشویق امریکائیان به سرمایه گذاری و سلطه در ایران از سوی عباس افندی عبدالبهاء (همان ص ۱۲۵)
- ۱۰- تأیید تشکیل دولت غاصب صهیونیستی بنام اسرائیل در خاک فلسطین از سوی شوقی ربانی رهبر چهارم بهائیان: «... تأسیس حکومت اسرائیل از فم مطهر شارع امر الهی و مرکز میثاق صادر و حاکی از پیدایش ملت مستقلی در ارض اقدس پس از مضمی دو هزار سال می باشد...» (تلگرام مؤرخ ۹ ژانویه ۱۹۵۱ شوقی ربانی، همان مأخذ ص ۱۶۹)
- ۱۱- دستور شوقی به ایجاد حسن رابطه بهائیان با دولت اسرائیل: «... اول آنکه با اولیاء حکومت اسرائیل ایجاد روابط نماید...» (قرن بدیع ص، ۱۶۲ همان مأخذ ص ۱۷۰)
- ۱۲- شناسایی بهائیت بعنوان دین در ردیف ادیان کلیمی، مسیحی، اسلام، در کشور اسرائیل (همان ص ۱۷۰)
- ۱۳- عضویت بهائیان در تشکیلات جاسوسی اسرائیل (موساد) (همان ص ۱۷۱)
- ۱۴- عضویت بهائیان در سازمان اطلاعات و امنیت ایران (ساواک) نصیری، ثابتی، سرهنگ شباب و غیره)
- ۱۵- همکاری بهائیان در پوشش شرکتهای بهایی و ماسونی با حزب توده و جاسوسی بنفع اتحاد شوروی (سرهنگ مقرّبی)
- ۱۶- عضویت بهائیان در دولت شاه (هویدا، منصور روحانی، دکتر شاپور راسخ دکتر منوچهر تسلیمی و غیره)
- ۱۷- عضویت بهائیان در تشکیلات ماسونی: (دکتر ذبیح قربان، دکتر منوچهر تسلیمی، حبیب ثابت و غیره)
- ۱۸- تهیه مقدمات ایجاد اعلام حکومت بهایی در ۱۳۷۰ هجری شمسی در ایران با همکاری محمّد رضا شاه
- ۱۹- کودتا در یکی از کشورهای امریکایی جنوبی که پس از انقلاب اسلامی در آنجا مقیم شده‌اند.
- ۲۰- ایجاد شبکه مخفی جهانی و سعی در تصرف مناصب و امکانات فرهنگی، و سیاسی در اقطار عالم

در این باره به چند گزارش ساواک توجه فرمایید:

از ۳۲۱ خیلی محرمانه
 به ۵۷ منبع: همکار
 شماره ۵/۶۹۴۶ منشأ جلسه بهائیان
 تاریخ ۱۳۴۷/۳/۱۱ موضوع: فعالیت بهائیان شیراز

ساعت ۶/۵ بعد از ظهر مورخ ۴۷/۳/۷ کمیسیون نشر نفعات الله در محفل شماره ۴ واقع در تکیه نواب منزل اسدالله قدسیان زاده تشکیل گردید. عباس اقدسی که سخنان کمیسیون بود اظهار داشت: جناب آقای اسدالله علم وزیر دربار سلطنتی به ما لطف زیادی نموده‌اند مخصوصاً جناب آقای امیر عباس هویدا، بهائی و بهائی زاده. انشاء الله هر دو نفر کدخدای کوچک بهائیان می‌باشند گزارشاتی از فعالیت‌های خود به بیت العدل اعظم الهی مرجع بهائیان می‌دهند. حضرت بهاء الله می‌فرماید (عن قال اله عن تصرف فیها) دولت اسرائیل در جنگ سال ۴۶ و ۴۷ قهرمان جهان شناخته شده ما جامعه بهائیت فعالیت این قوم عزیز یهود را ستایش می‌کنیم. ما خیلی خوشحالیم که قانونی برای احتیای ایران طرح می‌نمایند پیشرفت و ترقی ما بهائیان این است که در هر اداره ایران و تمام وزارتخانه‌ها یک جاسوس داریم و هفته‌ای یکبار که طرح‌های تهیه شده بوسیله دولت که به عرض شاهنشاه آریامهر می‌رسد گزارشاتی در زمینه طرح به محفل‌های روحانی بهائی می‌رسد. مثلاً در لجنة پیمانکار، کادر بهائیان ایران هر روز گزارش خود را در زمینه ارتش ایران در اینکه چگونه اسلحه به ایران وارد می‌شود، چگونه چتر بازان را آموزش می‌دهند، به محفل روحانی بهائیان تسلیم می‌نمایند.

از: ۳۲۱ خیلی محرمانه
 به: ۵۷ موضوع: فعالیت بهائیان دهیید
 شماره: ۵/۷۶۵۱
 تاریخ: ۵۰/۲/۲۰

شب ۵۰/۲/۲ جلسه بهائیان ده بیید در منزل امرالله رفاهی تشکیل گردید. آقای عزیز الله بمبوسیان مبلغ و رابط بین محفل‌های شیراز و ده بیید سخنرانی کرد و در مورد آزاد شدن بهائیت و استقلال و رسمیت پیدا کردن بهائیت مطالبی بیان نمود. نامبرده سپس اشاره به حقوق معلمان و درآمد نفت و تیر اندازی به سپهبد فرسیو نمود. سپس اشاره به شرکت کردن جناب آقای نخست وزیر در محفل بهائیت در روز عید رضوان و همکاری دولت در

شهرستان‌ها نسبت به فرقه بهائیت کرد.

در دیگر اسناد ساواک آمده است:

– «... مخصوصاً عده‌ای از دربار شاهنشاهی مخفیانه برای زیارت بیت مبارک به

شیراز می‌آیند...» (از گزارش مورخ ۵۰/۳/۲۵)

– «آقای امیر عباس هویدا به پشتیبانی بیت العدل اعظم و کامبالای افریقا مدت ۱۳

سال بر ایران حکومت کرد جامعه بهائیت به پیشرفت قبل توجهی رسید و افراد متنفذ

بهایی پست‌های مهمی را در ایران اشغال کردند و پولهای مملکت را به خارج فرستادند»

(از گزارش مورخ ۵۷/۷/۲۴)

– «بهائیهایی که در آذربایجان و سایر شهرستانها دارای تأسیسات و کارخانه‌هایی

هستند از وسایل و آلات ساخت اسرائیل استفاده و با خرید آن به اقتصاد آن کشور کمک

می‌نمایند» (از گزارش مورخ ۴۸/۱۰/۲۸)

– «قرار است: انتخابات هیئت رهبری محفل مرکزی بهائیان مرکب از نه نفر در

اسرائیل انجام شود با توجه اینکه دولت اسرائیل در سال ۱۹۷۲ فرقه بهایی را بعنوان یک

مذهب به رسمیت شناخته است بنظر می‌رسد با اجرای برنامه تحبیب از این فرقه می‌کوشد

از اقلیت بهائیان در سایر کشورهای جهان بویژه ایران بهره برداری سیاسی – اطلاعاتی و

اقتصادی نماید.» (از گزارش مورخ ۱۳۵۲/۲/۶)

(افراسیابی صفحات ۷۶۸ – ۷۴۷)

شماره پرونده	تاریخ صدور	موضوع
۱	۳۰/۱
۲	۳۱/۱
۳	۳۲/۱
۴	۳۳/۱
۵	۳۴/۱
۶	۳۵/۱
۷	۳۶/۱
۸	۳۷/۱
۹	۳۸/۱
۱۰	۳۹/۱
۱۱	۴۰/۱
۱۲	۴۱/۱

موضوع: **فصلنامه علمی و ادبی**

ساخته ۹۹ بعد از ظهر مورخه ۱۷/۲/۷۷ گنبدین نشر نضیات اله در مجل شماره ۱ واقع در تکیه کسواپ منزل امده الله در سان زاد تشکیل گردید. حاضرانند سی که سخن ران گنبدین بود اخطار داشت جناب آقای امده العظم فیروز در بار سخنش با لطف زیاد و بی خود ماند مضموناً جناب آقای امده عاصی جوینده (بهائی بهائی زاده) بانشاره اله هر دو رنگ حدای کوچک بهائیان میباشند گزارشات از فعالیت های خود بصورت المجله امضمالمی بر مع بهائیان می رسد. حضرت عیسیا اله میفرماید (من قال الله حسن تصور نیاید دولت اسرائیل در سنگ سال ۶۷۱) تهران چنان غنا غنشد ما جامعه بهائیت فعالیت این قوم عزیز بهر دوستانه میگیریم. ما غلبی خوشحالیم گفتار نوی برای آهای ایران شرح میناشند پیشرفت و ترقی ما بهائیان این است که در هر اداره ایران و نشانیها در امتحانها ما یک جا سوس دار بهر هفتای بکار گسه طرحهای تهیه شد موصیله وقت که بمری تا هشتاد ما را میسر رسد گزارشات از روزینه طرح بصورت فضای روحانی بهائی میرسد. مثلا در لجنه بیان کار که در بهائیان ایران هر روز گزارشات خود را در روزینتفاوتش ایران در اینکه چگونه ما سلیمان ایران وارد میشود چگونه چتر ازان را آموزش میدهد چند به مجل روحانی بهائیان تسلیم مینمایند.

تاریخ: ۱۳۹۰/۱/۲۵
 امضاء: *[Handwritten Signature]*
 مقام: *[Handwritten Title]*

خیبانی مستقیمانه

مژادش غیر

۳۰۰۰

- ۲ - ...
- ۳ - ...
- ۴ - ...
- ۵ - ...
- ۶ - ...
- ۷ - ...
- ۸ - ...
- ۹ - ...
- ۱۰ - ...
- ۱۱ - ...
- ۱۲ - ...

۳۲۱
۵۷
۲۳۵۱
۵۰/۲/۲۰

موضوع فعالیت بهائیان در مینرد

موضوع

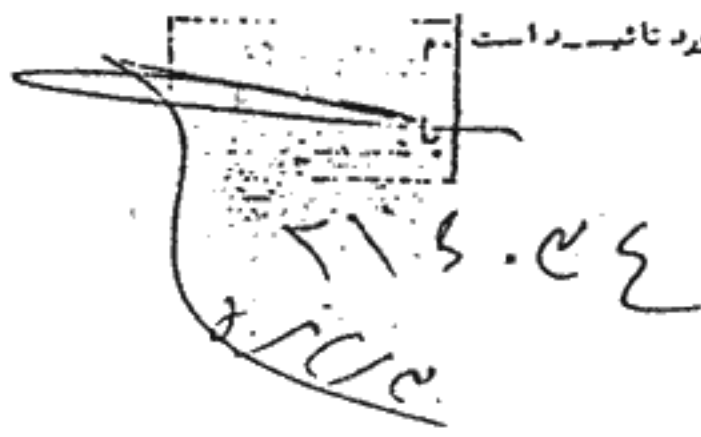
شب ۲۰/۲/۵۰۰ جلسه بهائیان در مینرد در منزل امیراله رفاهی تشکیل گردید. آقای مینرد بهرسان مبلغ و رابط بین محفلهای شهر ازود مینرد سخنرانی کرد و در مورد آزاد شدن بهائیت و استقلال و رسمیت پیدا کردن بهائیت مطالبی بیان نمود. نامبرد و سپس اشاره به حقوق معلمان و درآمد نفت و شهراندازی به سپهبد فرسبیر نمود. سپس اشاره به شرکت کردن جناب آقای نجات وزیر در محفل بهائیت در روز عید رنسون و همکاری دولت در شهرستانها نسبت به فرقه بهائیت کرد.

نظریه یکشنبه. اظهارات شنبه مورد تأیید است. در بیان

نظریه چهارشنبه. نظریه یکشنبه مورد تأیید است.

نظریه ۷/۵ - نظریه چهارشنبه مورد تأیید است.

۲۱۳۰۵۴



۲۲۱

خیبانی مستقیمانه



روابط حکومت ماسونی ایران با اسرائیل

حکومت پهلوی که بوسیله دولت انگلیس تأسیس شد و بوسیله مأموران و وابستگان علنی و با هدایت عمال مخفی آن دولت اداره می‌شد، بطور طبیعی نزدیکترین روابط را با حکومت ساخته و پرداخته فراماسونها و صهیونیست‌ها یعنی اسرائیل داشته است. روابطی که بوسیله سیاستگران فراماسون انگلیسی و امریکائی زیر نظر شاه در صحنه سیاسی جریان داشت، در زمینه فرهنگی نیز بوسیله سوسیالیست‌های ایرانی پشتیبانی می‌شد. آنان جامعه اسرائیل را بعنوان کشوری که سوسیالیسم ناب در آن در حال اجراست تبلیغ و معرفی می‌کردند تا جائی که روشنفکران ایرانی که خود را مخالف امپریالیسم و کمونیسم و مخالف حکومت ماسونی می‌دانستند سفر به اسرائیل و کسب تجربه عملی سوسیالیستی را برای خود امری ضروری تلقی کرده، به فلسطین اشغالی سفر می‌کردند و حاصل بازدیدهای خود را از مزارع نمونه و تعاونیها برای اطلاع طرفداران خود انتشار می‌دادند.

حمایت شاه از حکام صهیونیست اسرائیل در جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل و قبل و بعد از آن و همکاریهای اطلاعاتی و نظامی و تسلیحاتی رژیم شاه با رژیم اسرائیل معروف و معلوم است بحدی که سلاحهای اسرائیلی جزو سلاحهای سازمانی ارتش و

نیروهای مسلح دیگر بود و بسیاری افسران و مأموران نظامی و اطلاعاتی دوره‌های متعدد آموزشی را در اسرائیل می‌گذرانیدند. (رجوع شود به اسناد لانه جاسوسی ج ۱۹ اسناد ملاقات سپهبد حسن توفانین با موشه دایان وزیر دفاع و عزر وایزمن وزیر خارجه اسرائیل در ژوئیه ۱۹۷۷ ص ۵۳ و ۶۱ و ۶۹)

دفتر نمایندگی اسرائیل در تهران عملاً به دستگاهی برای نظارت بر حکومت ایران و هدایت آن و انجام مأموریت‌های اطلاعاتی و ضد جاسوسی علیه مخالفان منافع غرب بدل شده بود (رجوع شود به اسناد لانه جاسوسی مجلدات ۷ و ۱۹ و ۳۶ و ۳۷)

در اسناد بدست آمده از سفارت امریکا در تهران موارد زیادی از روابط بین ایران و اسرائیل ذکر شده است:

– معاون دبیر کل وزارت امور خارجه اسرائیل آقای مردخای گازیت در گفت و گوئی که با مأمور سفارت امریکا در ۲۳ ژانویه ۱۹۶۷ (بهمن ماه ۱۳۴۵) انجام داده گفته است: «اسرائیل بیش از هر کشور دیگری در ایران متخصص دارد که تعداد آن چهل نفر است: (اسناد لانه جاسوسی ج ۳۶ ص ۲۳)

– «بن دور مدیر عامل شرکت خط لوله ایلات - اشکلون اضافه نمود بیشتر نفت خامی که با خط لوله منتقل می‌شود از جانب ایران است. دور، اشاره نمود که دو نفتکش ۲۲۵ هزار تنی نفت خام را از ایران به ایلات حمل خواهند نمود» (اسناد لانه جاسوسی ج ۳۶ ص ۷۰)

– «تمامی نفت خط لوله ۲۶ اینچی کنونی از ایران می‌آید» (همان - ص ۳۱)

– «ابراهیم تیموری در حقیقت مسؤول هیأت نیمه آشکار ایرانی در اسرائیل می‌باشد» (گزارش مامور سیاسی سفارت امریکا در تهران - همان مأخذ ص ۶۴)

– «سایپرو وزیر خارجه اسرائیل در مورد قرارداد خرید نفت خام از ایران برای ششماهه اول ۱۹۷۶ گفت: مقدار نفت تحویلی ایران تقریباً معادل نیمی از احتیاجات اسرائیل است.» (همان - ص ۷۸)

– «حدأقل ۷۵ درصد مصرف کنونی داخلی اسرائیل که در حدود ۱۵۰ هزار بشکه در روز است بوسیله ایران تأمین می‌شود (همان - ص ۸۸)

– «یوسف هرملین رئیس جدید هیأت نمایندگی اسرائیل در ایران - او عضو جنبش زیرزمینی هاگانا، در جریان جنگ اعراب در اسرائیل در ۱۹۴۸ سرگرد ارتش و سپس عضو شین بث بوده است و آخرین سمت وی از ۱۹۶۴ تا ۱۹۷۴ ریاست سرویس سازمان امنیت

اسرائیل شین بٹ بوده است» (همان - ص ۹۱)

– «ایران با وجودیکه اعمال اسرائیلی‌ها را در مقابل کشورهای دوست عرب خود (شاه‌اردن، مصر و...) محکوم می‌کند روابط خصوصی خوبی با اسرائیل دارد و با اینکه تبادل سفیر بین دو کشور انجام نشده ولی پیام‌های جاسوسی و اطلاعاتی بین دو کشور بطور منظم رد و بدل می‌شود. بیش از ۵۰ درصد نفت اسرائیل بوسیله ایران تأمین می‌شود» (نقل از نشریه سری «کتاب تشریح وضع کلی ایران سالهای ۵۶ - ۷۷/۱۳۳۴ - ۱۹۵۵» اسناد لانه جاسوسی ج ۷ - ص ۶۲)

در گزارش دیدار تیمسار طوفانیان با ژنرال موشه دایان وزیر دفاع اسرائیل در ۱۹۷۷ آمده است:

«ژنرال دایان از میهمان [ژنرال طوفانیان] استقبال کرد و آرزو کرد که ژنرال طوفانیان سپاسگزاری ژنرال دایان را بمناسبت وقتی که اعلیحضرت شاهنشاه در جریان بحث بسیار جالبی که آنها در مدت دیدار اخیر ژنرال دایان از تهران داشتند، صرف کرده است، ابلاغ کند. ژنرال دایان از اینکه اعلیحضرت لطف کرده مرور مبسوطی از اوضاع جهان را در اختیار او گذاشته، اظهار تشکر کرد. ژنرال طوفانیان خاطر نشان ساخت... ایران بسیار علاقه‌مند به اتکای متقابل با اسرائیل است و ادامه داد که به نفع ایران است که اسرائیل از لحاظ بین‌المللی میل خود را برای صلح برجستگی دهد نه برای جنگ» (اسناد لانه جاسوسی ج ۱۹ - ص ۵۴)

عباسعلی خلعت بری (ماسون) وزیر امور خارجه شاه با اسحاق رابین نخست وزیر و وزیر خارجه و مقامات دیگر اسرائیل در فروردین ماه ۱۳۵۶ در آن کشور ملاقات کرده است جریان این دیدارها که پیرامون روابط نظامی و اطلاعاتی و سیاسی ایران و اسرائیل و مسأله اراضی اشغالی است در یک گزارش سری درج شده است که متن صفحاتی از آن در روزنامه کیهان انتشار یافته است. در دیدار با اسحاق رابین، وی به وزیر خارجه ایران می‌گوید:

«موجب کمال مسرت است که برای اولین بار در تاریخ مناسبات دو کشور بعنوان وزیر [خارجه] ایران به اسرائیل مسافرت می‌نمائید... دولتهای امریکا و اسرائیل استراتژی هماهنگ و متوازی را تعقیب کرده‌اند که آغاز تحولات جدیدی در خاورمیانه را موجب شد. سیاست امریکا از اعمال استراتژی جدید بر اصول ذیل استوار بود:-

الف - تقویت اسرائیل

ب - تقلیل دادن نفوذ شوروی در خاورمیانه...» (رجوع شود کیهان - ۵۸/۶/۱ ص ۸ و

۵۸/۶/۱۲ ص ۸ و ۵۸/۷/۱)



کشور در سیطره فراماسونها

فراماسون‌ها از اواسط دوره قاجار به بعد بر تمامی شؤون حیات اجتماعی ایرانیان دست انداخته سیاست، فرهنگ، اقتصاد و ارتش را در چنگال شبکه پنهان خود داشتند. طرفداران انگلیس، اروپا و امریکا، بهائیان، ماسونهای امریکائی، سوسیالیست‌ها و کمونیست‌ها، ناسیونالیست‌ها، طرفداران ایران باستان، آته‌ئیست‌ها، دست در دست هم مجری آگاه (یا بعضاً ناآگاه) سیاستهای یهود و صهیونیسم جهانی بودند که وجیه‌ترین عاملان آن در میان فراماسون‌ها یافت می‌شد سازمان فراماسونری ملتقای تمامی گروههای فکری و سیاسی بود که با هویت اصیل ایرانی مبارزه می‌کردند و نام عمل خود را اصلاح، نوسازی یا انقلاب طبقاتی می‌گذاشتند. تبلیغ بیخدائی، وطن‌جهانی، دموکراسی غربی، آزادی مرزهای سیاسی، آزادی اقتصادی و جنسی، اظهار نفرت از ایرانی بودن؛ مسلمان بودن؛ شرقی بودن، انزجار از خط فارسی؛ مذهب و نمودهای فرهنگ ملی که مسبب عقب ماندگی معرّفی می‌شد، وجه مشترک فعالیتهای تمامی این گروه‌ها در صد ساله اخیر بوده است. هرچند تقی‌زاده بود که علنی گفت ما باید از فرق سر تا نوک ناخن فرنگی و غربی شویم لیکن این، تز تمامی گروههایی بود که در بالا نام بردیم.

درمورد کابینه‌های دوره مشروطه بررسی جالبی بوسیله مؤلف محقق کتاب نخستین

کارگزاران استعمار صورت گرفته است. در آن کتاب (ص ۵۷) صدراعظم‌ها و نخست وزیرانی که از ۱۱۶۵ شمسی (دوره فتحعلی شاه) تا ۱۳۳۲ شمسی زمام امور کشور را در دست داشته‌اند شناسانده شده و معلوم شده جز چند نفر انگشت شمار بقیه فراماسون و یا عامل مستقیم سیاست انگلیس بوده‌اند. این جریان با اضافه شدن وزرای طرفدار امریکا و بهائی تا پیروزی انقلاب اسلامی در ۱۳۵۷ شمسی ادامه داشته است. برای ملاحظه اسامی وزرا و نخست وزیران تا ۱۳۵۷، نیز می‌توان به کتاب «سی و هفت سال» تالیف آقای احمد سمیعی مراجعه کرد (تهران - انتشارات شباویز - ۱۳۵۶ - ۲۲۶ ص)

برای نشان دادن وجوه فعالیت‌های فراماسونها و متحدان آنها به ذکر اسامی چند تن اکتفا می‌کنیم:

سیاست:

الف: نخست وزیران

میرزا آقاخان نوری، اعتمادالدوله - ۱۲۶۸، قاتل امیر کبیر
تبعه انگلیس

محمود خان، حکیم‌الملک

شاهزاده عبدالحسین میرزا فرمانفرما

میرزا علی اصغر خان امین سلطان اتابک اعظم

میرزا ابوالقاسم خان قراگزلو ناصرالملک

هیأت مدیره انقلاب مشروطه

نجفقلی خان صمصام السلطنه بختیاری

عبدالمجید میرزا عین‌الدوله

حسن خان وثوق‌الدوله

فتح‌آله اکبر سپهدار اعظم

سید ضیاءالدین طباطبائی

رضاخان میرپنج سردار سپه

احمد قوام السلطنه

مهدیقلی هدایت مخبر السلطنه

محمدعلی فروغی

عامل انگلیس

عامل انگلیس

	محمود جم
	علی منصور
	علی سهیلی
	محمد ساعد
استاد اعظم	ابراهیم حکیمی حکیم الملک
عامل انگلیس	عبدالحسین هژیر
استاد مادام العمر	حسین علا
مرداد ۱۳۳۲، عامل امریکا و انگلیس در کودتای ۱۳۳۲	فضل آله زاهدی، سپهبد
۱۳۳۶ عامل امریکا	منوچهر اقبال،
۱۳۳۹ استاد اعظم	سید جعفر شریف امامی، مهندس
۱۳۴۰، عامل امریکا	علی امینی، دکتر
۱۳۴۱ عامل انگلیس	اسداله علم
۱۳۴۲	حسنعلی منصور،
۱۳۴۳ عضو حزب کمونیست لهستان، فراماسونر، بهائی (خودش تکذیب می کرد)	امیر عباس هویدا،
۱۳۵۶ - امریکائی	جمشید آموزگار
۱۳۵۷ - امریکائی	ازهارى، ارتشبد
۱۳۵۷ - جاسوس انگلیس، امریکائی، ماسون	شاپور بختیار، دکتر
	ب: وزیران
وزیرداری ۱۳۲۰، عاقد قرارداد گس گلشائیان، عامل انگلیس	عباسقلی گلشائیان
وزیر داری، عاقد قرارداد نفت، سناتور، استاد اعظم	سید حسن تقی زاده
وزیر داری ساعد	علی اصغر زرین کفش
وزیر بهداری	دکتر سعید مالک
وزیر جنگ قوام، انجمن اخوت، فراماسونر	سرلشگر فرج آله آق اولی
وزیر راه بیات	عبداله انتظام
معاون قوام، وزیر کار قوام	مظفر فیروز
وزیر مشاور هژیر، عامل انگلیس	جمال امامی

وزیر داد گستری رزم آرا	محمد علی بوذری
وزیر بهداری زاهدی، روتارین	دکتر جهانشاه صالح
وزیر مشاور زاهدی	محمد نمازی
وزیر داد گستری اقبال	دکتر محمد علی هدایتی
وزیر خارجه علاء انگلوفیل	عباس آرام
وزیر بازرگانی علاء روتارین	مصطفی تجدد
تبعه امریکا	دکتر جمشید آموزگار
معاون نخست وزیر اقبال، روتارین	دکتر مصطفی الموتی
وزیر کشور علم	دکتر مهدی پیراسته
وزیر کشاورزی منصور و هویدا، بهائی	مهندس منصور روحانی
وزیر فرهنگ علم، چپگرای سابق	دکتر پرویز ناتل خانلری
وزیر داد گستری علم و شریف امامی، توده‌ای سابق	دکتر محمد باهری
وزیر آموزش هویدا	دکتر احمد هوشنگ شریفی
وزیر آموزش و پرورش هویدا و آموزگار و شریف امامی	دکتر منوچهر گنجی
وزیر بهداری	پروفسور انوشیروان پویان
وزیر مشاور	دکتر ناصر یگانه
وزیر بازرگانی هویدا	مهندس منوچهر تسلیمی
وزیر خارجه آموزگار	عباسعلی خلعت بری
وزیر فرهنگ و هنر شریف امامی	محسن فروغی

اقتصاد

بانکداری	مصطفی تجدد
بانکداری	مهندس جعفر شریف امامی
بانکداری	نیکپور
تجارت	مهندس عنایت بهبهانی
تجارت	مهندس شاپور بهبهانی
زمیندار و فئودال	دکتر سید مهدی پیراسته

تولید و تجارت	ادوارد چیتایات
تولید و تجارت	صالح چیتایات
فئودال	نعمت‌الله خان اکبر
بانکداری بهائی	یوسف خوش‌کیش
فئودال	هلاکورا مبد
فئودال	مظفر صولتی
تجارت	مهندس خلیل طالقانی
تجارت	علی کوچکعلی
تجارت و صنعت	قاسم لاجوردی
تجارت	اسفندیار یگانگی
بانکداری	دکتر امیر هوشنگ رام
تجارت - یهودی	الگانیان - داود
تجارت	امیر مظفریان

فرهنگ، آموزش، مطبوعات:

استاد دانشگاه، فیلسوف، حافظ‌شناس	دکتر محمود هومن
مؤلف دستور زبان فارسی	رکن‌الدین همایونفرخ
استاد دانشگاه	محمد علی هدایتی
مؤلف و مترجم	سید علی هاشمی حائری
نویسنده و ناشر مجله وحید	دکتر سیف‌الله وحیدنیا
ناشر مجله تهران مصور	مهندس عبدالله والا
مؤلف و استاد دانشگاه	سلیم نیساری
رئیس دانشگاه وزیر	دکتر منوچهر تسلیمی
رئیس دانشکده پزشکی شیراز، بهائی،	دکتر ذبیح قربان
استاد و رئیس دانشگاه زرتشتی	دکتر فرهنگ مهر
رئیس دانشگاه، وزیر، جراح	پرفسور انوشیروان پویان
رئیس سازمان پیشاهنگی	حسین بنائی

استاد، وزیر	احمد هوشنگ شریفی
استاد دانشگاه	دکتر حمید زاهدی
دانشیار دانشگاه	دکتر رضا مظلومان
استاد دانشگاه، امام جمعه تهران در دوره شاه	دکتر سید حسن امامی
استاد دانشگاه، معاون وزیر، بهائی	دکتر شاپور راسخ

ارتش و نیروهای انتظامی و امنیتی:

	دریادار عبدالله ظلّی
	سپهبد میر جهانگیر
	سرلشکر سید محمود میر جلالی
	سرلشگر احمد رستم آبادی
	سرلشگر علی اصغر رفعت
	سرلشکر ابراهیم معتمدی
	سرلشکر ناصر فرید
شورایعالی ساواک، وزیر مشاور	دکتر ناصر یگانه
	سرتیپ اسدالله توماج
	سرهنگ محمد علی اخگر
	سرتیپ محمد حسن اخوی

یهودیان معروف ماسون:

لژ	نام
سینا - همایون	حبیب‌الله القانیاں
ابن سینا	عطاءالله القانیاں
ابن سینا	آقا جان القانیاں
سعدی	نورالله القانیاں
ابن سینا	حبیب بابائی القانیاں
فرانس - همایون	داود بابائی القانیاں

ابن سینا	ف / فریدون القانیان
سعدی	صیون القانیان
هاتف	سلیمان القانیان
وفا	دکتر خانابا الی
	دکتر حبیب اله یدی
	یعقوب حی
	لطف اله حی
	ژان حی
روشنائی، کورش	صالح چیتایات
کورش	ادوارد چیتایات
ناظر اعظم لژ ناحیه ایران	کریستوفر اسحق فری (انگلیسی)
همایون	موسی طوب
همایون	شائول ناتان
	انوشیروان سمراء

فراماسون‌های معروف بهائی:

ابن سینا	یوسف خوش کیش
حافظ	دکتر ذبیح قربان
شیراز	کامبیز قربان
تهران	ادیب هویدا
سعدی	دکتر جمیل هویدا
	امیرعباس هویدا
مهر	دکتر احسان‌اله یارشاط
	علیتقی خان نبیل‌الدوله



فراماسون‌ها در دوره انقلاب اسلامی

پس از اعلام ممنوعیت تردد ۲۴ ساعته در تهران بوسیله شاهپور بختیار آخرین نخست وزیر حکومت پهلوی و فرمانداری نظامی تهران، مردم با امر رهبر انقلاب حضرت آیت الله العظمی امام خمینی به خیابانها ریختند و با نظامیان و مأموران پلیس امنیتی به زد و خورد پرداختند. تانکها به آتش کشیده شد، اسلحه‌خانه‌ها تصرف شد مردمان بر پادگانها و کلانتریها غلبه کردند و با اعلام بیطرفی سران ارتش و فرار نخست وزیر و رئیس ستاد ارتش انقلاب پیروز شد بدنبال استقرار انقلابیون در رادیو و تلویزیون و سربازخانه‌ها و مواضع حساس، نیروهای انقلابی به دستگیری عاملان کشتار مردم در دوره حکومت نظامی و عمال رژیم پرداختند. امرای ارتش و نیروهای مسلح، افسران و صاحبمنصبان ساواک و فرمانداری نظامی و وزرا دسته دسته بوسیله مردم دستگیر شده به محل اقامت امام و سپس زندان قصر تحویل شدند. جوانان و نیروهای انقلابی بدون اینکه دستور یا دستورالعملی دریافت داشته باشند بنا بر درک انقلابی خود هر کس را که جزو عاملان دوره استبداد و استعمار تشخیص می‌دادند دستگیر می‌کردند. فراماسونرها اعم از اینکه صاحب شغل و مقامی بودند یا نبودند نیز جزو دستگیر شدگان بودند. مردم ماسونیت را اقدام علیه استقلال کشور دانسته ماسونها

را در جنایات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی دوره پهلوی دخیل می‌شناختند و بعنوان مجرمین مستوجب مجازات، آنان را دستگیر می‌کردند و تحویل می‌دادند. جوانان، شاگردان مغازه‌ها، کارگران کارخانه‌ها، مغازه‌داران جزء، دانشجویان، کارمندان و متصدیان ادارات و ارتش - بخصوص نیروی هوایی - و بازاریان و تحصیلکردگان و متخصصان که اولین کسانی بودند که در کمیته و دادستانی کل انقلاب اسلامی در تهران، زندان قصر، فعالیت می‌کردند و با دریافت و تشخیص خود و بعدها با اعلام به دادستانی و صدور برگ جلب به بازداشت متهمان می‌پرداختند در سر برگ اعلام جرم یا برگ تحویل متهم به کمیته یا دادسرا در مقام ذکر علت دستگیری و جرم بازداشت شده می‌نوشتند: فراماسون.

در دادستانی کل انقلاب اسلامی ضمن دیگر تحقیقات از متهمان در مورد اینکه عضو لژ ماسونی هستند یا خیر سؤال می‌شد و در مورد کسانی که عضویت آنان در فراماسونری مشهور یا مسلم بوده، عضویت آنان بعنوان اتهام ورود در تشکیلات مقدم علیه امنیت و استقلال کشور به آنان تفهیم و خواسته می‌شد از اتهام خود دفاع کنند. در کیفرخواست‌هایی که بوسیله نماینده دادستان کل انقلاب علیه متهمان تنظیم و در دادگاه‌های انقلاب خوانده می‌شد و متن آن در روزنامه‌ها و رادیو - تلویزیون انتشار می‌یافت عضویت در تشکیلات فراماسونری بعنوان یکی از اتهامات بعضی متهمان عنوان گردیده و به دلیلی که اتهام را اثبات می‌نموده اشاره شده است.

در ادعاینامه دادستان علیه امیر عباس هویدا که در شماره‌های ۱۳۵۷/۱۲/۲۴ و ۵۸/۱/۱۹ روزنامه کیهان چاپ شده است عضویت در لژ فراماسونری (فروغی) بعنوان یکی از فقرات اتهام ذکر شده است.

بعضی از متهمان، عضویت خود در سازمان فراماسونری را انکار میکردند در صورتیکه اسناد موجود نشان می‌دهد آنها عضو لژهای ماسونی بوده‌اند لیکن ماسونها برای گریز از سنگینی بار این اتهام که نفرت عمومی مردم را برمی‌انگیخت عضویت خود را انکار کرده‌اند.

در اواخر حکومت پهلوی اسناد یا اعلامیه‌هایی بصورت مخفی انتشار می‌یافت و اسامی فراماسونها در آنها برای اطلاع و هوشیاری عموم اعلام می‌شد. بعضی کسانی که نام آنان جزو اسامی ماسونها انتشار یافته بود یا با ماسونها تشابه اسمی داشتند با چاپ آگهی و ارسال جوابیه به مطبوعات، عدم عضویت خود را در فراماسونری اعلام می‌کردند و صریحاً یا ضمناً از آن فرقه بی‌زاری می‌نمودند. این عمل که در دوره استقرار حکومت ماسونی

پهلوی و پس از آن انجام می‌شد از انزجار مردم از اعضا و فعالیت تشکیلات فراماسونری نشان داشت. تشکیلاتی که مردم و روشنفکران و موزخان و سیاستمداران اصیل آنرا عامل اسارت کشور در چنگال کشورهای جهانخوار می‌دانستند.

در نخستین روزهای پیروزی انقلاب که تمامی گوشه و کنار کشور زیر مراقبت مردم از هر قشر و گروهی بود خانه‌های امن ساواک و ساختمانهای محل لژهای ماسونی بوسیله مردم شناسائی و تصرف گردید. صرفنظر از لطماتی که ممکن است در این اقدامات به اسناد و مدارک وارد شده و سبب شده باشد اسناد و مدارکی از بین رفته یا بدست عمال ماسونها یا گروهائی که با انقلاب اسلامی همراه نبوده‌اند بیفتد، مقداری اسناد از این ساختمانها کشف شد که خبر آن در همان روزها در مطبوعات انتشار یافت. (کیهان: ۵۷/۱۲/۷ - اطلاعات: ۵۸/۱/۲۰)

دادگاه‌های انقلاب اسلامی بدنبال درخواست دادستانی به اتهامات فراماسونرها رسیدگی و عضویت آنان را در تشکیلاتی که مرام و رویه آن مخالف اساسی استقلال کشور و دیانت بود در کنار دیگر جنایات آنان قابل مجازات دانسته اکثر سرجنابانان را از مصادیق محارب و مفسد تشخیص و حکم مجازات صادر نمودند. این احکام که متن یا خلاصه آنها به‌مراه متن کیفرخواست‌ها و بعضاً تحقیقات و مذاکرات جلسات محاکم در مطبوعات منتشر می‌شد مورد تأیید و پشتیبانی مردم و موجب خوشنودی آنان از صحت تشخیص قضات انقلاب بود. مردم با مطالبی که در روزنامه‌ها می‌نوشتند و تظاهراتی که در حمایت و تأیید دادرسی و دادگاه انقلاب اسلامی انجام می‌دادند این همدلی و خوشنودی را ابراز می‌نمودند.

غرض از ذکر این تاریخچه اینست که به یاد آوریم تلقی عمومی و رأی و نظر عموم مردم از تمامی طبقات حتی طرفداران سلطنت و حکومت وابسته به غرب بر نفی و طرد ماسونها بود و همه، آنان را عامل فساد کشور و انحطاط وضع اقتصادی و فرهنگی و وسیله وابستگی سیاسی به بیگانگان و دقیقاً آنها را جاسوسان و عمال اطلاعاتی و عملیاتی نیروهای مخرب خارجی می‌دانستند.

اکثر ماسونها منزل و محل کار خود را ترک کرده، در حال اختفا و انتظار بسر می‌بردند. تعدادی از آنها با احساس خطر قبل از پیروزی انقلاب از کشور خارج شده و بسیاری پس از آنان از مملکت فرار کردند. برندگان سستی مناقصه‌ها و قرار دادهای بزرگ، دریافت کنندگان زمین‌ها و جنگلهای یکصد هزار متری مازندران، بورس‌بازان زمین،

بانکداران، پیمانکاران، خارج کنندگان غیر قانونی ارز، یعنی ماسون‌ها، یهودیان، و بهائیان به دامان سرزمین مادر ماسونری پناه بردند. کسانی هم بودند که حیرت‌زده از بهم ریختن دستگاه رویین نمای ماسونی - امریکایی، در انتظار بازگشت پیروزمندان شاه و شریف امامی و استادان اعظم و دیگر شرکای شرکت سهامی انگلو آمریکن پهلوی در تلاش برای درهم شکستن پایه‌های حکومت جوان انقلابی بودند. اردشیر زاهدی در واشنگتن گفت: شاه سه ماه دیگر باز می‌گردد (کیهان ۵۷/۱۰/۲۶). یک دسته صد نفری از پیمانکاران، سوار هواپیما شده از کشور خارج شدند تا کلیه طرحهای عمرانی بر زمین بماند. صاحبان کارخانه‌های وابسته به شرکت سهامی مذکور در فوق فرار کردند و در این اوضاع و احوال مردم به شناسائی ماسون‌ها و اموال آنان در کنار دیگر عمال رژیم ساقط شده پهلوی پرداخته آنان را به مراجع قضایی معرفی می‌کردند. بسیاری از ماسون‌ها نتوانستند در سرکار خود حاضر شوند. از حضور عددهای از آنان نیز بوسیله کارکنان محل کارشان جلوگیری شد.

وزرا، وکلای مجلس، سناتورها، پیمانکاران، صاحبان صنایع، تجار، واسطه‌ها، مدیران شرکتهای دلالی و خدماتی با اتهام اختلاس، حیف و میل اموال عمومی، اخذ وامهای کلان بدون دادن وثیقه کافی، خارج کردن ارز و سرمایه ملی بدون جواز قانونی، و دیگر عناوین جزائی تحت تعقیب قرار گرفتند. اکثر قابل توجه آنان ماسون بودند و ماسونیت بعنوان یکی از اتهامات آنان شمرده می‌شد. اسنادی که به دست می‌آمد و اقاریری که خود متهمان می‌کردند نشان می‌داد آنان در لژها به اتخاذ تدابیری درباره امور سیاسی و مالی مملکت پرداخته با استفاده از شبکه وسیع برادران، آن تدابیر را به اجرا درمی‌آورده‌اند. و این در حالی بود که آنان بهنگامی که در محل کارشان مورد سؤال قرار گرفته بودند که در چه دسته و جمعیتی عضویت دادند عضویت خود در لژ ماسونی را پنهان کرده بودند. ماسون‌ها در ساواک، حزب‌های دولتی، حزب شاهنشاهی رستاخیز عضویت داشته علاوه بر همکاری با شرق اعظم قاهره و پاریس و لندن و امریکا با دستگاه‌های امنیتی داخلی نیز تشریک مساعی می‌نمودند.

بسیاری از فراریان، کارخانه و باغ و منزل و اثاث البیت خود را رها کرده، کشور را ترک کرده بودند. دولت بناچار برای اینکه اموال تا بازگشت صاحبان آن محفوظ بماند و یا مورد تجاوز و تضييع قرار نگیرد، اموال را پس از اطلاع تحت سرپرستی و حفاظت قرار داد. بعضی املاک و اموال ماهها و سالها رها شده بود بدون اینکه دولت و نهادهای قانونی اطلاعی داشته باشند. اکثر این اموال رها شده متعلق به اعضای ساواک و فراماسونرها

و کارخانه‌داران وابسته بود.

پس از تصویب قانون اساسی در سال ۱۳۵۸ که در اصل چهل و نهم آن مقرر شده بود: «دولت موظف است ثروتهای ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوءاستفاد از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمینهای موات، و مباحات اصلی، دائر کردن اماکن فساد، و سایر موارد غیر شروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی بوسیله دولت اجراء شود.»؛

قانون نحوه اجرای اصل چهل و نهم در سال ۱۳۶۳ به تصویب رسید. در ماده ۵ قانون آمده است:

«دادستان موظف است رأساً نسبت به اموال و دارائی اشخاص حقیقی یا حقوقی در موارد زیر که آنها را با توجه به دلائل و امارات قانونی موجود، نامشروع و متعلق به بیت المال یا امور حسبیه تشخیص دهد از دادگاه صالح رسیدگی و حکم مقتضی را تقاضا نماید.

تبصره - در مورد اصل ۴۹، نسبت به دعاوی شخصی، پس از شکایت شاکی، دادگاه رسیدگی خواهد کرد:

- ۱- کارمندان ساواک منحلّه
- ۲- کسانی که عضویت یا فعالیت در تشکیلات فراماسونری و ارتباط با سازمانهای جاسوسی بین المللی داشته‌اند...

بدین ترتیب اموال اعضای تشکیلات فراماسونری می‌بایست مورد رسیدگی قرار گیرد تا چنانچه از طرق غیر قانونی و برخلاف ضوابط به دست آمده باشد پس از رسیدگی و ثبوت باز پس گرفته شود. اینکه قانونگذار اعضای تشکیلات ماسونری را در ردیف دوم پس از کارمندان ساواک ذکر کرده اولاً نشانه اهمیت است که این گروه در نظام سافط پهلوی داشته‌اند. ثانیاً نشان دهنده درجه قدرت آنان در تصاحب اموال عمومی و فعالیت‌های مالی توأم با فساد و بند و بست است. ثالثاً دلیل درجه حساسیت ملت و میزان نفرت مردم از آنان پس از مأموران ساواک - که در ردیف اول منفوران قرار داشتند - می‌باشد. هر چند که باید گفت مأموران ساواک مجریان کم اراده دستوره‌های رؤسای خود بودند و اگر

جنایتی مرتکب شده باشند امر به جنایت در اکثر موارد و علی‌الاصول از طرف رؤسای ماسون آنها صادر شده است؛ و چه بسا بخاطر علاقه‌ای که به شاه و کشور - فارغ از وابستگی سران کشور به بیگانگان - داشتند نسبت به اعضای ماسونری اشخاص پاکدل و وطنخواهی بوده‌اند. این تفاوت نیز وجود داشت که جنایات ساواکی‌ها در شکنجه مبارزان مسلمان و غیر مسلمان و قتل زندانیان بدون محاکمه سبب شده بود مردم در درجه اول از آنان نفرت و انزجار داشته باشند ولی پنهانکاری ماسونها آنان را از تیررس امواج احساسات انقلابی دور نگه داشته بود.

آنچه در بند دوم ماده ۵ قانون مذکور در فوق قابل توجه است این است که:

مقتن بلافاصله پس از ذکر عضویت یا فعالیت در تشکیلات فراماسونری، ارتباط با سازمانهای جاسوسی بین‌المللی را ذکر کرده و بدین ترتیب عضویت در ماسونیت را هم‌شان و همانند جاسوسی برای سازمانهای جاسوسی بین‌المللی شمرده است و به نوعی مترادف یا ملازمه بین این دو نحوه عمل اشاره کرده و در واقع ماسونیت را نوعی از انواع سازمانهای جاسوسی بین‌المللی دانسته است. این نظر با اسنادی که از ارتباط اعضای لژها و گردانندگان طریقت‌ها و بخشهای مختلف ماسونی با لژهای مادر در لندن، آمریکا، فرانسه، قاهره و غیره آنها در دست است تأیید می‌شود. به این مطلب در فصل بعد خواهیم پرداخت.

١٥

فرقة جاسوسان

در این که ماسون‌ها در داخل لژها به جمع آوری اطلاعات در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی کشور می‌پردازند و با انتقال آن به شوراهای عالی و مراکز و سازمان‌های ماسونی، در امور مهم سیاسی و مالی و فرهنگی از لژهای مادر در لندن و فرانسه و امریکا اخذ دستور می‌کنند و با تدارک اسباب گوناگون و بطرق مختلف طرح‌ها و نقشه‌ها و نظریات خود را به اجرا درمی‌آورند، ظاهراً؛ تردیدی نیست هر چند ماسون‌ها بعناوین مختلف از اقرار بدین نقش خود امتناع کنند^۱. به اقرار پاره‌ای رهبران ماسونی ایران حکیم الملک، محمد خلیل جواهری، حسین علاء، محمد صادق طباطبائی در این مورد در کتاب فراموشخانه و فراماسونری در ایران و فصل قبلی این رساله اشاره شده است.

در این فصل می‌خواهیم باختصار بگوئیم ماسون‌ها علاوه بر نقش فوق، کارکرد دیگری نیز دارند و آن انتقال اطلاعات کشور به مأموران اطلاعاتی سرویسهای جاسوسی و ضد جاسوسی خارجی است.

۱. گر بگویم که مرا با تو سر و کاری نیست در و دیوار گواهی بدهد کاری هست! (سعدی)

عده قابل توجهی از ماسون‌ها بعنوان رابط با مأموران سازمانهای جاسوسی کشورهای بیگانه ملاقات‌های مرتب داشته‌اند. در این ملاقات‌ها جذب و استخدام فرد، آموزش شیوه‌های تهیه و انتقال خبر، محورهای مورد علاقه اطلاعاتی، برنامه دیدارها، نحوه عمل در مواردی که اقدام خاصی مورد نظر مرکز است، چگونگی عمل در مواقع اضطراری، برنامه خروج احتیاطی رابط در مواقع خطر و دیگر مسایل مورد نیاز، انجام می‌پذیرد و فرد بسته به موقعیت خود و حدود دسترسی به اطلاعات، و امکاناتش برای عمل، در رده مخصوص به خود قرار گرفته مورد بهره برداری واقع می‌شود.

جاسوسان علنی انگلیس

فراماسونها بطور سنتی جاسوسان دولت بریتانیای کبیر به حساب می آیند. دولت کهنه استعمارگر انگلیس نیت خود را در تمامی جهان از طریق لژهای ماسونی اعمال کرده و شواهد تاریخی بسیار در تاریخ ممالک همجوار ما، در تجزیه امپراطوری عثمانی، در تشکیل اسرائیل، و دیگر ماجراهای سیاسی در کتب مذکور است. اشتها ماسون ها به اینکه جاسوس علنی و عامل انگلیس اند دلایل و شواهد روشنی نیز در ایران دارد.

اعضای لژ همایون

مهندس تقی اسکندانی عضو لژ همایون و سپس عضو لژهای آلمانی زبان ایران اظهار کرده است که وی در خارج از کشور تحصیل کرده و در همانجا وارد لژ ماسونی شده، پس از ورود به ایران وارد لژ همایون شده است. روزی به استاد لژ محمد خلیل جواهری اظهار می کند برای انجام مأموریت اداری قصد سفر دارد. استاد ماسون از وی می خواهد سفرش را چند روز به تعویق بیندازد تا بتواند با مأمور اینتلیجنس سرویس که برای دیدار او می آید ملاقات کند. اسکندانی اعتراض می کند که وی با مأمور اطلاعاتی انگلیس کاری ندارد

ولی دیگر اعضای لژ به او می‌گویند اعتراض بیفایده است و آنان نیز چنین ملاقات‌هایی داشته‌اند. (رئین ج ۳ ص ۵۱۸) بدین بیان وضع اعضای لژ همایون که اسامی نزدیک به ۳۰۰ نفر آنان در صفحه ۲۹ بیعد جلد سوم کتاب مرحوم رئین چاپ شده مشخص می‌شود. بعدها که سردمداران فراماسونری و از جمله آنها حسین علا در مقام انحلال لژ همایون برمی‌آیند حسین علا با تأکید بر اینکه وی همیشه مصالح کشور را در نظر داشته از نقش خود در انحلال آن لژ سخن گفته و بتلویح آن لژ را عامل آشکار اجنبی شمرده است و این گفته‌ها از سوی کسی که عمری در ماسونری و صدارت و دربار پهلوی کار کرده تأیید و ابستگی اعضای آن لژ است. (رئین ج ۳ ص ۵۱۹) جالب است یاد آوری شود اکثر قریب باتفاق اعضای لژ همایون بعداً در دیگر لژها وارد شده و کماکان به فعالیت‌های خود ادامه داده‌اند. منشی آن لژ موسوم به سلسبیلی نیز بعدها در لژ مولوی و لژ بزرگ ایران خدمت می‌کرده است.

جاسوسان علنی امریکا

از اطلاعات جدیدی که به دست آمده و بر ارتباط اطلاعاتی اعضای ماسونیت با دستگامهای جاسوسی و ضد جاسوسی بیگانه دلالت دارد، مواردی است که در اسناد بدست آمده از سفارت امریکا در تهران دیده می‌شود.

تعداد قابل توجهی از فراماسونها با سفارت امریکا، اداره اطلاعات امریکا و مأموران بخشهای ویژه سازمان‌های اطلاعاتی ایالات متحده امریکا همکاری داشته‌اند و نام آنان بعنوان «رابطین خوب» در گزارشهای سری مأموران مربوط درج شده است و بعضاً شرح مذاکرات آنها با مأموران جاسوسی امریکایی و یا اقدامات مساعد آنان در جهت سیاست های سفارت و دولت امریکا ذکر و یا از قول خود دولتمردان ماسون نقل شده است. با توجه به اینکه بسیاری از مهره‌های اساسی سیاست و اقتصاد کشور در لژهای خارج از کشور به عضویت ماسونیت درآمده‌اند و اسناد عضویت آنان طبعاً در داخل کشور نبوده و به دست مردم و محققان نرسیده است و با توجه به اینکه کادرهای زبده و با اهمیت اطلاعاتی نیز نوعاً در خارج از کشور به آموزش و همکاری اطلاعاتی آغاز کرده‌اند و اسناد ارتباط آنان با عوامل اطلاعاتی بیگانه در پایگاههای اروپایی یا اسرائیلی سیا و انتلیجنس سرویس و ک.

گ. ب بایگانی شده و در داخل کشور قابل دسترسی برای پژوهندگان نبوده است، همین مقدار اسنادی که در مورد ارتباط ماسونها و سازمانهای جاسوسی اجنبی به دست آمده، نشان دهنده ابعاد وسیع همکاری و همگامی ماسونری با سازمانهای جاسوسی بین المللی است. نشان دادن وجوه مختلف فعالیت های رجال و تکنوکرات ها و سیاستون ایران نیاز به بررسی دقیق و صرف وقت دارد، و می تواند خود موضوع کتاب مستقلی باشد در اینجا برای نشان دادن ارتباطات ماسونها با دستگاههای جاسوسی خارجی به چند نام که نزد همگان معروف است اشاره می کنیم. مأخذ اصلی، اسناد سفارت امریکا در تهران است که با نام اسناد لانه جاسوسی چاپ شده است.

این اسناد نشان می دهد ماسونها نه فقط در خدمت مأموران امپراطوری انگلیس بوده اند بلکه در واقع به جاسوسی چند جانبه اشتغال داشته اند که طبعاً در عالم جاسوسی هم اشتغال صحیحی به حساب نمی آید.

جاسوسان چند جانبه

۱- شاهپور بختیار

شغل: مدیر کل کار استان خوزستان، سهامدار و مدیر شرکت، از سران جبهه ملی،
آخرین نخست‌وزیر شاه
لژ: بزرگ ایران، لژ اصفهان
رابط: استاکیل

مأخذ: اسناد خانه سدان ص ۳۹۷، فرازهایی از تاریخ انقلاب ص ۲ و ۳، اسناد لانه

جاسوسی ج ۶-۱ ص ۴۸۵، و ج ۳۸

جاسوس انگلیس

دکتر شاهپور بختیار تا این اواخر بعنوان یک عامل انگلیس شناخته می‌شد.
همکاری‌های او با شرکت نفت انگلیس و رئیس اداره اطلاعات آن شرکت که نقش تعیین
کننده در جریان‌های سیاسی بعد از شهریور ۱۳۲۰، داشته و در عزل و نصب دولتها و رجال و
خریدن شخصیت‌ها و طرح توطئه‌های سیاسی بنحو غیر قابل انکاری مؤثر بوده، مشهور

است. از اسنادی که از منزل «سدان» مدیر عامل شرکت نفت انگلیس و محلّ اداره اطلاعات آن شرکت در سال ۱۳۳۰ شمسی و جریان نهضت ملی شدن نفت بدست آمد، سندی را که نشان می‌دهد شاهپور بختیار برای دولت انگلیس کار می‌کرده است در اینجا نقل می‌کنیم:

«پاسخ سخنرانی

یکی از کارگران شرکت نفت، که به نمایندگی از طرف کارگران ایران، در کنفرانس کارژنو شرکت داشته، ظاهراً طی نطق خود شرکت نفت را مورد حمله قرار داده، از رفتار زعمای شرکت نسبت به کارگران ایران انتقاد می‌کند. «استاکیل» که از ایراد این نطق در یک کنفرانس جهانی ناراحت شده معتقد است که متن نطق ممکن است از طرف نویسندگان حزب توده و مطبوعات وابسته به آن حزب تهیه شده باشد. او درخواست تهیه و ارسال چند نطق دیگر را می‌کند که بایستی در پاسخ سخنرانی مورد بحث ایراد شود:

محرمانه - ۲۱ نوامبر ۱۹۴۸

آی. دی. شی. ج. ک.

بطوری که اطلاع دارید یکی از نمایندگان شرکت، در کنفرانس بین المللی کار در ژنو نطق شدید اللحنی علیه شرکت ایراد نموده. ممکن است متن نطق مزبور را از حزب توده در تهران (اداره روزنامه مردم) دریافت کرده باشد.

آقای لیندن به من پیشنهاد کرد که معاون اداره رئیس کلّ شرکت نفت و دکتر بختیار به این نطق جواب بدهند. چون مطمئن نیستم که متن نطق مزبور قبل از مراجعت مصطفی فاتح و دکتر بختیار به آبادان برسد. (از قرار معلوم مشارالیهم تا دو روز دیگر باید مراجعت کنند.) خواهشمندم متن نطق‌های لازم را برای ایشان هر چه زودتر ارسال دارید. ممکن است متن آنها برای مطبوعات شما هم مفید واقع شود. - ف. استاکیل.» (رائین: اسناد خانه سدان چاپ دوم ۱۳۵۸ ص ۳۹۷)

«دکتر شاهپور بختیار پسر سردار فاتح جزو محصلینی بود که در زمان رضاشاه از ناحیه دولت به اروپا گسیل شد. در اروپا در روی میز کارش عکسی از وی و برادرش دیده می‌شد که مشتان گره کرده خود را به طرف آسمان گرفته‌اند. دکتر بختیار این عکس را تجسم احساسات انتقامجویانه خانواده خود از رضاشاه می‌دانست زیرا رضاشاه پدر وی را جزء

سران عشایر بختیاری اعدام کرده بود. ولی اسنادی که بعداً از وی در آرشیوهای سیاسی کشف شد او را مزدوری حقوق بگیر معرفی نمود. در زمانی که در آبادان مدیر کل کار بود حقوق دولتی وی ماهیانه در حدود هفتصد تومان بود ولی ماهیانه ده هزار تومان از شرکت نفت ایران و انگلیس بعنوان پاداش مستمری پولی دریافت می کرد که عکس و فتوکپی چکها پس از ملی شدن صنعت نفت جزو اسناد جاسوسی در روزنامه‌های معتبر آن روز پایتخت منتشر گردید و دکتر مصدق این اسناد را بعنوان [اسناد] رشا و ارتشا، در دادگاه بین المللی لاهه و شورای امنیت ارائه داد. (غائله چهاردهم اسفند ۱۳۵۹ ص ۸۷۷)

باوجود اینکه این اسناد در اختیار دولت، مطبوعات و رجال سیاسی بوده به بختیار بعدها بعنوان رجل ملی در جبهه ملی به فعالیت ادامه داده، در ۷ بهمن ۱۳۴۰ باتفاق مهندس خنجی و مسعود حجازی از سران جبهه ملی از سوی رژیم شاه بازداشت شده، و جریان وجیه سازی وی ادامه یافته تا در سال ۱۳۵۷ بعنوان یک چهره وجیه المله بتوانند او را بر کرسی صدارت بنشانند. شرکت و مدیریت وی در شرکتهای بزرگی نظیر شاهین شهر اصفهان با عبدالرحمن برومند معلوم بود هر چند آشکار نمی شد؛ ولی آنچه در مورد وی برای بسیاری تازگی داشت عضویت او در لژهای فراماسونی بود. به متن گزارشهای ساواک در مورد لژ اصفهان توجه کنید:

فراماسون

به: ۳۴۱ شماره: ۱۰/۶۸۵۹ هـ

از: ۱۰ هـ تاریخ: ۲۰/۴/۵۶

موضوع: تشکیل جلسه فراماسونری در اصفهان

در ساعت ۱۸۰۰ روز پنجشنبه جلسه لژ اصفهان با دعوت قبلی در محل لژ واقع در میدان ۲۴ اسفند ساختمان اشراقی تشکیل جلسه داد. در این جلسه آقایان ژان مکداول، دکتر شاهپور بختیار، شهاب الدین شهابی معاون استاندار، علیمحمد آزما، کمال نعمت بخشی، دکتر محمد توانا، دکتر خلیل خلیلی، عبدالغفار برومند، دیباج، رحیمی، و دکتر صدری حضور داشتند. پس از تشکیل جلسه آقای بختیار ضمن خوش آمد به حاضرین اظهار کرد: چون مدتی است لژ اصفهان فعالیت نداشته و تشکیل جلسه نداده لذا مورد ابراد و اعتراض گراند لژ مرکز قرار گرفته است و اضافه کرد

دستور جلسه حاضر، اول انتخاب هیأت رئیسه لژ بوده و سپس اقداماتی در جهت فعالیت بعدی باید انجام بگیرد ...

سپس انتخاب هیأت رئیسه را انجام داده، نامه‌ای به شریف امامی نوشته تقاضای اعزام هیأتی را جهت افتتاح لژ نموده‌اند بنا به این گزارش اوراق دعوت را دکتر بختیار، ژان مکداول و دکتر صدری امضا کرده‌اند.

به: ۳۴۱

از: ۳۵۱۰

موضوع: تشکیل لژ، در اصفهان

روز سه‌شنبه ۲۹/۱۱/۵۶ آقایان سناتور جلال گنجی، مهندس حسین دفتریان، پرویز یگانگی، محمد حسن مشیری، دکتر احمد هومن، علی اصغر سلسبیلی و کمالیان که جمعاً ۷ نفر بودند به اصفهان وارد و از اعضاء لژ ایرانی در اصفهان دعوت نموده بودند تا در مراسم تنصیب شرکت نموده فعالیت را تجدید نمایند ضمناً شام را باتفاق میهمانهایی که از تهران آمده بودند در محل لژ صرف کنند.

در این جلسه آقایان دکتر خلیل خلیلی رئیس انجمن شهر، دکتر توانا، شهاب‌الدین شهابی معاون استاندار، محمد مانی نماینده مجلس شورای ملی، دکتر صدری، نعمت بخش رحیمی کارمند دادگستری، دیباج رئیس دبیرستان، دکتر حکمتیار، مهندس گرجی مدیر عامل آب و فاضلاب اصفهان، ژان مکداول، صدریه، دکتر معلم و جعفر اعتمادی نژاد مدیر کل ثبت اصفهان حضور داشتند ضمناً ده نفر اعضاء هیأت مدیره لژ خارجیان مقیم اصفهان که اغلب آنها امریکائی بودند نیز دعوت شده بودند. در این جلسه ... آقای دکتر بختیار صحبت کرد و از امریکائی مزبور [مکداول] تشکر کرد در جلسه متشکله آقایان عبدالغفار و قدرت اله برومند بعثت مسافرت حضور نداشتند ... (فرازهائی از تاریخ انقلاب، ص ۴-۲)

این اسناد نشان می‌دهد بختیار از طرف لژ بزرگ ایران مأمور راهاندازی لژ اصفهان بوده و در این کار موفق شده است.

تاریخ: ۶ نوامبر

موضوع: گزارشات سیاسی امنیتی

دولت شریف امامی در پی تظاهرات وسیع دیروز [کشتار ۱۳/آبان/۵۷ منظور است] استعفا داده است و یک دولت نظامی تحت سرپرستی ژنرال غلامرضا ازهارى جایش را گرفته است. شاه دیروز سخنانی خطاب به ملت گفت... خشونت دیروز برنامه ریزی شده و بسیار سنگین بود...

میناچی گفت سخنرانی شاه بد نبود اگر مدت دولت نظامی کوتاه شود و راهی باز گذارد تا به آسانی یک دولت جدید مصلحتی موقت بوجود آید... رهبر جبهه ملی بختیار به ما گفت که او فکر می کند سخنرانی آرام و منطقی بود. سولیوان (اسناد لانه جاسوسی ج ۶-۱ ص ۴۸۵)

سخنگوی جبهه ملی شاهپور بختیار به مأمورین سفارت و بازدید کنندگان او گفت که او (بختیار) فکر می کرد که منظور از جمله تأیید مردم [در بیانیه کریم سنجایی] صرفاً انتخابات آزاد است. تعبیر بختیار از [توافق] آن بود که آن [توافق] راه را برای امکان دخالت مذهبی میانرو در دولت باز می کند. بختیار یک پیام تلفنی از پاریس دریافت کرد که او را آگاه کرده اند که دانشجویان ایرانی رادیکال مخصوصاً کنفدراسیون آلمان خیلی ناامید بودند که خمینی اینقدر ملایم بوده است. (همان)

سری ۱۳ مرداد ۵۸ اعضا

از رئیس ۴۸۸۷۵۱

به پاریس رونوشت برای تهران

هشدار شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. حساس

عطف به پاریس ۱۱۲۳۱

۱- بختیار در سالهای اوایل دهه ۱۹۶۰ (۱۳۴۰ شمسی) با چند تن از مأموران قرارگاه تماس آگاهانه داشت. بدلائل آشکاری، ما می‌خواهیم امکان برقراری مجدد آن تماس در این موقع را بررسی کنیم. یک یا چند تن از مأموران مربوطه قدیمی بختیار شاید حاضر باشند موقتاً به پاریس

مأموریت بگیرند. از نظریات قرارگاه درباره بهترین نحوه اجرای این [پیشنهاد] استقبال می‌کنیم.

۲- وزارت خارجه را از تمایل خود به تماس با بختیار مطلع کرده و موافقت آنها را گرفته‌ایم. بنابراین در صورتیکه قرارگاه مفید تشخیص داد می‌توان بنحو دلخواه سفیر را در جریان گذارد.

۳- پرونده: ۰۰۸۰۰۰۱ - ۲۰۱ تاریخ ۱۲ مرداد ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سزی (اسناد لانه جاسوسی ج ۳۸ ص ۹)

سزی تلگرام غیر فوری ۲۸ مهر ۵۸

از واشنگتن ۵۳۵۵۰۴ به تهران

موضوع: - هشدار شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است.

- خلاصه‌ای از عملیات اس. دی. راپ، اس. دی. پیر

عطف به: تهران ۵۴۴۹۶

۱- برای اینکه قرارگاه درک بهتری از عملیات اس. دی. پیر ۱/

(پ/۱) و اس. دی. راپ ۱/ (ر/۱) داشته باشد، خلاصه زیر را ارائه می‌نمائیم:

۲- همانطور که قبلاً گزارش شده، پ/۱ تماس با سیا را بطور غیر مستقیم از طریق آشنایان خود در ارتش ایالات متحده امریکا ترتیب داد. «کامیسکی» با پ/۱ ملاقات نمود و اینک قضیه او را در دست دارد. پ/۱ (افسر عالی رتبه ارتش، دارای شغل مهم سفارتی و غیره) زمانی که رژیم شاه فرو ریخت با مصیبت مالی روبرو شد... تا اینکه بختیار در پاریس پدیدار شد. بنا به اظهارات پ/۱ بختیار با وی تماس گرفته و از او خواست که ملاقاتی بین بختیار و مقامات عالی‌رتبه دولت امریکا و یا سیا ترتیب دهد. پ/۱ ادعا می‌کند که بختیار کاملاً به وی اعتماد دارد، چرا که آنها نه تنها دوستان دیرینه هستند بلکه قوم و خویش سببی هم هستند. بعد از اینکه پ/۱ به طرف ما آمد ما به او اطلاع دادیم به بختیار بگویید... برای عرضه نظریاتش به سیا از پ/۱ بعنوان رابط استفاده کند... پاسخ بختیار این بود که او از تهیه این کانال ممنون است... (همان ص ۱۴ - ۱۳)

اسناد ارتباطات بختیار با سیا و درخواست کمک مالی و عملیاتی از دولت امریکا و سازمان سیا از طریق چندین نفر از جمله [تیمسار] مخاطب رفیعی (پ/۱) و عبد الرحمن برومند و غیره در جلد ۳۸ از اسناد لانه جاسوسی و دیگر مجلدات اسناد چاپ شده است.

۲- مهندس جعفر شریف امامی

شغل: سناتور، رئیس سنا، رئیس بنیاد پهلوی، رئیس اطاق بازرگانی و صنایع، نخست وزیر، رئیس و عضو هیأت مدیره بانک توسعه صنعتی و بنگاه ترجمه و نشر کتاب
لژ: عضو لژهای انگلیسی، استاد اعظم لژ ستاره سحر
نام رابط امریکایی: مارتین هرتز، وتو ساین

مأخذ: راین، ج ۳ ص ۵۲۶ - اسناد لانه جاسوسی، ج ۱۷ ص ۲۷ و ۶۳

«مارتین هرتز نوشته است:

شریف امامی شاید مولدترین رابط من در اینجا بوده است... او از محدوده خود فراتر رفت تا نشان بدهد که می‌خواهد با ایالات متحده همکاری کند و او می‌تواند در این مورد سودمند باشد.»

این گزارش می‌رساند که شریف امامی علاوه بر اینکه شخصاً در دیدارهای ماهیانه اطلاعات لازم را در اختیار رئیس اداره اطلاعات امریکا در ایران می‌گذاشته، و علاوه بر اینکه عده دیگری را به ارتباط با مأموران امریکایی واداشته (مولد رابط بوده)، کارش از حد دادن اطلاعات گذشته و بصورت همکار و عامل اجرای خواسته‌های امریکا درآمده است. اسناد دیدارهای مرتب رئیس اطلاعات امریکا در تهران با شریف امامی میان اسناد سفارت امریکا بدست آمده و منتشر شده است.

۳- دکتر جهان‌شاه صالح

شغل: پزشک زنان، استاد دانشگاه، وزیر بهداری کابینه سپهبد زاهدی سال ۱۳۳۲ و حسین علا و جعفر شریف امامی، رئیس دانشگاه تهران، پزشک فرح پهلوی، مؤلف کتب طب زنان، ملاک

لژ: کلوپ روتاری ایران

نام رابط امریکایی: مارتین هرتز

مأخذ: راین، ج ۳ ص ۷۰ - ۶۹، سمعی ص ۹۱ - ۸۸، اسناد لانه ج ۱۷ ص ۲۵، ج ۲۱ ص ۱۲۸

در سند سری مورخ اکتبر ۱۹۵۹/مهر ۱۳۳۸ وزارت خارجه آمریکا، ضمن گزارش درباره مرحوم اللهتار صالح و ذکر محاسنی اخلاقی برای وی، در مورد جهان‌شاه صالح آمده است: «نسبت به ایالات متحده دوست شناخته می‌شود.»

ماتین هرتز نوشته است: «علیرغم این واقعیت که او بود که فرزندان شهبانو[فرح] را به دنیا آورد همسر من که پزشک امراض زنان است او را یک پزشک سخت خطرناک تشخیص می‌دهد.»!

۴- دکتر سید مهدی پیراسته

شغل: استاندار، وزیر کشور، وزیر دادگستری، سفیر در عراق و بلژیک، رئیس انجمن ایران و آمریکا، زمیندار
لژ: ستاره سحر

رابط: مارتین هرتز - لامبراکیس، رضا امینی

مأخذ: اسناد، راین ج ۳ ص ۶۴۸، اسناد لانه جاسوسی ج ۱۷ ص ۲۴، اسناد لانه ج ۲۵ ص ۹۱، ۱۰۴، سمعی ص ۶۹ و ۹۲

لامبراکیس مأمور سفارت آمریکا در یادداشت خیلی محرمانه مورخ اکتبر ۱۹۷۸/مهر ۱۳۵۷ می‌نویسد:

پیراسته از وفاداران نسبتاً برجسته شاه است که طبق مدارک سفارت در زمان مصدق بنفع شاه و اشرف خیلی فعال بوده... او مقاله بلندی در انتقاد از خط مشی آمریکا نوشته که در مطبوعات چاپ شد، او به ما فهماند که طرفدار روش حمله به چیزی برای رفع ظن طرفداری از آن است و انتقاد وی از آمریکا بهمین علت است... در ضمن نظر چند تن از کارمندان سفارت بر این است که او یک عامل انگلیسی است. (اسناد لانه ج ۲۵ ص ۱۰۶ و ۱۰۷) معروف بود که عامل انگلیس است (سمعی ص ۶۹).